اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۷ دوره سوم دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۷ صفر ۱۴۰۲ و ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ بها ۳۰ ریال

با اجرای فرمان امام خمینی:

حکومت قانون را برقرار کنیم

فرمان با اهمیت امام خمینی درباره‌لزوم اجرای‌قانون وضرورت‌مجازات افراد خاطی‌از قانون، که‌دوشنبه‌گذشته انتشاریافت، باردیگر مسئلهٔ حیاتی‌اجرای‌قانون رادرمرکز توجه مقامات مسئول قرار دادوبصورت‌محور مسائل سیاسی روز درآمد.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران، که در آغاز سال ۶۰ این

بقیه‌درصفحه۱۴

آمریکا ترکیه‌وپاکستان راعلیه ایران تحریک وتسلیح می‌کند

سه‌مسافرت ویک نتیجه‌نمیتواند جلب‌نظرنکند: مسافرت‌کنعان اورن- دیکتاتور نظامی‌ترکیه‌به پاکستان و مذاکرات او باضیاءالحق - دیکتاتور نظامی‌پاکستان، مسافرت‌واین‌برگروزیر دفاع‌آمریکا به ترکیه و مذاکرات او با کودتاگران ترکیه، مسافرت سلطان‌بن - عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی به پاکستان و مذاکرات‌وی با ضیاءالحق‌ودیگران. این‌هرسه‌مسافرت ومذاکرات به یک منظور انجام گرفت‌و یک‌نتیجه به بار آورد: تسریع در تسلیح‌ترکیه وپاکستان وتوسعه همکاری‌های‌نظامی بین‌ترکیه‌وپاکستان. و این نتیجه، چون‌می‌بایستی‌اجراء شود و اجراء می‌شود، وبنابراین‌پنهان‌کردنی نبود، رسماً اعلام شد.

خودبه‌خوداین‌سئوال مطرح می‌شودکه: برای‌چه، لازم‌آمده‌است‌که درتسلیح ترکیه وپاکستان تسریع شودو همکاری‌نظامی بین‌این دو کشورکودتا زده نظامی‌و این‌دودولت‌دست‌نشانده ومتحدنظامی‌آمریکا، توسعه‌یابد؟

درپاسخ این سئوال، که خود به خود مطرح‌می‌شود، "امپریالیسم خبری" به‌نشر "اخبار"ی پرداخت‌ازاین‌دست: "... شوروی بیست وچهارلشگر

بقیه‌درصفحه۷

با عاملین اصلی تروریسم اقتصادی و سرمنشاء تروریسم اقتصادی مبارزه کنیم

اصطلاح "تروریست اقتصادی"، اصطلاح‌کاملاگویایی‌است این‌اصطلاح‌که اول دفعه درخطبه‌نماز جمعه توسط حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی‌عنوان شد، به‌کسانی‌اطلاق‌می‌گردد که باحربهٔ اقتصادی به‌انقلاب وجمهوری اسلامی ایران اعلان‌جنگ‌داده‌اند.

جنگ تروریست‌های اقتصادی علیه انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی ایران ابعادی فراتر ازجنگ نظامی‌دارد، که امپریالیسم بدست صدام به کشور ما تحمیل‌نموده‌است. این‌جنگ، از همهٔ جنگ‌های‌دیگرامپریالیسم وضدانقلاب علیه کشور ما خطرناک‌تر است. جنگ تروریست‌های اقتصادی جبهه‌ای به وسعت تمام کشور دارد و همهٔ سکنهٔ مستضعف وزحمتکش را شامل‌می‌شود. تروریست‌های اقتصادی بابهره‌گیری‌از سلاحهای‌مخرب: احتکار، ایجادکمبود - های‌مصنوعی، گرانی، گرانفروشی و تورم، خلاصه‌استفاده ازحربهٔ کالا و سرمایه، درست قلب‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران رانشانه‌رفته‌اند، زیرا پنهان‌نیست که‌قلب‌هرانقلابی‌را، در تحلیل نهائی، وضع اقتصادی- اجتماعی تشکیل‌می‌دهد.

بقیه‌درصفحه۱۲

بین تحریک واخلال میان کارگران وعدم رضایت بحق و قانونی آنان باید فرق گذاشت

اعتصاب اخیر در یکی ازواحد- های‌بزرگ صنعتی زنگ خطرجدی‌بشمار میرود. این زنگ خطر فقط در مورد تحریک واخلال ضدانقلاب در واحد- های‌تولیدی وخدماتی‌نیست. این‌زنگ خطرهمچنین باید نشانه انباشته‌شدن برخی نارضایتی‌ها میان کارگران و زحمتکشان تلقی گردد. طبیعی‌است‌که همانطور که حق‌نداریم نسبت‌به‌تحریک واخلال ضدانقلاب‌در محیط های کار بی‌تفاوت باشیم وباید با قاطعیت انقلابی‌نسبت به جلوگیری و قطع آن اقدام‌کنیم، همانطور هم‌نمی‌توانیم نسبت به‌انباشته‌شدن‌عدم‌رضایت‌میان کارگران‌وزحمتکشان بی اعتنا باشیم باید باروش‌منطقی وبردبارانه در رفع عدم رضایت‌هاکوشش‌بعمل‌آوریم. تنها باچنین‌روش‌وبرخوردی‌میتوانیم‌انقلاب راازگزند وآسیب پذیری درمحیط‌ها ی کارمصون بداریم و در عین حال‌اتحاد واتفاق میان کارگران وزحمتکشان و حاکمیت انقلابی را هر روزمستحکمتر سازیم.

بقیه‌درصفحه۱۵

بمناسبت شهادت آیت الله دستغیب

سرنوشت تروریسم شکست است

تروریست‌هائی که‌مجری‌مقاصد های امپریالیسم‌آمریکا درمیهن‌انقلابی ما هستند، دست به‌جنایت‌هولناک‌دیگری زدند. آنهاتوسط بمب‌دستی **آیت اله دستغیب** امام‌جمعه‌شیرازونماینده امام دراستان‌فارس را، هنگامیکه عازم ایراد خطبه‌های‌نمازجمعه بود، به‌شهادت رساندند. دراین‌جنایت‌هولناک ۱۲نفر ازهمراهان**آیت‌اله‌دستغیب**نیزبشهادت رسیدند.

این‌جنایت هولناک بحق موج بزرگی‌ازتاثروخشم درمردم‌برانگیخت، دولت روزشنبه گذشته راعزای عمومی اعلام کرد و**امام‌خمینی**رهبرانقلاب‌و بنیانگذارجمهوری‌اسلامی ایران در پیامی که به‌مناسبت شهادت **آیت اله دستغیب** دادند، اعلام‌کردند:

"ما این‌بزرگان علماو معلمان ارزشمند را برای جبران‌شکست آمریکا درمنطقه وصدام‌آمریکایی درجبهه‌ها ازدست‌می‌دهیم".

درواقع نیزتروریست‌ها، که‌بعداز خوردن ضربات‌کاری از انقلاب، از آخرین‌نیروهای‌خوداستفاده‌می‌کنند، برآنندتابااین‌تشبثات‌و جنایات مانع از روند تثبیت انقلاب شوند.

در این‌روزها، که‌بدنبال فرمان امام‌خمینی‌تلاش وسیعی‌برای‌حاکمیت

بقیه‌درصفحه۱۵

یک پیروزی دیگر...

رزمندگان قهرمان‌ایران‌درروز- های پایان‌هفته‌پیش فتح‌بزرگ دیگری را رقم زدند. دلاوران‌ایرانی درپی فتح‌بزرگ‌بستان، که خودپیامدشکست محاصرهٔ آبادان بود، در یورش شجاعانه‌ای به‌متجاوزان‌صدامی، ۱۶۰۰ کیلومترمربع از اراضی‌اشغالی غرب را آزاد کردند.

دراین‌نبردقهرمانانه متجاوزان صدامی، که مجری توطئهٔ آمریکادرخاک میهن‌انقلابی‌ماهستند، با دادن هزار کشته‌و سیصداسیرعقب نشستند و چندین دهکده و ۹ ارتفاع و تنگهٔ استراتژیک بدست‌نیروهای مسلح جمهوری‌اسلامی ایران‌افتاد.

بدینسان دلاوران پاسدار، ارتشی، بسیج‌ودیگرنیروهای‌خلقی با نثار جان خود راه فتح‌دیگری را هموارکردند ودشمن را بازهم‌از خاک میهن‌عقب راندند.

این‌پیروزی‌های پی‌درپی درطول جبهه‌های‌جنگ‌خبرازتحول‌کیفی‌اوضاع بسودنیروهای دلاورایران‌دارند، که بعد از ۱۴ ماه، حملات‌نهائی خود را برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن‌انقلابی‌شدت بخشیده‌اند.

اخبارفتوحات پی‌درپی بیگمان برای مردم‌قهرمان ایران، که به بهای خون‌بهترین فرزندان‌خود، ابتدا راه نفوذدشمن‌آمریکا انگیخته‌راسدکردند، وسپس به بیرون راندن‌آن پرداختند، مژدهٔ بزرگی‌است. فتح‌های‌مرحله ای امروزخبر از پیروزی نهائی‌وحتمی‌فردا می‌دهد، و باردیگر این درس بزرگ تاریخ تکرارمی‌شودکه، هرگزخونخوار- ترین‌متجاوزان هم نتوانسته‌اند و

بقیه‌درصفحه۱۴

در صفحات بعد

سوریه هدف تجاوز و جنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم

صفحه ۸

جنبش دمکراتیک ومترقی بین‌المللی دانشجویان استوار ومتحدبراه خود ادامه می‌دهد

صفحه ۸

سیاستی مدبرانه در برخورد باماجرای هواپیما ربایی

صفحه۲

کارائی اوپک درمقابله با توطئه‌های امپریالیستی

۶۲ - مین اجلاسیهٔ وزیران ۱۳ کشور عضو "اوپک" روزهای چهارشنبه تاجمعه، هجدهم تا بیستم آذرماه ۱۳۶۰ (۹ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۸۱) در ابوظبی برگزارشد. طی سال جاری مسیحی این چهارمین باربود که وزرای کشورهای صادرکنندهٔ نفت به دورهم جمع شدند، تا بامشکلات و توطئه‌هایی که امپریالیسم برای "اوپک" فراهم می‌آورد، مقابله‌کنند.

"اوپک" در دودهه عمرخود (سال ۱۹۸۰، ۲۰ سال تمام از تاسیس‌اوپک گذشت) به‌پیروزی‌های بزرگی دست یافته است. دردهسال اولیهٔ این سازمان، باوجود برخورد به مشکلات عظیم ناشی از سلطهٔ امپریالیسم و انحصارات جهانی برصنایع وبازار بین‌المللی نفت، موجودیت خود را حفظ کرد و خود را به جهانیان ساساند. دردههٔ دوم (ازسرنگونی رژیم سلطنتی درلیبی درسپتامبر ۱۹۶۹ تا پیروزی انقلاب عظیم اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی در ایران در۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (ژانویهٔ ۱۹۷۹) "اوپک" درمبارزه علیه انحصارات امپریالیستی نفت به پیروزی‌های بزرگی دست یافت. یک نمونهٔ آن تغییر درقیمت‌های نفت از بشکه‌ای کم‌تر از ۲ دلار به بشکه‌ای

بقیه‌درصفحه۲

درباره‌ٔ

سیستم اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

آقای‌میرحسین‌موسوی‌نخست‌وزیر، طی‌نطقی‌که بهنگام معرفی‌کابینه به مجلس شورای‌اسلامی (یازدهم‌آبان‌ماه ۶۰) ایرادکرده‌بوداز‌جمله‌به‌مسئله‌مهم نیاز "به‌یک‌سیستم‌اطلاعاتی قوی و مطمئن" اشاره نمود. نخست‌وزیر، ضمن طرح‌مسئله امنیت، اظهارداشته‌بود:

"بیش از همیشه احتیاج به یک سیستم اطلاعاتی قوی ومطمئن‌داریم، چه در مورد مسائل برون مرزی و چه درون‌مرزی".

"تاکنون درسیاست‌خارجی تا اندازه‌ای باچشم بسته‌وروی حدسیات عمل‌می‌کنیم، گرچه سعی شده‌کماین وضع کم‌کم از بین برود. اطلاعات ما در مسائلی که درجهان اتفاق‌می‌افتد، بسیارابتدائی‌است و باوجود اینکه پر کاری افرادمتعهد ومومن به‌انقلاب، این نقیصه راتاحدودی پرمی‌کند، ولی در درازمدت خلاء ناشی ازنداشتن‌یک سیستم‌اطلاعاتی برون‌مرزی‌بیش‌ازپیش محسوس خواهدبود.

ودر داخل کشور هم اکنون بر اساس تجربه ونیازهای آتی‌فعالیت‌- هائی درزمینه‌اطلاعات وجود دارد که باید هم‌آهنگ شود. دراین‌مورد باید سریعاعمل‌شود و هر روز که مااین‌مسئله رابه‌تاخیربیندازیم، بنظرمن، بادست خودمان‌زیان بزرگی رامرتکب شده‌ایم که قابل‌جبران نخواهدبود".

اینهاسخنان درستی است. هر

بقیه‌درصفحه۱۴

فیدل کاسترو: آمریکا جهان را به ورطهٔ جنگ هسته‌ای سوق میدهد

صفحه ۳

سیاست کشاورزی در راه رشد غیرسرمایه داری

بخش اول: دوگرایش متضاد درجنبش‌های رهائی بخش

صفحه۹

سیاستی مدبرانه در برخورد با ماجرای هواپیماربایی

برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران، با ماجرائی که ربایندگان هواپیمای لیبیائی آفریدند ومی‌خواستند بیافرینند، برخوردی مسئولانه و مدبرانه، برخوردی از لحاظ سیاسی هشیارانه وصحیح بود. این برخورد چنان بودکه نه‌فقط به دوستی بین لیبی و ایران لطمه‌ای وارد نکرد، بلکه آن را بیش ازپیش تحکیم بخشید.

ولی بیجا نیست جریان ماجرا را ولو گذرا از نظربگذرانیم زیرا این هواپیماربائی، جنبهٔ سیاسی‌دارد. اگرهواپیماربایان موفق میشدند که "تقاضاهای" خودرادرایران به کرسی بنشانند، بیشک مناسبات دوستانه موجودبین لیبی‌وایران مختل‌میشد وبه‌تیرگی میگرائید. یعنی دوباره سیاست‌ایران نسبت به لیبی‌درخطی قرارمیگرفت که‌بمدت‌دوسال‌لیبرالها درپیش‌گرفته‌ومانع برقراری مناسبات دوستی وهمکاری ایران ولیبی در مبارزه علیه آمریکا شدند.

دربررسی ماجرا، ابتدا مبنا رابر این فرض قراردهیم که هواپیماربایان مردان صدیقی هستندکه واقعا می‌خواهند امام موسی‌صدر- رهبرمذهبی - سیاسی شیعیان لبنان وسازمان‌امل را پیداکنند تا با برخورداری‌ازرهبری ایشان، مبارزه رابرضدامپریالیسم آمریکاواسرائیل صهیونیستی باشدت وگستردگی بیشتری دنبال کنند. بر مبنای همین فرض، عمل چنین‌مردان صدیق می‌بایستی اولا برزمینهٔ‌چنان شرایطی صورت‌گیردکه‌درجهت‌گسترش مبارزهٔ ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی باشد. وثانیا میبایستی باچنان شیوه‌هائی اجراشود که‌انسانی واخلاقی باشد. ولی‌عمل، دقیقادر شرایطی انجام‌گرفت‌که لیبی به گناه مبارزهٔ‌ضدامپریالیستی در معرض "برنامه" توطئه‌های آمریکا قرارگرفته است. از این "برنامه" که به گفتهٔ ژنرال هیگ، وزیرخارجهٔ آمریکا، در سپتامبر گذشته، "همه‌جانبه" بررسی شده‌است، تاکنون عناصری نظیر تهدیدلیبی به تهاجم نظامی، سرنگون‌ساختن دوهواپیمای لیبیائی درفضای هوائی آن کشور، تحریک سودان به مداخله درامورلیبی، کوشش درفلج‌کردن تولیدوفروش نفت‌فراخواندن "شهروندان" آمریکائی از این کشور بدلیل "بی‌ثباتی" وضع آن، تبلیغات عنان‌گسستهٔ ضدلیبی ورهبران آن که گویا "تروریست "اندوچنان "تروریست اندکه گروهی تروریست برای کشتن ریگان‌به آمریکا فرستاده‌اند...عملی شده‌است. خلاصه عمل ربودن هواپیمای لیبیائی درشرایطی انجام گرفته که به گفتهٔ "صدای آمریکا"، مسئلهٔ لیبی به عنوان مسئلهٔ‌عمده درمطبوعات ودستگاه تبلیغاتی‌آمریکا مطرح شده و همهٔ شواهد وعملیات‌به وضوح نشان میدهند که آمریکادرصدد براندازی رژیم ضدامپریالیستی لیبی است. درچنین شرایطی، طرح مجدد اتهام ربودن امام‌موسی صدر وبدین وسیله گسترش تحریکات ضدلیبیی‌حتی اگرصادقانه انجام گرفته باشد، عملی است که‌آب به‌آسیاب آمریکامیریزد.

شیوهٔ عمل نیز نه اخلاقی است، نه انسانی و نه اسلامی. گروهی‌مسافر و زن و کودک بیگناه را ربودن ومدت درازی از این سو به‌آن سو کشاندن و دراضطراب جانکاه و زیر داس مرگ قراردادن، هیچ وجه مشترکی با انسانیت و اسلام و اخلاق ندارد.

اما بررسی جریان ماجرا نشان میدهد که عمل ربایندگان هواپیما، نه صادقانه، بلکه از روی نقشهٔ مشکوکی صورت گرفته و احتمالا حق با دولت لیبی است که دست "سیا" در کار بوده. وبرخی از جاسوسان "سیا" درسازمان امل رخنه کرده‌اند و به نام این سازمان عمل می‌کنند. حتی گزارش‌های خود خبرگزاری‌های غربی که در روزنامه‌های کشورما ازجمله در "اطلاعات" و "کیهان" انعکاس‌یافت نکاتی دارند که اندک توجهی به‌آنها نشان میدهد که واقعه "ابتکار" چند "مجاهد امام‌موسی صدر" نیست. برخی از این نکات چنین‌اند:

هواپیمای ربوده شده درفرودگاه رم- نه فرودگاه هواپیماهای مسافربر- درفرودگاه نظامی (!) رم می‌نشیند. چگونه می‌شود که فرودگاه نظامی هواپیمای ربوده شده را می‌پذیرد و حتی درصورت موافقت به فرود آن، آن را به فرودگاه غیرنظامی هدایت نمیکند؟ این "امنیت" نظامی که همراه با "سریت" است‌برای چیست؟ هواپیماربایان، آنگاه خواستار انتشار گزارش مربوط به ناپدیدشدن امام موسی صدر توسط ایتالیا "میشوند، ولی انجام این تقاضا برای مقامات ایتالیائی "مشکل" است، چون‌که "قسمتی" از پرونده‌درکاخ‌دادگستری ایتالیا گم‌شده. این "قسمتی" از پرونده نیز "پاسپورت و تقویم امام موسی صدر وپاسپورت‌های دوتن از همراهانش" بوده است یعنی‌درست همان "قسمتی" که ثابت میکند امام موسی‌صدر با همراهانش وارد ایتالیا شده‌اند. ولی "مقامات" ایتالیائی به نوشتهٔ فرانس پرس "معتقدند" که "امام‌موسی‌صدر هرگز وارد ایتالیا نشده" وچون آن "قسمت" از پرونده "گم" شده، پس قذافی امام موسی صدر را ربوده است. آیا دست "سیا" دراین جریان دیده نمیشود؟

با اینهمه ربودن هواپیمای‌لیبیائی مورد تائید وپشتیبانی برخی از مسئولان جنبش امل نیز واقع شده است. وقتی هواپیمای ربوده شده در فرودگاه بیروت می‌نشیند، برخی از نمایندگان سازمان امل با آن‌ها تماس میگیرند، ولی نه برای آن که آن‌ها را از "خرشیطان" پیاده کنند. دراین میان گروهی از "مردان مسلح سازمان امل مسافران یک هواپیمای خطوط هوائی شرکت میدل ایست خاورمیانه درفرودگاه بیروت را به گروگان می‌گیرند. تا مقامات لبنانی‌به‌هواپیمای ربوده شده سوخت تحویل دهند" (کیهان به نقل ازفرانس پرس - چهارشنبه ۸ آذر) و پس ازسوخت گیری وقبل ازحرکت به سوی تهران "درآخرین دقایق مذاکره‌کنندهٔ سازمان و دیگر فرماندهان امل نقشهٔ‌فرودگاه مهرآباد تهران رادر اختیارخلبان‌قرارمیدهند" (اطلاعات به نقل از آسوشیتدپرس همان‌روز).

در روزنامهٔ کیهان (همان روز)، همچنین به نقل از گزارش فرانس پرس، چنین میخوانیم:

"دراین میان "بنیه‌بری" دبیرکل نهضت سیاسی- نظامی شیعی (امل) درگفتگویی با خبرگزاری فرانس پرس ضمن تاکید براین که درماجرای ربوده شدن هواپیمای لیبیائی دخالتی نداشته است، به طورضمنی این‌عمل را مورد تائید قرارداد. بنیه‌بری اعلام کرد: این هواپیماربائی ازسوی طرفداران‌امام‌موسی صدر و درجهت اقداماتی که ازدوسال پیش برای آزادی امام‌صدر و همراهانش به عمل آمده، انجام گرفته است و پاسخی مناسب (؟!) برای رسیدن به راه حلی عادلانه (!) برماجرای امام موسی صدر می‌باشد." (کیهان ۸ آذر).

بدینسان هواپیمای ربوده شدهٔ لیبیائی به سوی تهران پروازمیکند. دولت ایران بااین که قبلا اعلام کرده بود که اجازهٔ فرود به این هواپیما نخواهد داد، معذالک چنانکه آقای علوی طباطبائی ونیز آقای نخست وزیرتاکید کردند، بنا به‌درخواست کتبی سفارت لیبی بدان اجازهٔ فرود داده شد. این خود اقدامی مفید و لازمی درخط دوستی ایران ولیبی بود. غیراز تقاضای غذا، دیگرتقاضاهای هواپیماربایان، ازجمله تقاضای "تشکیل هیاتی برای دنبال کردن مسئلهٔ ربوده شدن امام موسی‌صدر" ویا تقاضای فرستادن "پیامی به‌ملت ایران" جامهٔ عمل نپوشید. دوستی لیبی وایران، نه‌تنها تضعیف نشد بلکه تقویت و تحکیم بیشتری‌یافت. این دست ردی بود به کوششی که دانسته و یا ناخودآگاه برای ایجاد تیرگی درمناسبات ایران و لیبی‌به عمل میآمد وبه مدت دوسال لیبرال ها درایران باسماجت آنرا تحمیل کرده بودند.

جمهوری اسلامی ایران ولیبی در یک جبهه - جبههٔ مبارزه برضد امپریالیسم وصهیونیسم به‌سرکردگی آمریکا- قراردارند و طبیعی وضرور است که مناسبات همکاری متقابل دو کشور ما روز بروز استحکام بیشتری و تقویت بیشتری یابد.

هردوکشورما درمعرض توطئه‌های براندازی آمریکا قرارگرفته‌اند. دولت تروریست و فاشیست آمریکا برای برانداختن انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران ونیز برای برانداختن انقلاب و نظام ضدامپریالیستی اسلامی لیبی "برنامه‌های" مشابهی تدوین کرده است. هردوکشورما دست دردست یکدیگر و دست دردست تمام دیگر کشورها و نیروهای‌ضدامپریالیستی منطقه و جهان میتوانند وباید این "برنامه‌ها" را عقیم وخنثی کنند.

برخورد هشیارانه ومدبرانه دولت ما با ماجرائی که هواپیماربایان آفریدند و میخواستند بیآفرینند، نیک نشان میدهد خط سیاست‌خارجی ما لیبرال زدائی و آمریکازدائی‌شده و میشود و این باعث خرسندی ومایه امید و نویدبخش تسلط خط امام در سیاست خارجی است که خود وسیله و ضامن پیروزی انقلاب، و جمهوری اسلامی ایران برهمهٔ دشمنان آن به سرکردگی شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن - آمریکای توطئه‌گر و جنایتکار است.

کارآیی اوپک...

بقیه‌ازصفحهٔ ۱

بیش از ۳۴ دلار طی این مدت است. ملی شدن صنایع نفت دراغلب کشور های نفت‌خیز و کوتاه‌شدن دست انحصارات امپریالیستی، منجمله عمده‌ترین آنها-کنسرسیوم بین‌المللی نفت ایران - از غارت ذخایر نفت، نمونه‌های دیگر پیروزی مجموعهٔ‌کشور های نفت‌خیزدرحال رشد بشمار میرود.

درآغاز سومین دههٔ عمرخود، "اوپک" باجبهه‌گیری وسیعی ازجانب همهٔ دول امپریالیستی وکلیهٔ انحصارات نفتی مواجه شده است. در راس این جبهه امپریالیسم آمریکا و اعضاء کارتل بین‌المللی نفت قرار دارند، که پنج عضو عمدهٔ آن را انحصارات نفتی آمریکا و دوعضودیگر آن را انحصارات عظیم نفتی انگلیس وهلند تشکیل میدهند. این جبهه، که انقلاب عظیم اسلامی ضدامپریالیستی‌و مردمی درایران بزرگ‌ترین ضربه رابه آن وارد ساخته، سعی میکند که باتوطئه‌های پی‌درپی، "اوپک" را ازهم متلاشی کند وسپس یکی بعدازدیگری کشورهای نفت‌خیز در حال رشد را به قبول شرایط سنگین غارتگرانه امپریالیستی درانعقاد قرار دادهای امتیازی و فروش نفت به قیمت ارزان وادارنماید.

درسال ۱۹۸۱ توطئه‌های دول امپریالیستی وانحصارات نفتی‌علیه "اوپک" ازهروقت دیگر دامنه‌دارتر بوده است. این توطئه‌ها، ازدامن زدن به جنگ عراق علیه ایران گرفته تا تمرکز نیروهای نظامی واکنش‌سریع آمریکا درجوار نواحی نفت‌خیز خلیج فارس، ذخیره‌سازی نفت درآمریکا و کشورهای غربی، مواجه ساختن بازار نفت با افزایش عرضه درمقابل تقاضا و نظایرآن را دربرمیگیرد. هدف این توطئه‌هاابتدا وادار ساختن اعضاء "اوپک" به کاهش استراتژیک قیمت‌های پایهٔ نفت و سپس واردآوردن ضربات اقتصادی ومالی به کشورهای نفت‌خیز، اختلال دربودجهٔ این کشورها، فلج اقتصادی و تغییرنظام‌های‌انقلابی، باتوسل به جنگ‌ها و منازعات داخلی وحتی تحریک و حملات مسلحانه ازخارج است.

قبل ازآغاز بکار اجلاسیهٔ اخیر نیز امپریالیسم آمریکا وانحصارات نفتی به توطئه‌های جدیدی علیه کشورهای نفت‌خیز دست زدند. مانورنظامی "ستارهٔ درخشان"، طرح فهد، تشدید فشار آمریکابه لیبی و تشدید توطئه علیه ایران، هدف تغییرتناسب قوانیزمیان کشورهای نفت‌خیز درحال رشد را بسود امپریالیسم وانحصارات نفتی‌تعقیب می‌کند. استفاده از موقعیت دولت‌های سرسپرده نظیرعربستان سعودی نیز، که با استخراج وصدوربیش ازحد نفت، بازارجهانی را ازنفت انباشته است (ذکی یمانی رسما اعلام‌داشت که درآستانهٔ سال نومسیحی، درصدد است هدیهٔ کریسمس را به جهان صنعتی بدهد) از وسائل دیگری است که دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به منظوردرهم‌شکستن مقاومت "اوپک" بکارگرفته‌اند.

دربرابر یک چنین تهاجم سرتاسری نتایجی که ازکنفرانس ابوظبی بدست آمده وطی آن قیمت پایهٔ نفت (هر بشکه ۳۴ دلار طبق کنفرانس قبلی ژنو) ثابت نگاه داشته شده، بیانگر کارائی "اوپک" درمقابله با توطئه‌های امپریالیستی است. البته درقیمتهای "تفاضلی" نفت، که بسته به درجه مرغوبیت تعیین می‌شود، کاهشی بین ۳۰ تا ۷۰ سنت درهربشکه مورد قبول واقع شده، که با مخالفت بحق و درست وزیرنفت جمهوری اسلامی ایران مواجه بوده است. با این‌حال، عمده آنست که باردیگر تیر تلاش مذبوحانهٔ دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به سنگ خورده و "اوپک" موجودیت و وحدت خود را دردفاع از مواضع **استراتژیک** خویش به نمایش گذاشته است.

"اوپک" ازمواضع بسیارنیرومندی نه‌تنها درحفظ پیروزی‌های بدست آمده، بلکه درکسب پیروزی‌های بزرگی درآینده برخوردار است. شبهه نیست که تثبیت پیروزی‌های انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی درکشورما، نقش عظیمی در تامین موقعیت‌های آتی همهٔ‌کشورهای نفت‌خیز درحال رشد و رهائی آنان‌از یوغ امپریالیسم وانحصارات غارتگر بین‌المللی نفت خواهد داشت. تناسب نیروهادرجهان‌بسود ملل و دول ترقیخواه، ضدامپریالیست و صلح دوست بهم خورده و حرکت امپریالیسم وسلطهٔ غارتگران امپریالیستی به سوی زوال اجتناب ناپذیراست. پیروزی‌های آتی "اوپک" برهمین مبنی استوار است و امید به کسب آن‌ها خلل ناپذیر.



فیدل کاسترو:

آمریکا جهان را به ورطهٔ جنگ هسته‌ای سوق می‌دهد

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۴ شهریور ۱۳۶۰) شصت و هشتمین کنفرانس اتحاد بین‌المجالس، مرکب از نمایندگان پارلمان‌های جهان، در هاوانا، پایتخت کوبا تشکیل شد. در این کنفرانس فیدل کاسترو، رهبر انقلابی نطقی ایراد کرد، که انعکاس جهانی یافت. از آنجاکه متن کامل این نطق جالب و مهم، در هیچیک از جراید ایران منتشر نشد، ما اینک ترجمه آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

نمایندگان محترم! ما در شرایطی در این کنفرانس گرد هم آمده‌ایم که اوضاع جهان نگرانی‌آور است. من فراموش نمی‌کنم که در این کنفرانس نمایندگان مجالس با بینش‌ها و ایدئولوژیهای متفاوت حضور دارند. اما به تصور من همه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس را نگرانی و دلواپسی مشترک، بخاطر سرنوشت بشریت، باهم متحد می‌سازد. در این جهان میهن هریک از ما و مردمی‌که در آن زندگی می‌کنند، مقدس‌ترین مکان را در قلوب ما دارند. من به همه شما در سرزمین کوبا صمیمانه تهنیت می‌گویم.

احتمال دارد که سخنان من مورد پسند پاره‌ای از شرکت‌کنندگان در این گردهمآیی نباشد. اما من قصد ندارم کسی را آزرده خاطر کنم. من فقط می‌خواهم با صراحت نظریات خود را، با استناد به واقعیت‌های موجود، بیان کنم و در این مورد ناگزیرم نظریات انتقادی خود را نسبت به برخی از دول و خط مشی سیاسی آنها اظهار کنم. آنچه که من خواهم گفت، منظورم نه خلقها، بلکه دولتهاست، و کسانی که با این نظریات من موافق نیستند، کاملا امکان دارند که در همین جلسه اعتراضات خود را ابراز دارند و اظهار نظر آنان با احترام کامل استماع خواهد شد.

فاصلهٔ عظیم میان کشورهای رشد یافته سرمایه داری و کشورهای کم رشد رو به افزایش است

سخنان خود را از مسائل اقتصاد بین‌المللی آغاز می‌کنم. ما بارها بر این مطلب تاکید داشته‌ایم که مشکلی که در مسئله وجود دارد — مسئله‌ای که سرنوشت‌ساز برای همه خلقهاست — بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی است که بر بخش اعظم سیاره ما حکمفرماست. تازمانی که نظام اقتصادی جدیدی استقرار نیابد، که بتواند رشد مناسب و هماهنگ خلقها و کاهش نابرابری میان آنها را تامین کند، نمی‌توان به تضادهای سیاسی، تشنجات و تصادمات پایان بخشید.

مشخصه وضع اقتصادی کنونی در جهان، فاصله عظیمی است که میان کشورهای رشد یافته و کشورهای کم رشد وجود دارد. صدها میلیون از سکنه کشورهائیکه متجاوز از $\frac{3}{4}$ جمعیت کره ارض در آنها زندگی می‌کنند، در فقر بسر می‌برند، از گرسنگی رنج می‌کشند و بعلت بیماری و جهل و عقب‌ماندگی تلف می‌شوند. تازمانیکه با استقرار نظام اقتصادی بین‌المللی نوین، مبتنی بر برابری حقوق و عدالت، به این وضع فاجعه‌آمیز پایان داده نشود، مشکل بتوان در راه صلح واقعی و پایدار پیشرفت نمود.

وضع اقتصادی جهان، که طی دهه‌های اخیر باشتاب رو به وخامت گرائیده و زیانبارترین اثرات را در کشورهای به اصطلاح جهان سوم از خود باقی گذارده، موجب آن گردید که برای اتخاذ تدابیر جدی، که از همان آغاز از این گرایش جلوگیری کند و سپس آنرا متوقف سازد، کوششهای فراوانی بکار برده شود. ادامه این گرایش اکثریت کشورهای این منطقهٔ جهان را دچار بحران اقتصادی غیرقابل حلی خواهد کرد که برای تمامی جهان، در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، پیامدهای سنگین و خطرناکی در بر خواهد داشت. به همین علت اندیشه برقراری نظام نوین روابط اقتصادی بین‌المللی در سال ۱۹۷۴ مطرح گردید. این پیشنهاد بر زمینهٔ بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری (۱۹۷۵–۱۹۷۶) که شدیدترین بحران دوران پس از جنگ دوم جهانی بود، ارائه شد. این بحران، پس از یک دوران فروکش ظاهری در سال ۱۹۷۶، همچنان ادامه یافت. مشخصات این بحران را عدم ثبات، ناتوانی اقدامات بحران‌زدائی، گرایش به رکود جدید تولید، تشدید مبارزه و رقابت در زمینه‌های اقتصادی و مالی، تورم فزاینده و بیکاری روزافزون تشکیل میدادند. این بحران از لحاظ خصلت، تداوم و شدت، بازتابی از بحران عمومی نظام سرمایه‌داری و نمایانگر عدم توانائی این نظام برای یافتن راه حل مشکلاتی است که در اثر نابسامانی درونی آن پدید می‌آیند، و همچنین نشانه تشدید تضادهای میان دول امپریالیستی بود، که از فروپاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم و شکست سیاست نواستعماری آن پس از جنگ دوم جهانی نشات می‌گیرد.

تلاش سرمایه‌داری، به پیروی از قانونمندیهای سرشتی خود، برای افزایش میزان درآمد، در حال حاضر از هر زمان در دوران پس از جنگ با دشواریهای بیشتری روبرو می‌شود، به این علت که تامین چنین درآمدی بمیزان زیادی با تشدید استثمار کشورهای کم رشد از جانب دول امپریالیستی مربوط میشود.

برای برون‌رفت از این وضع اسف بار، که همچنان به وخامت بیشتری می‌گراید، راهی یافت نشده و برای استقرار نظام نوین روابط اقتصادی بین‌المللی، که برای کشورهای "جهان سوم" یک مسئله حیاتی است، حتی یک قدم برداشته نشده است.

دولت آمریکا با افزایش بهره وام های خود به میزان بی‌سابقه‌ای، بحران مالی جهان را تشدید می‌کند. از یکسو ارزش دلار را در عرصه اقتصاد ایالات متحده آمریکا، به منظور کاهش آهنگ رشد اقتصادی و وسیله‌ای جهت مهار کردن وحتی از میان بردن تورم، بالا می‌برد. از سوی دیگر تلاش دارد دلارهای اروپا را از راه بهره اعتبارات خود در بازارهای اروپا، که برای تامین هزینه‌های جنگ ویتنام بر آورده شده بود، و نیز اعتبارات مالی جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و دیگر کشورهای عضو بازار مشترک، به آمریکا جلب کند، و با این عمل به اقتصاد متفقین اروپائی خود خسارات سنگین وارد می‌سازد.

ایالات متحده آمریکا با این اقدامات رقبای خود را ناتوان کرده و ارزهای این کشورها را از ارزش انداخته است. علاوه بر این، قیمت کالاهای صنعتی، که این کشورها از آمریکا وارد می‌کنند، روزبروز بالا می‌رود و بر بهای نفت وارداتی آنان افزوده می‌شود، در صورتی که قیمت کالاهای صادراتی آنان برای مصرف‌کنندگان آمریکائی کاهش می‌یابد. به همین علت بازار مشترک اروپا ناگزیر شده است تدابیر عاجلی اتخاذ نماید. اعتراض مشخص و شدید میتران رئیس جمهور فرانسه نموداری از عدم رضایت کشورهای عضو بازار مشترک اروپا از سیاست اقتصادی آمریکاست. در بسیاری از کشورهای "جهان سوم" نیز، سرازیر شدن ذخایر ارزی آنان از راه بهره‌های وام به بانک های آمریکایی، موجب نارضایتی شدید این کشورهاست. این وامها، که سال بسال بر مبلغ و در نتیجه بهره سالانه آنان افزوده می‌شود، بار سنگین و توانفرسائی است بر اقتصاد کشورهای رشد یابنده، اما بحران اقتصاد سرمایه‌داری هر قدر هم با پدیده‌های مزمن خود، مانند رکود، تورم، بیکاری، اسراف در هزینه‌ها و اشکال بیمارگونه رشد، دشوار باشد، سنگین‌ترین بار آن و پیامدهای زیان‌آور آن بر دوش کشور های رشد یابنده تحمیل می‌شود و اقتصاد این کشورها را از رمق می‌اندازد.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته عناصر بحران اقتصادی خود را به کشورهای رشد یابنده منتقل کرده و عناصر تازه‌ای به آن افزوده‌اند. وابستگی اقتصادی فزاینده کشورهای به اصطلاح جهان سوم به کشورهای صنعتی رشد یافته، وضع نابرابر و نامساعد آنان را در تبادلات بازرگانی وخیم‌تر کرده است. در این روند پرشتاب و مخرب نقش عمده را بانک‌های خصوصی و موسسات مالی و ارزی بین‌المللی ایفا می‌کنند. این وضع، همزمان با افزایش امکانات نفوذ اقتصادی و مالی و فنی شرکتهای ما فوق ملی در کشورهای کم رشد، موجب خفقان کامل اقتصادی و فلج مالی این کشورها گردیده و آنها را دچار بن‌بست کرده است. تناسب نامساعد قیمتها در تبادل متقابل کالا، راکد ماندن و یا حتی کاهش قیمت‌های مواد خام و دیگر محصولات کشورهای کم رشد از یکسو، گرانی فزاینده محصولات آماده و خدمات، که از جانب کشورهای صنعتی رشد یافته عرضه می‌شود، نرخ‌های گران بهرهٔ وامها و محدود بودن منابع اعتبارات مالی معاملات خارجی و تورم روزافزون از سوی دیگر، برخی از عناصر عمده بحران کنونی را تشکیل می‌دهند. طبق آمار رسمی، مبلغ بدهکاری خارجی کشورهای به اصطلاح جهان سوم در سال ۱۹۸۱ به پانصد میلیارد دلار افزایش یافت و روز بروز نیز به این مبلغ افزوده میشود. وامهای خارجی کشورهای آمریکای لاتین، که در سال ۱۹۶۵ نزدیک به ده میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۰ میلیارد دلار رسید.



برای آنکه تصور روشنی از افزایش قیمت‌های کالاهای وارداتی به کشورهای به اصطلاح جهان سوم داشته باشیم، کافی است یادآور شویم که در سال ۱۹۷۸ افزایش قیمت‌ها برای این منطقه بدین ترتیب بوده است: تفاوت قیمت ها نسبت به سال ۱۹۷۰ در مورد مواد سوخت به میزان ۱۴ میلیارد و ۴۴۲ میلیون دلار و محصولات صنعتی به میزان ۲۵ میلیارد و ۳۰۴ میلیون دلار، افزایش یافته است. نتایج اجتماعی چنین وضعی گسترش روزافزون فقر، عقب‌ماندگی فرهنگی و افزایش بیکاری در کشورهای "جهان سوم" است.

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، یعنی طی ده سال، وامهای دولتی کشورهای کم رشد بطور میانگین ۲۱% افزایش یافت. در سال ۱۹۷۹ این کشورها مبلغ ۴۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به عنوان تأدیه اقساط وامهای خود پرداخته‌اند.

گسترش نفوذ اقتصادی و مالی انحصارات امپریالیستی در کشورهای "جهان سوم" به صورت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نیز در این کشورها بازتاب یافت. طی سالهای ۱۹۷۸–۱۹۷۰ میزان این سرمایه‌گذاری به ۴۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید، که به هیچوجه برای حداقل رشد اقتصادی در این کشورها کفایت نمی‌کند. در عین حال طی همین مدت میزان درآمد شرکتهای مافوق ملی امپریالیستی از این کشورها به رقم نجومی ۱۰۰ میلیارد و ۲۱۸ میلیون دلار رسید. درآمد انحصارات آمریکایی از سرمایه‌گذاریها بالغ بر ۳۹ میلیارد و ۶۸۵ میلیون دلار بود، یا بدیگر سخن، در ازاء هر یک دلار، ۴/۵ دلار درآمد داشتند.

طبق آمار رسمی بانک بین‌المللی عمران و توسعه در سال ۱۹۷۸ محصول کل ملی ۱۸ کشور سرمایه‌داری، سرانه معادل ۸۰۷۰ دلار بود، درحالی که در ۳۸ کشور کم رشد این مبلغ سرانه ۲۰۰ دلار بوده است. به دیگر سخن کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته در سال ۱۹۷۸ سرانه به میزان ۶/۵ بار بیش از کشورهای با درآمد متوسط و ۴۰ بار بیش از فقیرترین کشورهای کم رشد، محصول ملی داشته‌اند. هیچگاه در گذشته تهیدستان تا این حد فقیر و مفلس و ستمگران به این میزان شقی و بیرحم نبوده‌اند.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته، که فقط ۲۵% جمعیت کره ارض در آنها زندگی می‌کنند، ۸۵% کل محصول ملی، یعنی ۷۵% انرژی و ۹۲% محصولات صنعتی را مصرف می‌کنند و ۹۵% منابع نفتی را در اختیار دارند، ۸۹% کل اعتبارات آموزشی جهان سرمایه‌داری در این کشورها برای آموزش مصرف می‌شود. اکنون جمعیت جهان ۴ میلیارد و چهارصد میلیون نفر است، که ۷۵% این جمعیت در کشورهای کم رشد زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان به ۶ میلیارد و چهارصد میلیون نفر خواهد رسید، یعنی اضافه رشد جمعیت طی آخرین ربع سده معاصر ۵۵% خواهد بود، که متجاوز از ۹۰% این رشد اضافی در کشورهای کم رشد خواهد بود. یعنی در سال ۲ هزار، ۵ میلیارد و ۱۲۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در این کشورها زندگی خواهند کرد. در سال ۲۰۰۰ درآمد شخصی سرانه در کشورهای سرمایه‌داری ۱۴ بار و در غنی‌ترین کشورهای سرمایه‌داری ۲۰ بار بیش از درآمد شخصی سرانه در کشورهای کم رشد خواهد بود.

"جهان سوم" ـ بهداشت، آموزش و فرهنگ

بهداشت، آموزش و فرهنگ از عادی‌ترین حقوق انسانهاست. اما توده‌های عظیم مردم در کشورهای کم رشد از این حقوق محرومند و علت آن کمبود مدرسه، آموزگار، کارشناس و وسائل بهداشتی است.

طی پانزده سال اخیر شمار بیسوادان در جهان سرمایه‌داری بطور مداوم رو به فزونی بوده است. طبق آمار رسمی یونسکو در سال ۱۹۶۵، در جهان سرمایه‌داری ۸۰۰ میلیون و در سال ۱۹۸۰ نزدیک به ۸۲۰ میلیون نفر بیسواد بودند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۹۹۰ این رقم تا ۸۸۴ میلیون افزایش یابد. جهان سرمایه‌داری با یک میلیارد بیسواد به سده ۲۱ گام خواهد نهاد.

در نیمی از کشورهای جهان سرمایه‌داری ۵۰% کودکان مدارس ابتدائی را به پایان نمی‌رسانند. در سال ۱۹۸۰، در جهان سرمایه‌داری قریب ۲۵۰ میلیون کودک، از سنین پنج تا چهارده ساله وجود داشت که اصولا از تحصیل محروم مانده‌اند.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته غرب نه تنها کمترین مساعدتی برای توسعه آموزش و فرهنگ در کشورهای "جهان سوم" نمی‌کنند، بلکه فساد و فحشاء را در این کشورها رواج می‌دهند. طبق تحقیقات سازمان بین‌المللی کار، تنها در بانکوک نزدیک به دویست هزار دخترجوان به فحشاء اشتغال دارند، که بیش از نیمی از آنها کمتر از بیست سال دارند و اکثر آنها در سن دوازده سالگی به عشرتکده‌ها فروخته شده‌اند.

در زمینه بهداشت نیز فاصلهٔ بسیاری میان کشورهای کم رشد و کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته مشاهده میشود. در کشورهای "جهان سوم" هفتاد درصد کودکان مبتلا به بیماری‌های عفونی و فلج اطفال هستند. متجاوز از ۲۵% جمعیت جهان سرمایه‌داری در شرایط فقر و بی‌خانمانی زندگی می‌کنند و فاقد هرگونه وسایل بهداشتی هستند.

در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته آمار مرگ و میر اطفال در هر هزار کودک ۱۵ تا ۲۰ نفر است. در آفریقا این شاخص ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر، در کشورهای آسیا ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر و در کشورهای آمریکای لاتین از ۳۰ تا ۱۷۰ نفر است. در کوبا این رقم زیر ۲۰ نفر است.

در جهان سرمایه‌داری سالیانه ۱۸ میلیون کودک زیر پنج سال تلف میشوند، که ۹۵ درصد این تعداد متعلق به کشورهای "جهان سوم" است. میانگین طول عمر در این کشورها به ۵۰ سال و در پاره‌ای از مناطق به ۴۰ سال می‌رسد.

در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته به نسبت هر پانصد تا ششصد نفر از اهالی یک پزشک وجود دارد، درحالی‌که در گروهی از کشورهای "جهان سوم" به نسبت هر شصت هزار نفر از اهالی یک پزشک وجود دارد.

با جمع بندی آنچه که گفته شد، وضع اقتصادی، آموزش و بهداشت در کشورهای "جهان سوم" چنین خلاصه میشود: در این کشورها ۵۷۰ میلیون نفر گرسنه و یا دچار کمبود غذائی هستند، ۸۰۰ میلیون نفر از سکنه بزرگسال در این کشورها بی‌سوادند. یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر در این کشورها از هرگونه وسیله بهداشتی و کمک پزشکی محرومند، درآمد سالانه یک میلیارد و سیصد هزار نفر از اهالی این کشورها ۹۰ دلار است، یک میلیارد و هفتصد هزار نفر توانائی و امید به زنده ماندن تا شصت سالگی را ندارند. متجاوز از یک میلیارد نفر

بقیه در صفحه ۴

اتحاد مردم
شماره ۱۰۷ دوره سوم دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۳

یا فاقد مسکن هستند و یا در اماکنی زندگی می‌کنند که فاقد هرگونه وسیله راحتی و بهداشتی است، ۲۵۰ میلیون نفر کودک در این کشور ها امکان برای تحصیل ندارند، متجاوز از یک میلیارد از اهالی این کشورها بیکارند.

شکاف عمیق میان کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته با کشورهای "جهان سوم" در تمام سطوح اقتصادی، آموزشی بهداشتی و فرهنگی سال بسال بیشتر میشود. آیا در چنین وضعی مسابقهٔ تسلیحاتی میتواند توجیه منطقی داشته باشد؟ آیا اقدام به تولید سلاح نوترونی وتشدید سیاست نظامیگری قابل توجیه است؟

دولت جدید واشنگتن اعلام کرد که سهم خودرا در سازمان‌های بین‌المللی وام کاهش خواهد داد وکوشش خواهد کرد که پاره‌ای از وام‌ها را لغو کند. روزنامه وال استریت در این باره نوشت که ریگان قصد دارد بینش‌های اقتصادی خودرا به صندوق بین‌المللی پول، به بانک بین‌المللی توسعه و عمران و بانک بین‌المللی تولید تحمیل کند. واشنگتن می‌خواهد چنان وضعی بوجود آورد که سازمان‌های بین‌المللی وام از کشورهائیکه برای دریافت وام به آنها مراجعه میکنند، طلب کنند که این کشورها اعتبارات دولتی برای هزینه‌ها ونیازمندی‌های اجتماعی را تقلیل دهند. این سیاست شیوه جدید فشار وتحمیل به کشورهای رشد یابنده است، تا آنها را مجبور کنند تنها سیاستی را در زمینهٔ اقتصادی اجرا نمایند، که به گسترش ورونق اقتصاد بازاری کمک کند، یعنی میدان عمل وسیعتری را برای سرمایه‌های خصوصی و سرمایه‌های انحصارات مافوق ملی تامین کند.

با چنین تصوری دربارهٔ همکاری اقتصادی ونقش ایالات متحده آمریکا، از نظام نوین روابط اقتصادی بین‌المللی چه انتظاری می توان داشت؟ ممکن نیست که در جهان سیاست میلیتاریستی و درعین حال همکاری اقتصادی وجود داشته باشد.

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا تمام نظریات دربارهٔ ضرورت توازن نظامی را، به عنوان پایه‌ای برای همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظام های اجتماعی متفاوت، نفی میکند. دولت آمریکا دستیابی به برتری نظامی را بعنوان شرط مذاکرات در زمینه محدودکردن سلاح‌های استراتژیکی مطرح می‌کند. موافقتنامه دربارهٔ محدودکردن سلاح‌های استراتژیکی (سالت-۲) که در گذشته از جانب کارشناسان آمریکا بعنوان یک اقدام مثبت وبخشی از روند از میان بردن خطر جنگ هسته‌ای ارزیابی میشد، امروز رد میشود، و دولت آمریکا مدعیست که این موافقتنامه با خواست‌های نظامی آن وفق نمیدهد. بعقیدهٔ دولت آمریکا این خواست‌ها زمانی ارضاء میشوند که آمریکا به برتری نظامی دست یابد.

آمریکا جهان را به ورطهٔ جنگ هسته‌ای سوق می دهد

از زمان زد وبندهای مونیخ، که پیش از جنگ جهانی دوم انجام گرفت، تاکنون چنین اظهارات تهدید آمیز وجنگجویانه‌ای در محافل بین‌المللی، که امروز از زبان ریگان رئیس جمهور آمریکا، هیگ وزیر امور خارجه و واین برگر وزیر دفاع آمریکا شنیده میشود، بیسابقه است.

دولت جدید کاخ سفید حتی به نظریات وعقاید متفقین خود در پیمان نظامی ناتو بی اعتناست. دول کشورهای اروپائی عضو ناتو از دولت آمریکا خواستند، تاقبل از استقرار ۵۷۲ موشک بالستیکی در اروپا، که وزارت دفاع آمریکا قصد آنرا دارد واین اقدام برخطر وقوع جنگ هسته‌ای در اروپا میافزاید - با اتحاد شوروی وارد مذاکره بشود. خلق های اروپا برنامه استقرار موشک‌های هسته‌ای در خاک اروپا را باقاطعیت محکوم میکنند. اما دولت آمریکا به این خواست‌ها همچنان بی اعتناست.

دولت ریگان نه تنها برای مذاکرات تمایلی از خود نشان نمیدهد، بلکه به افکار عمومی محافل اجتماعی جهانی هم وقعی نمی‌گذارد وتهدیدات جنگجویانه خودرا ادامه میدهد.

ازسوی دیگر این واقعیت رانمی توان فراموش کرد که درسال ۱۹۶۲ اعتراض ایالات متحده آمریکا علیه استقرار ۴۲ موشک میان‌برد در خاک کوبا موجب آنچنان بحران سیاسی در این منطقه شد که جهان را درلب پرتگاه جنگ هسته‌ای قرارداد. پس چرا باید این احتمال رامنتفی دانست که استقرار ۵۷۲ موشک آمریکائی در مجاور مرزهای شوروی، میتواند ازجانب اتحاد شوروی به عنوان تهدید واقدام تحریک آمیز جدی تلقی شود؟

آمریکا جهان را به ورطهٔ جنگ هسته‌ای سوق می دهد

(بقیه)

تلاش دولت ریگان برای دستیابی به برتری نظامی، که هیچ حد و مرز اخلاقی نمی‌شناسد، بازتابی ازخصلت سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا در سطح جهانی وتعیین‌کننده مواضع دولت آمریکا نسبت به مبرم ترین مسائل جهان معاصر است.

سازمان ملل متحد به ضرورت این امر اعتراف نمود که اسرائیل موظف است کلیه سرزمین‌های اشغال شده در نتیجه عملیات جنگی را به کشورهای عربی بازگرداند و برای ایجاد دولت مستقل ملی خلق عرب فلسطین درخاور نزدیک تضمین لازم را فراهم آورد. دولت صهیونیستی اسرائیل نه تنها این قرارها وقطعنامه‌های سازمان ملل متحد را به مسخره میگیرد، بلکه همچنین با اقدامات تجاوزکارانهٔ خود، که واشنگتن آن راتحمل وترغیب میکند به افکار عمومی محافل اجتماعی جهان وقعی نمی‌گذارد. باوجود این واشنگتن چنین وانمود میکند که درجستجوی یافتن راه حل صلح در این منطقه است و حتی در صورت ظاهر اسرائیل رابه قطع ارسال تسلیحات تهدید میکند.

اما دولت آمریکا نمی‌تواند این دوروئی وتزویر را برای مدت زیادی از نظرها بپوشاند. اکنون دولت ریگان هواپیماهای جنگی اف-۱۵ و اف-۱۶ را دراختیار اسرائیل میگذارد و بگین رابرای بررسی شرایط پیمان استراتژیکی که میان اسرائیل وایالات متحدهٔ آمریکا بسته شده، به کاخ سفید می‌پذیرد.

سالیان درازی است که کشورهای حوضه اقیانوس هند مبارزه میکنند، تا این منطقه به منطقهٔ صلح، تبدیل گردد و ناوگان نظامی خارجی مستقر دراقیانوس هند از این منطقه خارج شود. اتحاد شوروی آمادگی خودرا در این مورد بارها اعلام کرده است. اما دولت ریگان، طبق برنامه‌های نظامی خود، نیروهای دریائی هرچه بیشتری را در این منطقه متمرکز می کند و حتی قصد دارد جمهوری آفریقای جنوبی وکشورهای آمریکای لاتین را به همکاری در این برنامه‌ها جلب کند و آنها را مجبور سازد به اتحاد نظامی آتلانتیک جنوبی، که مکمل پیمان نظامی ناتو است، بپیوندند.

دولت جدید ایالات متحده آمریکا، به عنوان بخشی از استراتژی نظامی جهانی خود، رژیم مصر را به ژاندارم منطقه در خاورنزدیک تبدیل کرده است. دولت آمریکا سیاست ضد عربی و ضد فلسطینی این رژیم را برای نزدیکی واستحکام روابط میان مصر واسرائیل تشویق وترغیب میکند. دولت آمریکا در عین حال، ضمن تضعیف وتجزیهٔ جهان عرب، ازمرتجع‌ترین رژیم‌های متفق خود در این منطقه علیه رژیم‌های مترقی ومستقل این منطقه استفاده میکند، گروه‌های ضدانقلابی علیه رژیم دمکراتیک افغانستان را تحریک و ازآنان حمایت می‌کند و از هرگونه کوشش برای مذاکره و حل و فصل اختلاف میان پاکستان با جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان جلوگیری بعمل میآورد. دولت ریگان به اقدامات تحریک آمیز علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره ادامه می هد. ایالات متحده آمریکا با استحکام وگسترش روابط خود باچین در زمینه‌های اقتصادی وسیاسی ونظامی استراتژی آشکار وخطرناک استفاده از چین علیه اتحاد شوروی را دنبال میکند. ایالات متحده آمریکا همچنین عملیات تحریک آمیز و خرابکارانه علیه مجموعه کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی را تشدید میکند.

خطرناک‌ترین ونگرانی‌آورترین جنبه‌های سیاست آمریکا خودخواهی و تفرعن و فقدان هرگونه علاقمندی دولت آمریکا نسبت به مذاکرات در مورد مسائل خلع سلاح، محدود کردن مسابقهٔ تسلیحاتی، تنشزدایی وحفظ و استحکام صلح است. این امر در لحن متجاوز خشن وآمرانه آن برای اعمال فشار، تهدید و شانتاژ نسبت به اتحاد شوروی متجلی میشود.

امپریالیسم آمریکا در نقش ژاندارم بین المللی

امپریالیسم آمریکا رسما خود را ژاندارم بین‌المللی و مخالف با هر گونه تحولات اجتماعی درهرکشور اعلام میکند و مداخلهٔ نظامی را برای خود حق میداند.

دولت کنونی ایالات متحده امریکا هر انقلابی را درهر منطقه‌ای از جهان روی‌دهد، "توسعه‌طلبی شوروی" تلقی میکند، در صورتی که بحران اقتصادی شدید و عمیقی که جهان سرمایه‌داری رافراگرفته، هر روز در نقطه‌ای از جهان با انفجار انقلابی متظاهر میشود و موجب تحولات سیاسی واجتماعی میگردد. انقلاب‌ها درسراسر تاریخ بشریت وجود داشته‌اند وهیچ نیرو و قدرتی قادر نیست مانع وقوع آنها شود.

دولت جدید آمریکا، باسیاست نظامی‌گری خود، تاکنون درپنج مورد به اقدام نظامی خطرناک و خونین دست زده‌است:

۱- اقدامات مداخله‌گرانه درالسالوادور. دراین کشور ایالات متحده آمریکا به دولت ضدخلقی کمک نظامی میکند، مستشاران نظامی خود رااعزام میدارد و در کشتار متجاوز از ۲۰هزار از فرزندان این خلق قهرمان مستقیما شرکت دارد.

۲- بمباران مرکز تاسیسات اتمی عراق ازجانب دولت صهیونیستی اسرائیل، که در دوران صلح درمناسبات بین‌المللی بیسابقه است.

۳- بمباران‌های مداوم سرزمین لبنان از جانب اسرائیل، که موجب کشتار صدها نفر اهالی این کشور ومبارزان فلسطین میگردد.

۴- اقدام تجاوزکارانه تحریک آمیز علیه لیبی در خلیج سیدر، که موجب سرنگونی دو هواپیمای گشتی کشور لیبی گردید.

۵- تجاوز نظامی به خاک آنگولا و بمباران خاک این کشور ازجانب رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی.

همهٔ این اقدامات بطور مستقیم ویاغیرمستقیم ازجانب امپریالسم ویا باحمایت آن انجام گرفته است.

ره‌آورد سرمایه‌داری برای "جهان سوم"

درکشورهای "جهان سوم" ۵۷۰ میلیون نفر گرسنه ویا دچار کمبود غذائی هستند، ۸۰۰ میلیون نفر از سکنه بزرگسال دراین کشورها بیسوادند، یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر در این کشورها از هرگونه وسیله بهداشتی و کمک پزشکی محرومند. درآمد سالانه یک میلیارد و ۳۰۰ هزار نفر از اهالی این کشورها ۹۰ دلار است. یک میلیارد و ۷۰۰ هزار نفر توانائی وامید به زنده ماندن تا ۶۰ سالگی راندارند، متجاوز از یک میلیارد نفر یا فاقد مسکن هستند ویا دراماکنی زندگی میکنند، که فاقد هرگونه وسیله راحتی وبهداشتی هستند، ۲۵۰ میلیون نفر کودک در این کشور ها امکان برای تحصیل ندارند، متجاوز از یک میلیارد از اهالی این کشورها بیکارند

امپریالیسم آمریکا کوبا را به تجاوز مستقیم نظامی تهدید می کند

فیدل کاسترو در بخش پایانی سخنرانی خود روی مسائل مربوط به کوبا واقدامات مداخله‌گرانه وتحریک آمیز امپریالیسم آمریکا علیه کوبا تکیه نمود:

دولت آمریکا محاصرهٔ اقتصادی جنایت‌آمیز علیه کشورما راتشدید میکند وفعالیت های جاسوسی وتخریبی علیه کوبا را گسترش میدهد. دولت آمریکا رسما اعلام میکند که، با گسترش و تقویت برنامه‌های تبلیغاتی رادیویی علیه کوبا، قصد دارد ثبات و آرامش در کشورما رامختل سازد و به ضدانقلاب مساعدت کند. دولت آمریکا هرگونه محدودیت رابرای فعالیت‌های خرابکارانه "سیا" لغو کرده‌است. دولت آمریکا تاکنون به این پرسش پاسخ نداده‌است که: آیا سازمان جهنمی "سیا" همچنان در اقدامات خرابکارانه و تروریستی خود علیه کشور های انقلابی ورهبران آنان واستفاده ازسلاح‌های شیمیائی ومیکروبی علیه اهالی این کشورها آزادی عمل خواهد داشت؟

اکنون ازجانب امریکا خطر محاصره دریایی وتجاوز نظامی مستقیم ماراتهدید می‌کند.

چندی پیش ما رسما اعلام کردیم که امپریالیسم امریکا علیه میهن ما سلاح میکروبی به کار میبرد. این ادعای ما سخنان بی پایه‌ای نیست درمدت کمتر ازسه سال، پنج بار دام‌ها و مزارع کشورما دچار بیماریهای واگیر وآفات کشاورزی شدند وازهمه خطرناک‌تر اینکه، این بیماری ها به اهالی کشور نیز سرایت کرد. درنتیجه این بیماری‌ها خسارات مالی و جانی سنگینی به کشور ما وارد آمد.

در ایالات متحدهٔ آمریکا یک زرادخانه کامل ازاین نوع سلاح بوجود آمده وشیوه‌های دقیق کاربرد آن نیز تدوین شده‌است. طبق دکترین امپریالیستی کاربرد این نوع سلاح درشرایط صلح هم مجاز شناخته شده‌است. درنتیجه شیوع ناگهانی یکنوع تب، که ناقل میکروب آن "ویروس شماره ۲" بود، ۱۵۶ نفر، از آن جمله ۹۹ کودک تلف شدند. درنتیجه پژوهش‌ها و آزمایش‌های کارشناسان کوبائی و خارجی، معلوم شدکه میکروب این بیماری ازخارج به کوبا انتقال داده شده ا ست. پس از تحقیقات و بررسی‌های فراوان معلوم شد، زمانیکه این بیماری در کوبا شیوع یافته، در هیچیک از کشورهای آفریقائی وجنوب خاوری آسیا، که ما باآنها مراوده‌داریم، اثری از "ویروس شماره ۲" مشاهده نشده‌است.

اول سپتامبر سال ۱۹۸۱ روزنامه آمریکایی "میامی هرالد" مقاله‌ای منتشرکرد که درآن چنین آمده‌است:

"ادعای صریح فیدل کاسترو دربارهٔ بیماری‌های مسری، که موجب نابودی مزارع و تلفات دام در کوبا شده و تب **دانگه** که در کوبا شیوع یافته و موجب تلفات جانی شده، و به‌دست ادارهٔ مرکزی جاسوس امریکا انجام گرفته است، برای مولف کتاب جدیدی که دراین باره درپائیز امسال منتشر خواهد شد، بعید به‌نظر نمی‌رسد."

مامور پیشین "اف. بی. آی" **ویلیام ترنر** وروزنامه‌نگار آمریکائی **اورن هنگلی** طی گزارش خود تائید کرده‌اندکه:

"ایالات متحدهٔ آمریکا در دوران رئیس جمهوری نیکسون، جنگ میکروبی علیه کوبا به راه انداخته‌است. به عقیده آنها این جنگ شامل شیوع وبای خوک جهت نابودی دام‌ها وایجاد تغییرات جوی، همراه با بارندگی شدید وایجاد سیل بوده که منجر به از بین رفتن مزارع کشاورزی گردیده‌است."

مولفین این گزارش خاطر نشان میکنندکه "سیا" در مدت بیست سال ایالات متحدهٔ آمریکا را به یک جنگ پنهانی اعلام نشده علیه کوبا کشانده‌است. "طرح کوبا"، که به‌وسیله این سازمان جاسوسی تهیه شده، بزرگترین طرحی است که این سازمان، برخلاف هرگونه قانون و برغم اساسنامه خود، تهیه‌کرده وبه‌مورد اجرا گذارده‌است. "طرح کوبا" ماجرای جنگ بزرگی است که دولت امریکا، بدون اطلاع کنگره و محافل اجتماعی ومطبوعات جهان، علیه‌کوبا انجام داده‌که، واشنگتن همواره سعی در انکار آن داشته‌است.

یکی از منابع "سیا" به‌نماینده "نیوزدی" اطلاع داده‌است که درآغاز سال ۱۹۷۱ **درفورت کولیک**، درمنطقه کانال پاناما، که‌یکی ازپایگاه‌های ارتش امریکاست و "سیا" در آنجا شبکه وسیعی دارد، ظرفی محتوی میکروب به او داده‌اند واین ظرف با محتوی میکروب به‌یکی از قایق‌های ماهیگیری متعلق به‌جاسوسان "سیا" که بطور مخفیانه درکوبا فعالیت میکردند، تحویل داده‌شده‌است. پس ازآن بیماری وبای خوک آفریقائی در کوبا شیوع پیداکرد.

درحال حاضر که در کشورما هنوز اپیدمی تب‌دانگه کاملا ازبین نرفته، درپایتخت کوبا بیماری‌دیگری بنام **"کونیوکتیوکه‌موراگی"** شیوع پیداکرده وامیدوارم که حضار دراین کنفرانس به‌این بیماری مبتلا نشده‌باشند.

رهبری کنونی آمریکا، یک گروه فاشیستی باطرز تفکر فاشیستی است

آقایان نمایندگان محترم! تجارب تلخ بیست ساله‌ما در روابط با ایالات متحدهٔ آمریکا درسهای فراوانی به‌ما داده است. ما از امپریالیسم آمریکا و دولت آن که سرمنشاء ترور و جنایت است، انتظار هرگونه خرابکاری واقدامات تبهکارانه‌راداریم.

ما ازتهدیدات امپریالیسم آمریکا باکی نداریم. شاید بتوان دانست که‌چه زمانی و در چه فرصت مناسبی میشود علیه کوبا دست به عملیات جنگی زد. اما هیچکس نمیتواند پیش‌بینی کندکه این تجاوز چه‌وقت وباچه‌نتیجه‌ای به پایان خواهد رسید.

ما مدعی نیستیم که‌سیستم موجود درایالات متحدهٔ آمریکا یک سیستم فاشیستی است. اما گروهی که هستهٔ اصلی دولت جدید آمریکا را تشکیل می‌دهند، یک‌گروه‌فاشیستی وبا طرز تفکر

بقیه در صفحه ۱۳

تفسیر وقایع مهم جهان

صلح: فریاد میلیونها

مبارزه با امپریالیسم و ایستادگی در برابر سیاست‌های آن درهرجا شکلی به خود میگیرد. گاه مبارزه مسلحانه است، گاه اعتصاب وگاه فریاد صلح ازحلقوم توده‌های میلیونی. امروز اروپا صحنه این مبارزه است. سیاست امپریالیستی موشک نشانی درخاک اروپای غربی به‌بهانه خطر موهوم شوروی، موجی از اعتراض درسراسر این قاره برانگیخته است. ازفنلاند تا ایتالیا، از انگلستان تا اسپانیا، مردم با تظاهرات چندصدهزارنفری نشان میدهند که زیربار سیاست جنگ‌افروزانه امپریالیسم امریکا وهمدستان اروپائی آن نخواهندرفت.

سران دولت‌های امپریالیستی گمان می‌بردند که جنبش ضدجنگ، جنبشی زود گذر و بی بنیان است که میتوان آنرا با مانورهای عوام‌فریبانه ووعده‌های توخالی و دامن‌زدن به تبلیغات ضدشوروی خاموش کرد. ولی دیری نگذشت که آنان به‌اشتباه خود پی بردند.

مطبوعات اروپای غربی و امریکا درباره "خطرات" این جنبش برای "دنیای غرب" مقالات زیادی مینویسند. سرویسهای جاسوسی ودروغ‌پراکنی امپریالیستی به‌جنبش ضد جنگ انواع تهمت‌ها وافتراها رامی‌بندند. چندی پیش لونز دبیر کل "ناتو" گفت که جنبش صلح اروپا با پول اتحادشوروی میگرددا. سخنان وی با موجی از تنفر عمومی درسراسر اروپا روبرو شد. اهانت به‌میلیونها مردمی که برای مقدس ترین حق انسانی، حق زندگی بدون اضطراب وتهدید دائمی، بپاخاسته‌اند، تنها از گرگ پیری چون لونز، که تمام عمر پلیدش را در خدمت ستمگران گذرانده، ساخته‌است.

جنبش ضدجنگ اکنون به یک عامل بازدارنده سیاست‌های ماجراجویانه امپریالیسم تبدیل شده‌است. اما امپریالیسم امریکا بسادگی از سیاست اتکاء بزور برای تحمیل هدف های غارتگرانه خود دست بردارنیست.

پیمان ناتو بازوی مسلح امپریالیسم

اجلاس باصطلاح زمستانی ارگان‌های رهبری "ناتو" دربروکسل کار خود را آغاز نمود. دیری است که بین اعضای این پیمان تجاوزکار برسریک سلسله مسائل مهم اختلاف نظرشدید بروزکرده‌است. امپریالیست‌های امریکائی می‌کوشند این سازمان را، که طبق اساسنامه‌اش یک پیمان منطقه‌ای است، به یک مرکزجهانی مبارزه باجنبش‌های آزادیبخش‌ملی وانقلابی، زیرچتر نیروهای مسلح آمریکا، تبدیل کنند، بادامن زدن به هیستری ضدشوروی روند تشنج‌زدائی در اروپا را متوقف سازند و کشورهای اروپائی غربی را به تقبل سهم بیشتری در مسابقهٔ تسلیحاتی که انحصارات آمریکایی از آن‌حد‌اکثر سود را برمیدارند، وادارکنند. محافل حاکم کشورهای اروپای غربی، بویژه جمهوری فدرال آلمان، در شرایطی که بیکاری و تورم و رکود اقتصادی گریبانگیر آنهاست و جنبش ضدجنگ تا این پایه گسترده‌شده‌است، نمی‌توانند بدون اعتنا به پیامدهای ناگواری که پذیرفتن سیاست‌های ماجراجویانه دولت ریگان برایشان ببارخواهد آورد، سربه فرمان از امپریالیسم امریکا تبعیت کنند. اما درعین حال اشتراک منافع دولت‌های اروپای‌غربی درچارچوب حفظ نظام سرمایه‌داری‌انحصاری، مانع از آن است که قاطعانه‌در برابرسیاست‌های امریکا ایستادگی کنند.

روابط کشورهای اروپای غربی با ایالات متحده امریکا در داخل پیمان "ناتو"، درچارچوب این‌وحدت و تضاد شکل‌میگیرد. دربرخی ازموارد درکشورهائی که‌جنبش‌های‌مردمی نیرومندوجود دارد، دولت‌های آنان‌ناچار مواضعی اتخاذمیکنند که با خط‌اصلی سیاست امریکا در پیمان "ناتو" هماهنگی ندارد.

دراجلاس اخیر گروه اروپائی پیمان "ناتو" باردیگر مسئله استقرار موشک‌های میان برد امریکائی در خاک اروپای غربی مورد بحث قرارگرفت. اختلاف‌نظردراین‌باره، درشرایطی که‌مذاکرات بین ایالات‌متحدهٔ آمریکا واتحاد شوروی درباره کاهش تسلیحات‌هسته‌ای درژنو ادامه‌دارد، عمیق‌تر گشت. سیاست امریکا در تقویت نیروی نظامی ترکیه، درخارج ازتعهدات موجود در پیمان "ناتو"، سیاستی که میتواند اشتهای کودتاگران ترک را درتصرف اراضی "ترک‌نشین" وتجاوز به قلمرو دریائی و زمینی همسایگان‌خودبرانگیزد، قبل ازهمه با مقاومت دولت یونان، یکی از اعضای دیگر پیمان "ناتو" روبروشد. نماینده‌دولت یونان از سازمان‌پیمان آتلانتیک‌خواست که امنیت مرزها وتمامیت‌خاک کشورش را در برابر تجاوزات احتمالی ترکیه (یکی دیگر ازاعضای پیمان "ناتو") تضمین کند. وی همچنین، زیر فشار توده‌های مردم پیشنهاد نمود که شبه‌جزیره بالکان یک منطقهٔ غیراتمی اعلام‌گردد.

اجلاس پیمان "ناتو" نتوانست درباره این مسئله وهمچنین‌درباره چند مسئله دیگر که در دستور روز خود داشت، به‌توافق‌برسد. درهمین‌حال "پیمان‌ورشو" در اجلاسیه خود، باطرح‌یک سلسله پیشنهادهای‌سازنده‌درجهت کاهش خطر جنگ وبرقراری همکاری ثمر بخش بین خلق‌های اروپا، هارترین جناح‌سیاست‌گران اروپای‌غربی‌راکه وابسته به انحصارات چندملیتی و پیروان بیچون‌وچرای‌امپریالیزم امریکا هستند، خلع سلاح نمود.

کشورهای سوسیالیستی خواهان صلح وهمزیستی

وزیران امورخارجه‌کشورهای‌سوسیالیستی عضو "پیمان‌ورشو" در اجلاس‌خود، که در بوخارست تشکیل‌شده‌بود، سیاست‌امپریالیستی



توسل‌بزور وتهدید استقلال‌وآزادی خلق‌ها را محکوم کردند. کشورهای سوسیالیستی عضو "پیمان‌ورشو" تاکید کردند که دکترین استراتژیکی این پیمان صرفا تدافعی است و هر گز آنها درایراد ضربه هسته‌ای به‌هیچ کشور ی پیشدستی نخواهند کرد. کشورهای عضو "پیمان‌ورشو" اعلام کردند که آماده‌اند، بر پایه حفظ توازن و برابری، نیروهای نظامی و تسلیحات خودرا به حداقل کاهش دهند. نماینده اتحاد شوروی پیشنهادهای لئونید برژنف رهبر اتحادشوروی را درمورد برچیدن موشک‌های میان‌برد دوطرف در خاک اروپا، دراجلاس وزیران امور خارجه "پیمان‌ورشو" مطرح نمود، که مورد تصویب قرارگرفت. "پیمان ورشو" پیشنهادکرد که اسکاندیناوی وبالکان مناطق‌غیر اتمی اعلام و حوزهٔ دریای مدیترانه به منطقه صلح وهمکاری تمام دولت‌های ساحلی تبدیل گردد. کشورهای سوسیالیستی عضو "پیمان‌ورشو" گفتندکه‌آرمان آنان‌اروپائی است که درآن نه سلاح‌هسته ای میان‌برد وجود داشته‌باشد و نه حتی سلاح هسته‌ای تاکتیکی.

موضع کشورهای سوسیالیستی و تلاش صادقانه آنها در راه حفظ صلح وهمزیستی مسالمت‌آمیز ازسرشت‌اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان سرچشمه میگیرد. دنیای سوسیالیسم یک دلارهم به‌کشورهای‌دیگرجهان سرمایه‌داری‌صادرنکرده‌است. منابع وثروت‌های طبیعی هیچ‌کشور دیگری در جهان در دست کشورهای سوسیالیستی نیست. همکاری آنان باکشورهای "جهان‌سوم" بر پایهٔ سود متقابل وبرابری کامل انجام میگیرد. برای‌آنان‌کارخانه سد و دانشگاه میسازند، مهندس، استادوکارگر ماهرتربیت میکنند و خودموسسه و اداره‌آن‌را به‌مردم خودآن‌کشورهاواگذار میکنند. طی بیست سال اخیر هزاران موسسه بزرگ وکوچک درکشورهای "جهان‌سوم" باکمک کشور های سوسیالیستی ساخته و دراختیار آنان گذارده شده‌است. ادامه این روند، که باگذشت زمان‌و رشد مداوم‌اقتصادی‌وفنی‌کشورهای‌سوسیالیستی نیرومیگیرد، میتواند دایره غارت امپریالیستی راپیوسته تنگتر وتنگترکند و سرانجام به‌نابودی بکشاند. تلاش‌سرسام‌آور امپریالیسم آمریکا برای حفظ مواضع غارتگرانه خود و زد و بندهایش با ارتجاعی‌ترین قشرهای اجتماعی در سراسر جهان، واز جمله‌در منطقه ما، از همین جا ناشی میگردد.

پیمان استراتژیک آمریکا و اسرائیل دنباله‌ای از پیمان "ناتو"

پیمان‌استراتژیک امریکا واسرئیل‌هدف‌های دوری‌را دنبال میکند. طبق این پیمان‌یک شورای دائمی برای هماهنگ کردن برنامه‌های نظامی دوکشور تاسیس میگردد. این شورا در حقیقت ستاد مشترک نیروهای نظامی‌اسرائیل ونیروهای واکنش‌سریع امریکا درمنطقه‌است. اسرائیل به‌موجب این پیمان تعهد میکند که ارتش خودرا برای انجام عملیات جنگی درهر نقطه منطقه دراختیار امریکا قرار دهد. امریکا تعهد میکند که امنیت‌اسرائیل را در برابر هر خطر خارجی تضمین کند. پیمان استراتژیک امریکا واسرائیل عملا به سیاستی که ایالات متحده امریکا در دوران انعقاد قرارداد کمپ دیوید و پس‌از آن در پیش گرفته بود، پایان می‌نهد و سیاست‌زورعریان‌درمناسبات‌اسرائیل وکشورهای‌عرب‌همسایه آن رابرمبنای‌استراتژی درازمدت خودقرارمیدهد. اسرائیل با اتکاء به‌این پیمان خط مشی تجاوزکارانه و غاصبانه خودرا باوقاحت و جسارت بیشتری ادامه خواهد داد وامریکا به‌بهانه‌این‌پیمان، حضور نظامی دائمی خودرا دراین منطقه مهم‌تامین خواهد نمود. سیاست آمریکا درجهت جلب کشورهای‌عضوپیمان "ناتو" به‌ماجراجوئی‌های نظامی‌درخارج ازمحدودهٔ‌پیمان "ناتو" از طریق شرکت نیروهای مسلح کشورهای اروپای غربی در باصطلاح سپاه صلح چندملیتی صحرای سینا تامین میگردد.

امریکا واسرائیل ادعا میکنند که پیمان استراتژیک آنها علیه هیچ یک از کشورهای منطقه نیست وتنها هدف آن‌جوگیری از "خطر شوروی" است! اما هدف از این پیمان درحقیقت ادامه‌سیاست‌غارتگری، غصب وتجاوز از سوی این‌دوکشور امپریالیستی است. کاری را که امپریالیسم‌امریکا از پیمان "ناتو" به مقیاس جهان‌میطلبد، میخواهد درمنطقه خاورنزدیک ومیانه به‌کمک اسرائیل انجام‌دهد.

تردیدی نیست که پیمان‌استراتژیکی امریکا واسرائیل به مداخلات امریکا و سایر دولت‌های امپریالیستی درخاورمیانه ونزدیک ابعادگسترده‌تری خواهد داد. امپریالیسم امریکا به یک‌سپاه‌واکنش سریع اسرائیلی در منطقه دست خواهد یافت. بی گمان امپریالیست‌های امریکائی سلاح‌های‌هسته ای خودرا درخاک اسرائیل (که‌خودنیز دارای چنین سلاح‌هائی هست) مستقر خواهندنمود

تمام این اقدامات واکنش امپریالیسم امریکا و صهیونیسم در برابر موج انقلابی است که در این منطقه حساس برخاسته‌است. امااقدامات امپریالیسم و صهیونیسم برای رویاروئی باجنبش‌های‌انقلابی منحصربه‌قدرت نهائی نظامی‌وشانتاژ هسته‌ای نیست. امپریالیست‌های امریکائی ازسلاح‌های‌دیگری نیز استفاده میکنند که خطر آنها به‌هیچ‌وجه کمتر ازخطر نظامی نیست.

"سیا" ـ کانون توطئه‌ها ودسیسه‌های ضدانقلابی

درشرایط‌کنونی جهان، که امپریالیسم برتری نظامی خودرا از دست‌داده‌است‌ودیگر قادرنیست درهمه‌جا از زور عریان برای پیشبرد مقاصد غارتگرانهٔ‌خویش استفاده‌کند نقش "سیا" وسازمان‌های جاسوسی مشابه آن درکشورهای امپریالیستی، برای نیل به هدف‌های سیاسی بشدت افزایش یافته‌است.

ریگان‌رئیس جمهور امریکا چند روز قبل سندی را که به "سیا" سازمان‌جاسوسی امریکا اختیارات فوق‌العاده میداد، امضاء نمود. بموجب فرمان ریگان، "سیا" و سازمان‌های مشابهش در امریکا میتوانند در خارج از کشور به هرگونه عملیات تخریبی ترور، توطئه وغیره، که "منافع" امریکا ایجاب میکند، دست بزنند.

واگذاری این اختیارات‌به "سیا" بخشی از سیاست‌کلی حکومت‌ریگان در رویاروئی با رژیم‌های مخالف امپریالیسم امریکا درسراسر جهان است.

کنگره امریکا، بدنبال رسوائی‌هایی که "سیا" از دوران قتل کندی تا کودتای‌شیلی ببارآورد، تصمیم گرفت که کمیسیونی‌برای نظارت برفعالیت "سیا" تشکیل دهد ودست وبالش را تاحدودی ببندد. در اواخرریاست جمهوری کارتر، مرتجع‌ترین محافل آمریکاجاروجنجالی‌برای اعادهٔ "حیثیت" "سیا" براه انداختند وشکست‌های پی‌درپی آمریکادر رویاروئی باجنبش‌های انقلابی، از جمله انقلاب ایران، راناشی از سلب‌اختیارات‌این‌سازمان جهنمی وانمودکردند. اینک ریگان این "اشتباه" دولت‌های گذشته امریکا را جبران میکند.

نقشی راکه حکومت ریگان در مکانیسم سیاست خارجی خود برای سازمان "سیا" قائل است، میتوان از رهنمودی که شورای امنیت ملی امریکا برای سازمان‌های دولتی دیربط‌فرستاده‌است، استنباط‌نمود. در این رهنمود گفته‌میشود:

"فعالیت آشکاردیپلوماتیک‌دولت‌امریکا بایدباعملیات مخفی توام باشد. این‌عملیات مخفی‌شامل مواردزیرمی‌گردند:

"تبلیغات‌مخفی، اقدامات‌سیاسی، جنگ اقتصادی، عملیات تخریبی به‌منظور پیش‌گیری، انفجار بناها و واحدهای‌مهم‌اقتصادی تهیه‌وسایل فرار از کشور، کمک به جنبش‌های مخفی مخالف (پارتیزان‌ها و گروه های خارج‌از کشور)، پشتیبانی‌از گروه‌های ضد‌کمونیستی در کشورهای جهان‌آزاد، انتشار اخبار جعلی وسایر اقداماتی که‌میتوانند به هدف‌های ما کمک‌کنند."

لازم به‌توضیح نیست که این عملیات مختلف مخفی چگونه وبه‌چه‌ترتیب‌انجام می‌گیرد. ایران پس‌از انقلاب خودیکی ازمهم‌ترین‌آزمایشگاه‌های انواع‌این‌عملیات‌مخفی بوده‌است.

یکی ازمسائلی که ریگان دردوران مبارزات‌انتخاباتی‌خودبارها روی آن‌تاکید میکرد، وعده تقویت "سیا" به‌منظور اعادهٔ قدرت جهانی امریکا بود. این‌سیاست‌اکنون درتمام‌ابعاد آن پیاده‌میشود. کیسی رئیس "سیا" درتوضیحات خود در برابرکمیسیون جاسوسی سنای امریکا، که ریاست آنراگلدوارترمعلوم‌الحال بعهده‌دارد، گفت:

"حکومت ریگان قصد دارد از سازمان "سیا" بعنوان یک عامل موثردراجرای‌سیاست

بقیه درصفحه ۱۰

بمناسبت

بیست و پنجمین سالگرد

تأسیس "میلا"

(۱۹ آذر ۱۳۳۵/ ۱۰ دسامبر ۱۹۷۵)

"میلا ـ حزب کار"
پیشاهنگ خلق آنگولا

جنبش آزادی‌بخش "میلا" در ۱۹ آذر ۱۳۳۵ (۱۰ دسامبر ۱۹۵۶) تاسیس یافت. خلق آنگولا برهبری این جنبش در ۲۰ آبان ۱۳۵۴ (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) پس از نزدیک به ۵۰۰ سال سلطهٔ استعمار به استقلال نایل شد. در این روز بود که تشکیل "جمهوری خلق آنگولا" اعلام گشت. جمهوری نوپا از آغاز استقلال با گسترده‌ترین مداخلات امپریالیست‌ها و نژادپرستان رویاروشد و تنها پس از یک سال مبارزه دشوار (در سال ۱۹۷۶) بر اینان غلبه کرد. اما علیرغم این شکست، نژادپرستان رژیم آپارتید تا به امروز به جنگ اعلام نشده، تجاوزات بی‌شمار و حملات ومداخلات گستاخانه خود علیه "جمهوری خلق آنگولا" ادامه می‌دهند.



جوزه ادواردودوس سانتوس ـ صدر "میلا ـ حزب کار" و رئیس جمهوری خلق آنگولا

"میلا"، پس از آن‌که در نخستین کنگره خود (دسامبر ۱۹۷۷)، بعنوان حزب مارکسیستی ـ لنینیستی، به "میلا ـ حزب کار" تغییر نام داد، پیگیرانه به مهمترین نیروی اجتماعی آنگولا بدل شد. این حزب اینک ۳۱۰۰۰ عضو و نامزد را در برمی‌گیرد، که ۵۱% آنها کارگر ودهقان هستند. حزب در مهم‌ترین کانونهای تولید و مدیریت، یکانهای ارتش، کشتزارهای دولتی، تعاونی‌های کشاورزی واتحادیه‌های دهقانی دارای نزدیک به ۳۰۰۰ حوزه است.

باتوجه به سبعانه‌ترین حملات امپریالیسم وتجاوزات پی درپی آفریقای جنوبی، تقویت، آمادگی ونیروی دفاعی آنگولا در مرکز فعالیت سیاسی ـ ایدئولوژیک "میلا ـ حزب کار" قرار دارد.

نخستین کنگره فوق‌العاده "میلا ـ حزب کار"، که یکسال پیش (دسامبر ۱۹۸۰) برگزار شد، تصمیم گرفت که انقلاب عمومی ـ دمکراتیک را به انجام برساند و در روندی واحد مرحله گذار به نوسازی سوسیالیستی را آغاز کند در این زمینه، چهارسال آینده (تا ۱۹۸۵) بمنزله مرحله‌ای تعیین‌کننده در ایجاد پایه‌های مادی ـ فنی گذار به جامعه‌ای سوسیالیستی بشمار خواهد رفت.

دوش بدوش حزب، چندین سازمان توده‌ای آنرا یار و یاورهستند: ۷۵۰۰۰ جوان آنگولائی در سازمان جوانان ("JMPLA") عضویت دارند. سازمان زنان ("OMA") ۸۰۰۰۰۰ زن آنگولایی را در برمی‌گیرد واتحادیه سندیکائی ("UNTA") نزدیک به ۷۰۰۰۰۰ زحمتکش را در صفوف خود متحد می‌سازد.

متحدان بنی صدر ـ سرمایه داری لیبرال ایران (۸)

لیبرال‌ها چاقوی بنی صدر را تیز می کنند

یادآوری:

در ۷ شماره گذشته، کارنامه یکی از اصلی‌ترین متحدان بنی صدر، یعنی سرمایه‌داری لیبرال ایران را بررسی کردیم وبااستناد به سخنان دولتمردان لیبرال، مواضع آنها را در عرصه های سیاست خارجی و داخلی نشان دادیم.

چنانکه می‌دانید، دولت سرمایه ـ داری لیبرال، برشالودهٔ همان نظریات ـ یعنی در سیاست خارجی سازش با امپریالیسم جهان‌بسرکردگی آمریکا، و در سیاست داخلی به کار انداختن نظام آریامهری، البته با کمی تغییر ـ سرانجام به‌دیدار برژینسکی مشاور امنیتی کارتر رفت (شرح آن در شماره ۱۰۱ "اتحادمردم" آمده‌است) و در پی این دیدارسقوط کرد.

هنوز سه ماه از این سقوط سیاسی نگذشته‌بودکه، ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. بنی‌صدر، همانطور که در بررسی کارنامه او نشان دادیم، همینکه‌برکرسی ریاست‌جمهوری تکیه‌زد، مواضع واقعی خودرا آشکارکرد. اوکه قبل از انتخاب به‌ریاست‌جمهوری بارها و بارها درمتن عوامفریبی خود از سیاست سازشکارانه دولت‌لیبرالی وشخص مهندس‌بازرگان انتقادکرده‌بود، بعد از انتخاب شدن نشان‌داد که در اساس همان‌راه‌را می‌رود. لیبرال‌ها می‌خواستند ایران‌را مستقیما به‌آمریکا جوش‌بدهند. بنی‌صدر، که‌به‌نظریات مائوئیستی خودلباس اسلامی‌پوشانده‌بود، همین راه را از روپای عربی می‌رفت. راه‌کمی دورتر، اما هدف یکی بود.

بمحض آشکار شدن اولین نشانه‌ های‌این سیاست، لیبرال‌ها، که‌هنوز در شورای‌انقلاب اکثریت‌داشتند‌تقریبا همه‌وزرایشان برسرکاربودند و ... از بنی‌صدر اعلام پشتیبانی‌کردند. لیبرال‌ها تا پایان ـ سقوط بنی‌صدر ـ باتمام نیرو از او پشتیبانی‌کردند، به او خط دادند، راهنمائی‌اش کردند و ... خلاصه هرچه هیزم داشتند‌به‌تنور او ریختند. وتجربه‌تاریخی نشان داد که لیبرال‌ها، از دیدگاه طبقاتی خود، براستی‌بهترین فرد را انتخاب کرده بودند.

دراین اتحادلیبرال‌ها با بنی‌ـ صدر، که هنوز هم ادامه دارد، و در نتیجه تشدیدمبارزه طبقاتی، سرمایه‌ـ داری‌لیبرال‌ایران‌مواضع خودراآشکارتر ـ ساخت. روزنامهٔ "میزان"، که بلندگوی سرمایه‌داری لیبرال‌ایران‌بود، دربیشتراز ۹ ماهی که انتشار یافت، به سندبی‌نظیری تبدیل‌شدکه‌درآن‌مواضع اصلی لیبرالها به زبان وقلم خودشان ثبت شده‌است. دراین‌سند پرورق، همه ریاکاری‌تاریخی‌سرمایه‌داری‌متبلوراست. ورق ورق این روزنامه نشان‌می‌دهد که لیبرال‌ها چگونه وقتی‌که دولت را در دست داشتند، آشکارا همه خواست ـ های خلق را پایمال‌می‌کردندو همهٔ آزادی‌های مردم را زیر پامی‌گذاشتند، و چه سان وقتی ازقدرت سیاسی فرو ـ افتادند، اهداف خود را زیرنام منافع "مردم" و"آزادی" پنهان‌کردند وبه عوامفریبی پرداختند. انگار همین آقایان نبودندکه چندماه‌قبل (چنانکه در بررسی کارنامه آنهادردولت‌موقت دیدیم) یادتنهاچیزی که نبودند، مردم‌بود واز تنهاچیزی که‌دفاع می‌ـ کردند، منافع سرمایه‌داری‌بود. انگار همین‌آقایان نبودندکه چند ماه قبل ایران را دو دستی تقدیم برژینسکی می‌کردند و حالا برای از دست رفتن یک دینار یا آزادی یک "گروگان"فریاد "واوطنا" سرمی‌دادند.

اینک **"اتحادمردم"** در چند شماره به بررسی کارنامه سرمایه داری لیبرال ایران در دوران اتحادتنگا ـ تنگ آن با بنی‌صدرمی‌پردازد. اولین شماره اختصاص خواهد داشت‌به شرح خطوط‌کلی پشتیبانی لیبرال‌ها از بنی‌صدر و درشماره‌های بعد به مواضع گوناگون آنها خواهیم‌پرداخت.

لازم می‌دانیم یکباردیگر تاکید کنیم‌که ذکر، تکیه و یا تاکیدبر اسامی معین دراین‌بررسی، تنها برپایه مواضع اجتماعی‌وسیاسی صاحبان‌آن اسامی است، وگرنه **"اتحادمردم"** با هیچ فرد سیاسی مساله وغرض شخصی نداشته وندارد.

* * *

دولت‌لیبرال‌مهندس مهدی بازرگان، که به شکرانهٔ پایمردی‌توده‌ های‌میلیونی خلق، در روند تکامل انقلاب شکوه‌مند مردم‌ایران ـ آنچنان که خود سران این دولت ابراز کردند ـ به "چاقوی بی‌تیغه" ای تبدیل شد، همینکه ابوالحسن بنی‌صدر اولین نشانه های مواضع واقعی خود را آشکار کرد، به شکل‌دیگری‌امر "تیزکردن‌چاقوی رئیس جمهور" را به عهده‌گرفت.

مهندس مهدی بازرگان رک و راست‌گفت:

"... ایشان (بنی‌صدر) خوشبختانه امکانات واختیاراتی‌گرفته ـ اند... خوب چاقوی ایشان تیغه دارد... ودوستان‌ماوخودبنده هم، تاآنجاکه‌بتوانیم، درتیز کردن چاقوی ایشان‌کمک می‌کنیم... اولین‌انتظاری که‌ازمجلس می‌رود‌این‌است‌که‌این‌تیغه راکوتاه نکند..." (۲۴ فروردین ۱۳۵۹ ـ بامداد)

وبه‌این‌ترتیب بودکه‌این قافله ـ بنی‌صدر و متحدانش ـ در جادهٔ برژینسکی براه افتاد.

روزنامه "میزان"، ارگان نهضت آزادی ودرعین حال‌بلندگوی‌مخالفان تعمیق انقلاب، از هر نوع که‌بودندوبا هرمیزان وابستگی، نشان‌دهنده سیر این‌حرکت است. (ازاین‌به بعد همهٔ مآخذ، بغیرازآنها که‌مشخصا ذکرمی‌ـ شود، روزنامه "میزان" است)

این‌روزنامه وظیفه‌داشت‌که‌علاوه برخط دادن به بنی‌صدر وپیگیری خط خودبنی‌صدر، گاه‌وبیگاه‌نیز حمایت رسمی ومستقیم سرمایه‌داری لیبرال ایران را ازبنی‌صدرونیات وی اعلام دارد. به‌همین‌جهت روزنامهٔ "میزان" به‌مناسبت‌های‌مختلف: سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، جریان‌بازدیدهاوخلاصه امور مختلفی را که به صور گوناگون به بنی‌صدر ارتباط می‌یافت، به‌طور چشمگیری درج می‌کرد، و همواره در جریان‌هر برخورداجتماعی، مشخصا به نفع‌این‌رئیس‌جمهورلیبرال‌ـ مائوئیست مسلمان‌نما، موضع می‌گرفت.

درحقیقت روزنامهٔ "میزان" ماموریت داشت تا در بادکنک بنی‌ـ صدر، تاآنجا که می‌تواند، بدمد و آنرا بیاراید. سخنان‌مهندس بازرگان را در این‌مورد بازخوانی می‌کنیم:

"... به‌محض رئیس جمهورشدن آقای‌بنی‌صدر به خودم‌فشار آوردم تا رویه مساعد وموافق وحتی‌الامکان‌مشاور ناصح را بگیرم. دوستان سابق دولت موقت هم تقریبا همه همین طور بودند ... چیزی‌نگذشت که سمپاتی ناشی از اشتراک درد ودرک تبدیل به اعجاب‌و تحسین شد. می‌دیدم که‌بی‌جهت داوطلب تلاشگر ریاست جمهوری‌نگشته است. صاحب فضیلتی است... خدادر این‌گیرودارعظیم بامشکلات و حملات خارج و متاسفانه داخل، به او و به همرزمانش جرات و نصرت بدهد..." (۱۴آبان ۱۳۵۹ ـ ازسرمقاله "اندر بلای سخت")

بدینسان لیبرالها وظیفهٔ خود می‌دانستندکه حمایت‌آشکار خود را از این "تلاشگرصاحب فضیلت" دریغ ندارندو این‌پشتیبانی‌رابه‌صور مختلف ابراز کنند: مهندس بازرگان، دکتر سحابی، معین‌فر، دکتریزدی، صباغیان و... ضمن‌نامه‌ای به امام خمینی، رهبر انقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران "... از زحمات وحضور مستمر و فعال‌ریاست‌جمهوری وفرماندهی‌کل قوا درجبههٔ‌جنگ تجلیل وقدردانی..." (۱۹ آبان ۱۳۵۹) کردند. وروزی نبود که از این‌گونه نامه‌ها وطومارها صادر نشود.

ویا اینکه: "... کارگردانان راه‌پیمایی (اربعین)... باشعارهایی همچون خمینی‌روح‌خدا فرمانده‌کل قوا جهت سیاسی‌خودراروشن‌وخصومت خویش را باتصمیم امام به‌واگذاری فرماندهی‌کل‌قوابه‌رئیس جمهور نشان دادند..." (۹دی‌ماه ۱۳۵۹)

وبازهم: "... ازهمان روزهای اول‌نغمه‌هایی درمخالفت‌بارئیس‌جمهور ازگوشه‌وکناربلندشد که‌سرانجام باکشف وانتشارنوارمعروف ریشه ومنشاء آن معلوم گشت..." (۱۸فروردین ۱۳۶۰)

سرمایه داری لیبرال‌ایران برخاشجویانه به‌میدان آمدکه:

"... مگرنه‌این‌است‌که رئیس جمهور از طرف اکثریت قاطع مردم انتخاب شده ومقام‌رهبری به‌تنفیذ او پرداخته وبدینوسیله اطاعت از او را واجب شرعی اعلام نموده..." (همانجا)

به‌این‌ترتیب بودکه‌شعار "سلام بربازرگان" و "درودبربنی‌صدر" در هم‌آمیخت و سخنرانی‌های مهندس بازرگان در نقاط مختلف ازجمله در کاشان همراه با "... شعارهای... درودبربازرگان... سلام‌بربنی‌صدر و بازرگان بازرگان حمایتت‌می‌کنیم..." (۱ آذر ۱۳۵۹) به‌تبلور عینی‌اتحاد سرمایه‌داری لیبرال‌ایران‌با باندبنی‌ـ صدر بدل‌شد. دیگر "نهضت آزادی" "پای" ثابت‌سخنرانی‌های‌آنچنانی بنی‌صدرشده‌بود واین یاران‌لیبرال، آن‌یارلیبرال‌مائوئیست‌مسلمان نما را دمی‌تنها‌نمی‌گذاشتند.

روز مورخ ۲۶ آبان ۵۹، روزنامهٔ "میزان" که تیتراول آن چنین بود:

"... از ریاست جمهور حمایت‌کنید ..."، حاوی‌اعلام آمادگی "نهضت آزادی" برای‌شرکت‌درمراسم سخنرانی بنی‌صدر در روز عاشورا در میدان آزادی نیز بود، آنهم با این لحن‌که: "... نهضت‌آزادی‌ایران... از کلیهٔ خواهران وبرادران‌مبارز می‌خواهدکه باشرکت در راه‌پیمایی این دو روز و استماع سخنرانی رئیس جمهور منتخب خود... مشت‌محکمی به‌دهان‌تفرقه ـ افکنان و فرصت‌طلبان‌بزنند..."

و یا شرکت در مراسم سخنرانی بنی‌صدردر روزهای ۲۲بهمن، ۴ اسفند ۱۴ اسفند و...

نمایندگان‌لیبرال در مجلس شورای اسلامی‌نیز با باند بنی‌صدر همکاری‌نزدیک داشتندو به مدافعان صریح بنی‌صدر درمجلس تبدیل‌شدند. غضنفرپورمی‌گفت: "... تااختناق در مجلس هست من درجلسه شرکت‌نمی‌ـ کنم..." (۱۹ آبان ۵۹) ومهندس بازرگان، دکترسحابی، هاشم صباغیان‌و دکتریزدی به‌دلیل "... محدودیتهای موجود درمجلس..." (۳ اسفند ۵۹) سخنرانی راه می‌انداختند، آنهم‌به‌این بهانه‌که: "... وضع مملکت در مرحله حساس قرار گرفته‌است..." (همانجا)

بعدهم لیبرال‌ها ومائوئیستهای مسلمان‌نما دست به‌دست‌هم "... در اعتراض به لایحه‌نخست‌وزیری برای‌سر ـ پرستی‌وزارتخانه‌های‌بی‌وزیر..." (۲۰اسفند ۵۹) ازمجلس خارج‌شدندو جلسه را از اکثریت‌انداختند.

سرمقاله‌روزنامه "میزان"، فردای آن روز این هماوایی را چنین‌ستودند:

"... مقاومت‌دلیرانه‌نمایندگان که‌دیروز بر زیر پا گذاشتن‌قانون‌اساسی صحه‌نگذاشتند و به‌جای‌اینکه خاموش نشسته و نهادن‌اولین‌خشت‌های کج درجمهوری‌اسلامی‌رانظاره کنند... خاطره مبارزات مدرس بزرگ را در اذهان زنده‌می‌کند... بیم‌آن می‌رود که برنامه‌ای که درنوارمعروف‌ضبط شده است به مراحل نهائی پیاده شدن نزدیک باشد... نمایندگان قهرمانی که‌دربرابر این‌اقدامات ایستاده‌اند به

بقیه‌درصفحه ۱۵



بامداد | گفتگو | یکشنبه بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۵۹ شماره ۲۵۷ صفحه ۷

وکیل سوم تهران درباره اولین مجلس جمهوری اسلامی

سخن میگوید

بازرگان: بادوستانم چاقوی رئیس جمهوری را تیز می کنیم

* دولت بعدی موفق نخواهدبود مگر اینکه ملت، رسانه ها، احزاب و گروهها و مجلس با او همکاری و از او پشتیبانی کنند

* از مجلس انتظار می رود تیغه چاقوی رئیس جمهوری را کوتاه نکند

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

مجلس شورای اسلامی درهفته‌ٔ گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات طرح اراضی شهری، که موادی از آن از سوی شورای نگهبان رد شده بود، با استفاده از اختیاراتی که امام خمینی به مجلس شورای اسلامی برای تصویب لوایح بنیادی بسود مستضعفین ومحرومین داده‌اند، مورد تصویب مجدد قرارگرفت وبرای اظهار نظر به شورای نگهبان ارجاع شد. دراین جلسات هم‌چنین فرمان مهم امام خمینی درخصوص رعایت قانون وجلوگیری از خدشه‌دار شدن آن، مورد تاکید قرار گرفت و نمایندگان خواستار رعایت دقیق اصول قانون ازسوی مسئولان کشوری شدند. درمجلس شورای اسلامی درهفته‌گذشته کلیات اساسنامه سپاه‌پاسداران انقلاب اسلامی نیز به‌تصویب رسید.

اولین جلسه علنی مجلس‌شورای اسلامی روز ۱۵ آذر تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه عرفانی نماینده‌مردم طوالش‌بود، که ضمن قدردانی ازپیروزی‌های رزمندگان انقلاب درجبهه‌های نبرد باتجاوزگران‌صدامی خواستار ادامه این‌نبردها تا پیروزی کامل شد. ناطق ضمن‌هشدار در مورد افزایش‌توزیع ومصرف مواد مخدر در سطح کشور، واعلام اینکه اقداماتی که درمقابله با این امر صورت می‌گیرد، "جدی" نیست، خواستار "اقدامات قاطع وانقلابی" درجهت‌دفع این‌خطر مهلک شد.

یکی دیگرازناطقین‌قبل‌ازدستور برومند نماینده‌ٔ بروجرد بود، که: در سخنانش از جمله درباره توطئه جدید شیطان بزرگ‌در داخل، که بصورت "شایعه‌پراکنی"بروزکرده‌است، هشدار داد. وی ازمسئولان، بخصوص‌مسئولان صداوسیمای‌جمهوری‌اسلامی ایران خواست‌که با "درجریان امور گذاشتن مردم‌وافشاگری وارشاد" این توطئه را خنثی کنند. ناطق همچنین‌در مورد توطئه خارجی شیطان‌بزرگ ـ آمریکای جنایتکار علیه انقلاب ایران‌ونهضت‌های‌انقلابی منطقه گفت:

" درجبهه خارجی، شیطان‌بزرگ باانعقاد پیمان‌دوجانبه با اسرائیل، حضورنظامی خود را درمنطقه تحکیم نموده وباحمایت‌حکام مرتجع، حصاری محکم واستوار پیرامون اسرائیل ایجاد کرده‌است، تابدینوسیله بتواندانقلاب اسلامی ماودیگر نهضت‌های اصیل و مردمی منطقه را نابودومسئلهٔ حیاتی صاحبان اصلی‌سرزمین قدس را لااقل برای مدتی‌مسکوت بگذارد ومعلوم‌است که‌دراین فاصله‌زمانی، اسرائیل‌این‌غده سرطانی، باچه‌سرعتی رشدخواهدکردو به‌کجا خواهدرسید."

آنگاه مجلس‌وارد دستور شد و بحث درمورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت‌اداری "ادامه‌یافت. پس‌ازپایان بحث درباره‌ٔجزئیات لایحه، کل لایحه با اصلاحاتی که درآن واردشد، به‌تصویب رسید.

آنگاه گزارش شور اول "کمیسیون بازرگانی درخصوص لایحه "اصلاح‌ماده ۱۲اساسنامه شرکت سهامی گسترش خدمات‌بازرگانی "طرح وتصویب شد.

جلسه‌علنی بعدی‌مجلس‌شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۷ آذر تشکیل‌شد اولین ناطق قبل از دستور این جلسه کیان‌ارثی نماینده‌ٔ فریدن‌بود، که‌طی سخنانی درمورد نیازهای عشایر، خواستار رسیدگی به‌آنها و از جمله حل مشکل شناسنامه عشایر شد.

فرمان مهم امام

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی سخنان کوتاهی، بفرمان امام‌خمینی

مجلس با قاطعیت خواهان اجرای فرمان

مهم امام خمینی در مورد رعایت قانون است

* رئیس مجلس: در اجرای فرمان مهم امام خمینی نه یک لحظه از فرصت (باید) فوت‌شود ونه ازیک مورد تخلف گذشت‌شود.
* نماینده‌ٔ اراک: نه درست‌کردن دشمنان موهوم درست است و نه به‌وجود آوردن فضایی‌که در آن امکان کوچکترین انتقاد وجود نداشته‌باشد.
* رئیس مجلس: تمام خواست‌های‌عدالتخواهان بامعیارهای‌قانونی به‌عرصهٔ تحقق‌خواهدپیوست.

رهبرانقلاب‌وبنیان‌گذارجمهوری‌اسلامی ایران، درخصوص جلوگیری ازتخلفاتی که‌از حدود قانون به‌عمل‌می‌آید، اشاره کرد وآن‌را "مهم وسرنوشت‌ساز" توصیف کرد. رئیس مجلس ازجمله گفت.

"امام در لحظه مناسبی بیانیه بسیار مهمی صادرکردندکه‌برای‌استقرار جمهوری اسلامی وبرای ایجاد امن و آرامش خاطر وبرای تحکیم عدالت گام بسیار بلند وبجایی است. گرچه ما انتظار داشتیم با تذکری که‌امام دراول امسال دادند که سال، سال‌قانون‌است نیازی‌به‌صدور بیانیه مجدد ایشان نباشد، ولی به‌هر حال گوشه وکنار تخلفاتی بوده، که امام چنین محکم ورسا باردیگر تاکیدکردند."

رئیس مجلس‌از جانب مجلس شورای اسلامی خطاب‌به‌مسئولین‌تاکید کرد:

"(مجلس) باقاطعیت می‌خواهد که‌برای اجرای این دستور امام نه یک لحظه از فرصت فوت شود و نه از یک مورد تخلف گذشت بشود."

رئیس مجلس همچنین خطاب‌به آندسته افرادی که "باحسن نیت" تخلفاتی ازقانون کرده ومی‌کنند، اطمینان‌داد:

"تمام خواسته‌های عدالت ـ خواهان بامعیارهای قانونی به عرصه تحقق‌خواهدپیوست".

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین از نمایندگان مجلس‌خواست تادرحوزه‌های‌انتخابیه خود مراقب اجرای کامل دستورات مهم امام‌خمینی باشند.

آنگاه مجلس وارد دستورشد و ابتدا برای انتخاب یک نفر جهت عضویت درکمیسیون موقت رسیدگی بدرخواست‌صدوراجازه‌انتشارمطبوعات رای‌گیری‌شد، که‌درنتیجه زواره‌ای به عنوان نماینده مجلس دراین‌کمیسیون انتخاب‌شد. همچنین اعلام شد که طرحی با ۲۵ امضاءٔ درخصوص نحوهٔ واگذاری زمین و تقسیمات‌ارضی‌تقدیم مجلس شده‌است. این‌طرح‌برای‌رسیدگی به‌کمیسیون کشاورزی فرستاده شد.

آنگاه ماده واحده‌ای در خصوص افزایش یک‌ریال به حق‌الثبت مرسولهٔ سفارشی وبیمه و دوریال به حق‌الثبت امانات‌پستی طرح‌شدو پس‌از بحث نمایندگان، به‌عنوان موافق و مخالف، وبا افزوده شدن یک تبصره به آن، به تصویب رسید.

سپس گزارش کمیسیون مسکن درباره اصلاحیه‌ای درطرح‌اراضی‌شهری که ازسوی شورای نگهبان تائید نشده بود، مطرح شد. مخبرکمیسیون مسکن متذکر شدکه بعضی ازانتقادات شورای نگهبان درموردلایحه اراضی شهری در نظر گرفته واصلاح شد، "ولی‌انتقادات شورای نگهبان درمورد مواد ۷ و ۸ و تبصره‌های آنهاوماده ۱۰، اینها را از فرمان امام استفاده کردیم و با توجه به ضرورتی که درجامعه مطرح‌است، مجددا به مجلس‌آوردیم.

مخبر کمیسیون مسکن سپس۲ماده را، که‌براساس "حق ولایت ولی فقیه" ونیز باتوجه به "کمبودشدیدمسکن‌برای مستضعفین" و"نیاز دولت به اراضی شهری "تنظیم شده‌است، قرائت‌کرد مادهٔ‌اصلاحی که باتوجه به‌حکم امام و "نیازمستضعفین "تهیه شده‌بود، پس ازبحث موافق و مخالف به‌تصویب‌رسید سپس‌سایراصلاحات‌وارده‌درلایحه‌اراضی شهری، که‌مربوط به جزئیات می‌شد، مورد بحث قرار گرفت و تصویب شد.

جلسه علنی بعدی مجلس روز پنج‌شنبه ۱۹ آذر ماه‌تشکیل‌شد. در سخنان‌قبل از دستور، از جمله عطاری نماینده اراک به تشریح برخی ازمسائل جاری مملکتی پرداخت. وی با اشاره‌به برخی تخلفاتی که‌ازحدودقانون‌صورت میگیرد، گفت:

"نه درست کردن دشمنان‌موهوم درست است ونه‌بوجودآوردن‌فضایی‌که درآن امکان‌کوچکترین‌انتقاد وجود نداشته‌باشد."

ناطق همچنین درباره کار دادسراها وداد‌گاه‌های انقلاب سخن گفت وخواستار دقت‌بیشتردرانجام کارها‌یشان شد.

ناطق‌دیگر قبل‌ازدستوراین‌جلسه فروغی بااشاره‌به‌مشکلات‌اقتصادی‌کشور خطاب به‌دولت گفت:

"دولت جدا از ملت نبوده‌وباید هرچه زودتر علت کمبودها را بررسی کرده و آنچه بدست توانای مردم حل می‌شود، باامت مسلمان در میان بگذاردو آنچه مربوط به‌خودش است، در اسرع وقت تعقیب کند."

متکی ناطق دیگر قبل‌از دستور نیز ضمن اشاره به فرمان اخیر امام، از بازرسی کل کشورخواست‌که‌درمقابله بااحتکاروگران‌فروشی نیزهمانندیگر امور با قاطعیت انقلابی عمل کند. وی همچنین وزارت بازرگانی را مسئول تنظیم روابط خرید وفروش و توزیع عادلانه کالاهای‌موردنیازمردم دانست

آنگاه مجلس‌واردد‌ستورشدوابتدا کلیات‌طرح‌اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب مورد بحث قرارگرفت و چند تن از نمایندگان بعنوان‌موافق‌ومخالف سخن‌گفتند.

سپس محمدزاده‌نماینده سپاه پاسداران درخصوص‌طرح‌اساسنامه‌سپاه مطالبی را بیان کرد. وی در سخنان خود وظیفهٔ اصلی سپاه را "نگهداری از انقلاب وپاسداری از دستاوردهای آن "ذکر کرد و لزوم داشتن‌یک‌اساسنامه کامل وهمه‌جانبه را برای‌این‌نهاد انقلابی‌یادآور شد. سرانجام کلیات طرح تصویب شد.

سپس لایحه دوفوریتی‌استخدام اشخاص‌حقیقی‌وحقوقی‌ایرانی‌یاخارجی، به‌منظور استیفای‌حقوق‌ملت‌ایران..." ازسوی دولت تقدیم مجلس شد. دوفوریتی بودن این لایحه پس از سخنان چند نماینده، بعنوان موافق و مخالف، به‌تصویب رسید. بر طبق‌این لایحه، اشخاص حقیقی وحقوقی منتخب "ترجیحا ازکشورهای‌جهان‌سوم مانند سری لانکا، هند، مجارستان، یوگسلاوی، ویتنام، مالزی و کوبا و در صورتی که دعوا در کشور غربی سوئد هلند، فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلیس وایتالیا وغیره مطرح است از کشور مزبور "انتخاب‌می‌شوند.

همکاری شرکت شیلات با شرکت صادراتی جمهوری خلق کره

سپس لایحه‌همکاری شرکت سهامی شیلات با "شرکت‌صادراتی تجهیزات عمومی‌کره "برای شور اول مطرح شد. مخبرکمیسیون‌کشاورزی در توضیح‌دربارهٔ این لایحه با اشاره به اینکه "کره ثابت کرده‌است باجمهوری اسلامی ایران دوست‌است و کشوری است ضدسرمایه‌داری و ضدآمریکا" تاکید کردکه. دولت جمهوری اسلامی‌ایران تصمیم گرفت‌بااین‌کشور در زمینهٔ صید ماهی درآبهای‌منطقه همکاری کند. وی آنگاه امتیازاتی راکه این‌لایحه‌برای‌انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی ایران دربردارد، تشریح‌کرد. مخبر کمیسیون‌کشاورزی همچنین متذکر شد که جمهوری‌دمکراتیک خلق‌کره موافقت کرده است که ۳۰ نفر از کارآموزان ایرانی رادر دانشکده‌تکنولوژی‌صیادی آموزش‌دهد. پس‌از سخنان‌دو نماینده بعنوان موافق ومخالف، ادامه بحث درمورداین‌لایحه به‌جلسه‌بعدی مجلس موکول‌شد.

آمریکا...

بقیه‌ازصفحه ۱

درقفقاز بین ترکیه وایران‌ودریای‌خزر مستقرکرده‌است... این‌نیروهاظرف‌دو هفته‌قابلیت‌عملیاتی‌پیداخواهندکردو به‌کارگیری‌آنهادر خلیج (فارس) به بیش‌از سه هفته نیاز ندارد. (واژهٔ "فارس" را "واحد مرکزی‌خبر" به "خبر" افزوده‌است)... کاخ‌سفید می‌پندارد که‌حضورنیرومندنظامی درشرق ترکیه ...می‌تواند از تهاجم شوروی به ایران‌جلوگیری بعمل‌آورد".

بعبارت دیگر شوروی که گویا دشمن‌انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران است، می‌خواهد به ایران "تهاجم نظامی "کند وآمریکا، که‌گویا دوست و عاشق سینه چاک انقلاب و جمهوری اسلامی‌است، معجلا ترکیه‌را مسلح‌میکند تاترکیه از "تهاجم "شوروی به ایران جلوگیری بعمل آورد!

ولی‌اینگونه "اخبار"، که‌متاسفانه "معلوم‌نیست‌چرا‌بوسیله "واحد مرکزی خبر" دربرخی‌روزنامه‌های‌کشور ما نیز منتشرمی‌شود ـ "اخباری "هستندبرای تسخیراحمق (که‌بزحمت دیگردرجامعه‌ما یافت‌می‌شود) وبرای دسته کورها، که نتوانند وقایع را در روز روشن‌ببینند.

امامسئله ازآفتاب روشنتراست و جامعهٔ‌بیناوبیدارما، آنراچنانکه هست می‌بیند: دشمن‌اصلی، دشمن‌آشتی ـ ناپذیروتوطئه‌گری‌که به‌هروسیله تصمیم داردانقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران‌را بشکندویک‌رژیم "طرفدارارزشهای‌غرب" دوباره در ایران‌برقرارکند، آمریکااست این‌آمریکا تاکنون، نه بوسیله‌امیر ـ انتظام‌ها... تا بنی‌صدرها، توانسته است "تحولی" در ایران‌بوجودآوردکه حاکمیت در ایران بدست طرفداران "ارزشهای‌غرب" افتد و نه بوسیلهٔ تهاجم‌نظامی (طبس) و کودتاسازی (نوژه) وحتی‌یورش گسترده "صدامی" توانسته‌است‌انقلاب‌ایران رابشکند و نظام جمهوری‌اسلامی‌ایران‌رابراندازد. ولی‌این‌آمریکا، که برای‌منافع "حیاتی" ـ اش از ایران دست بردارنیست و دست‌بردار نخواهدبود، بازهم دست ـ هائی از نوع صدام دارد، که‌میتواند ومی‌خواهدآنها را برای‌رسیدن بمقصود بکاراندازد، ازجمله‌ترکیه‌وپاکستان‌و به ویژه‌ترکیه وپاکستان‌وبویژه‌ترکیه و پاکستان، چونکه‌اینها‌درهمسایگی‌بلا ـ فصل ایران قراردارند. بنابراین، هر انسان بینائی‌می‌بیند ونمی‌تواندنبیند که "تسریع" تسلیح‌ترکیه وپاکستان و "توسعه" همکاری‌نظامی بین‌آنان‌برای اینست که‌آمریکا بوسیله "همکاری" این دو دست انقلاب ایران‌رابشکند.

البته هم کنعان‌اورن‌وهم سلطان بن‌عبدالعزیز در پاکستان‌ازاردوگاه ـ های "مجاهدین" افغانی‌نیز بازدید کردندوبدینوسیله شرکت خود را در اجرای‌نقشه‌آمریکا برای خرابکاریهای مسلح درافغانستان به‌نمایش‌گذاردند. ولی‌هم‌آمریکاوهم "دستهایش" می‌ـ دانند که‌نسبت به‌افغانستان‌جز "آزار" کاردیگری‌نمی‌توانندانجام دهند.

بنابراین، هدف‌اصلی "تسریع" تسلیح ترکیه و پاکستان، "توسعه" همکاری نظامی آنان، ایران وانقلاب ایران‌است.

اینکه‌درترکیه‌سازمان "آزادگان" بفرماندهی‌بهرام‌آریانا ـ فاشیست سابقه‌دار و رئیس اسبق ستاد ارتش شاهنشاهی ـ مشغول‌فعالیت‌است، این که در این‌کشور "ارتش آزادی بخش ایران!" ازگروه بزرگی ازضدانقلابیون مزدور و اوباش فراری سرهم بندی می‌شود، اینکه در این‌کشور، بنا به‌گفته بختیار ـ نوکربی‌اختیار ـ یکی از ایستگاه‌های رادیوئی ضدانقلابی "پذیرفته "شده‌است، اینکه درمرزهای این‌کشور باایران دائما "شخصیت‌ها" و دستجات‌ضدانقلابی در رفت‌و آمدند ... مطالبی‌است که خود "آقایان" اظهارداشته‌اند وبدانها معترفند.

واما‌استقرارنیرو درمنطقه مرزی ایران‌به‌عنوان‌مضحک "جلوگیری از تهاجم شوروی "به‌ایران، همراه "تسریع" تسلیح ترکیه از طرف‌آمریکا و "توسعهٔ همکاریهای نظامی با پاکستان، اقداماتی نیست که بتوان آنها را "بازی "ضدانقلابی دانست. ونیزاینکه مرزهای پاکستان باایران ـ مرزهائی نیستند که باعث آسودگی‌خیال‌باشند، امر واضحی‌است.

"تسریع" تسلیح ترکیه‌وپاکستان وتوسعه‌همکاری نظامی بین رژیم های دیکتاتوری نظامی پاکستان وترکیه ـ این دو دست آمریکا در همسایگی بلافصل ایران، امری‌است که شبهه‌ای باقی‌نمی‌گذارد که توطئهٔ جدیدی برضدانقلاب وجمهوری اسلامی ایران، مجدانه در شرف تکوین‌است.

خلاصه اوضاع را می‌توان دریک جمله خلاصه‌کرد: آمریکا که می‌بیند پای خرتهاجم صدام به گل‌فرورفته‌ودور ـ نمای این تهاجم جز شکست چیز دیگری نیست، به تحریک ترکیه و پاکستان وتسلیح معجل‌آنهاپرداخته، تا توطئهٔ‌مسلحانهٔ جدیدی را برای رسیدن به‌مقصود به‌آزمایش بگذارد.

این آزمایش جدید امپریالیسم آمریکا را نیز، باتجهیزهمه مردم و با اتحاد همه‌نیروهای‌مردمی، می‌توان و باید با شکست مواجه‌ساخت. این هم خواست است و هم وظیفه.

خوانندگان محترم و نمایندگیهای فروش هفته‌نامه «اتحاد مردم»

کمک‌های خوانندگان عزیز و پرداخت مرتب و به موقع بهای این‌نشریه‌درشهرستانها، به رفع مشکلات مالی این هفته‌نامه‌یاری می‌رساند. لذا خواهشمند است وجوه بدهی وکمک‌های نقدی راازطریق شعب بانک‌ها، به حساب **شماره ۱۵۸۴ بانک ملی‌ایران شعبهٔ آریاشهر تهران، به نام محمود اعتمادزاده** حواله‌وفتوکپی رسیدآن رابه‌آدرس صندوق پستی ارسال فرمایند.

باتشکرفراوان‌ازهمکاری‌شما

اتحاد مردم
شماره ۱۰۷ دوره سوم دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۰

سوریه

هدف تجاوز و جنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم

روزهشتم آذرماه ۶۰ در نزدیکی یک مرکز سربازگیری در دمشق پایتخت سوریه، بمبی منفجرشد که، طبق آخرین اطلاعات ازمنابع سوری، متجاوز از ۱۵۰ نفر کشته و درحدود ۲۰۰ نفر زخمی به جای گذارد. درلحظه انفجار سه اتوبوس پر از مسافر درنزدیکی محل انفجارقرار داشتند، که مسافران آنها، از زن و مرد و کودک کشته و یا زخمی شدند.

دولت سوریه اعلام کردکه عوامل اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، با کمک "اخوان المسلمین"، مسئول این جنایت اند. جمعیت "اخوان المسلمین" مسئولیت این انفجار را بعهده گرفته است.

معمرقذافی رهبر لیبی، طی یک تماس تلفنی با حافظ اسد رئیس جمهور

*** انفجار بمب در دمشق فقط نمونه‌ای از تجاوز وجنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه جمهوری عربی سوریه است.**

سوریه، ضمن محکوم کردن این اقدام جنایتکارانه، تاکیدنمود که این اقدام وابستگی هرچه بیشتر "اخوان المسلمین" را به امپریالیسم آمریکا واسرائیل ثابت می‌کند. رئیس جمهور سوریه درپاسخ به رهبر لیبی اظهار داشت که "اخوان المسلیمن"، که در جهت خدمت به امپریالیسم وصهیونیسم جهانی عمل می‌کنند، هر روز مدرک تازه‌ای ارائه می‌دهندکه بر مزدوریشان دلالت میکند.

حادثه انفجاربمب در دمشق را باید در متن رویدادهای چند ماه اخیر درمنطقه خاورمیانه ودرارتباط با بحران دیرپای این منطقه ومانورهای دیپلماسی و تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در این منطقه بررسی نمود.

سوریه بعلت نقش موثر و فعالش درجبهه پایداری ومقاومت سرسختانه اش دربرابرنقشه‌های توسعه‌طلبانه وتجاوزگرانه اسرائیل از آن جمله در عقیم گذاردن اهداف موافقت‌نامه خائنانهٔ کمپ دیوید، به یکی از آماج‌های اصلی نقشه‌های تجاوزی وتوطئه‌های تخریبی و براندازی امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل تبدیل شده است.

از چند ماه پیش که دامنه تجاوزات نظامی اسرائیل از زمین وهوا به خاک لبنان گسترش یافت، وجود نیروهای بازدارنده سوریه درلبنان وبویژه وجود موشکهای "سام" این کشور در درهٔ "بقاع" بزرگترین سد دفاعی دربرابر این تجاوز بود. از همان زمان دولت صهیونیستی اسرائیل، باحمایت و شرکت مستقیم امپریالیسم آمریکا، این کشور را تحت فشارهای سیاسی وتهدید به رویاروئی نظامی قرارداد.

استقرار موشکهای "سام" درخاک لبنان درجلوگیری از گسترش تجاوز اسرائیل حائز چنان اهمیتی است که حتی **روبرت تالبوت**، کارشناس موسسهٔ تحقیقات استراتژیکی انگلستان، چند ماه قبل از جریان باصطلاح بحران موشکی، اظهارنظرکرده است که سوریه یک میدان دفاعی بسیار قوی در درهٔ "بقاع" ایجاد کرده، که چنانچه اسرائیل بخواهد به این منطقه حمله کند، برای عبور از این سد دفاعی خسارات عظیمی را تحمل خواهدکرد.

واکنون، متعاقب مسافرت فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان به این منطقه، به اصطلاح بحران موشکی موج تازه‌ای می‌گیرد.

درطرح ۵ ماده‌ای فیلیپ حبیب برای حل "بحران موشکی" که درمسافرت قبلی او به این منطقه ارائه شد، ذکر شده است که الیاس سرکیس رئیس جمهور لبنان از سوریه بخواهد که موشکهای "سام" زمین به هوا را ازخاک لبنان خارج کند.

روزنامهٔ "تشرین" ارگان دولت سوریه در این باره نوشت:

"حتی اگر فیلیپ حبیب هزار باربه این منطقه سفرکند، سوریه موشک‌های خود را از لبنان خارج نخواهد کرد"

ازسوی دیگر، دولت عربستان سعودی وفالانژیستهای لبنان سوریه را تهدید می‌کنند که بایدنیروهایش را از خاک لبنان خارج کند، تا اسرائیل به آسانی بتواند مناطق اشغالی خود در لبنان راگسترش دهد.

پیمان استراتژیکی امپریالیسم آمریکا واسرائیل، که چندی پیش منعقد شد، یکی ازنزدیکترین هدفهایش درهم شکستن مقاومت جبههٔ پایداری و مقدم برهمه مقاومت سوریه ولیبی در برابر تجاوز اسرائیل ونقشه‌های اشغال نظامی این منطقه از جانب امپریالیسم آمریکا است. یکی ازنخستین بازتاب‌های این پیمان "طرح فهد" بود که ازجانب رژیم دست نشانده عربستان سعودی بمنظور جان بخشیدن به موافقت نامه های کمپ دیوید و درهم شکستن جبهه متحد مقاومت ضدامپریالیستی کشور های عربی این منطقه ارائه گردید. در عقیم ماندن وشکست "طرح فهد" دولت سوریه نقش موثری ایفاء نمود.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل، که موفق نشده‌اند از راه فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی سوریه را ازمواضع مقاومت وپایداری دربرابرسیاست‌های تجاوزکارانه وتوسعه‌طلبانه اسرائیل و استراتژی نظامی آمریکا دراین منطقه وادار به عقب نشینی نماید، به کمک عمال و مزدوران **خود**، این باردرچهره "اخوان المسلمین"، به عملیات تروریستی وبمب گذاری درسوریه متوسل شده‌اند.

حادثه انفجاربمب دردمشق چهره کریه امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم بین المللی را باردیگر دربرابر جهانیان عریان می‌کند. امپریالیسم آمریکا همواره نشان داده است که برای درهم شکستن مقاومت خلقها در دفاع از حق حاکمیت واستقلال ملی، حاضراست به هرگونه جنایتی دست بزند.

ماضمن ابرازهمبستگی و همدردی باخلق برادر سوریه در این فاجعه اقدامات تجاوزکارانه وتروریستی امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم بین المللی راقاطعانه محکوم می‌کنیم و پیروزی وموفقیت خلق برادرسوریه وجمهوری عربی سوریه را در مبارزه بر ضد امپریالیسم وصهیونیسم بسرکردگی آمریکا آرزومندیم.

*** همبستگی و همدردی خود را باخلق برا در سوریه ابراز می‌داریم وپیروزی خلق برادر سوریه و جمهوری عربی سوریه را در مبارزهٔ برضدامپریالیسم وصهیونیسم، بسرکردگی امریکا آرزومندیم.**

جنبش دمکراتیک ومترقی بین المللی دانشجویان، استوار و متحد براه خود ادامه می دهد

- **اتحادیه بین المللی دانشجویان، تنها سازمان بین المللی دمکراتیک و مترقی دانشجویان است**
- **تلاش های خرابکارانه و انشعابگرانه در جنبش بین المللی دانشجویان، که توسط عوامل امپریالیسم و ارتجاع جهانی انجام می‌گیرد، محکوم به شکست است**

تلاشهای خرابکارانه وانشعابگرانه عوامل امپریالیسم وارتجاع جهانی در جنبش بین المللی دانشجویان سابقه داراست. بتازگی گروه جدیدی، که ادامه دهنده خرابکاران و انشعابگران ورشکست گذشته است، علیه اتحادیه بین المللی دانشجویان، تنها سازمان بین المللی دمکراتیک و مترقی دانشجویان، به تحریکاتی دست زده است، با این هدف که نقشهٔ کهنهٔ ورشکسته امپریالیسم وارتجاع جهانی رابرای خرابکاری وانشعاب در جنبش بین المللی دانشجویان، به اشکال "جدید"، بمرحله اجرادرآورد. بمناسبت این اتحادیهٔ بین المللی دانشجویان (I.U.S) قطعنامه‌ای صادر کرده است، که ترجمه آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

قطعنامهٔ اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S) دربارهٔ باصطلاح جامعهٔ بین المللی دانشجویان (I.S.A)

درحالی که دانشجویان دمکرات ومترقی جهان همپای خلق‌های خود برای مبارزه جهانی در راه استقرار صلح، آزادی واستقلال ملی، به پا خاسته‌اند و به ابتکارات بسیار مهمی دست زده‌اند، عده‌ای علیه جنبش مترقی ودمکراتیک دانشجویان، این بخش مهم نیروهای ضدامپریالیستی جهان، مبارزه هماهنگی راآغازکرده‌اند.

حملات این عدهٔ مستقیما علیه اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S)، نیروی سازمان یافتهٔ دانشجویان و همچنین سازمان‌ها وانجمن‌های دانشجوئی است که در طول زمان و به تجربه آزمایش شده‌اند.

این گروه که به تازگی پیدا شده، با جنبش حقیقی و معتبر دانشجوئی هیچ ارتباطی ندارد و با آن کاملا بیگانه است. گروه مذکورقصد دارد، تا بامخدوش کردن اتحاد سازمانهای دانشجوئی آنها را از هم بپاشاندودر فعالیت یکپارچه دانشجویان در راه حصول آموزش وپرورش دمکراتیک، صلح و پیشرفت اجتماعی اخلال کند.

عاملین این توطئه چه کسانی هستند؟

آنان ادامه دهندهٔ راه مستقیم کسانی هستند که با پیوندهای آشکارشان با "سیا" خودشان را رسوا کرده‌اند. همان‌هائی که چندی پیش "جامعه دانشجویان آمریکا" را جهت شکاف انداختن در جنبش دانشجوئی آمریکا علم کرده‌اند. آنها همان رهبران N.Z.S، باصطلاح "اتحادیه مستقل دانشجویان" در لهستان هستند که بی توجه به منافع دانشجویان لهستان درگیر بازی سیاسی علیه جنبش مترقی دانشجویان، I.U.S و سازمان‌های عضو آن و ازآن جمله دراتحادیه دانشجویان لهستان شده‌اند.

آنها همچنین رهبران UNEF - DIJION هستند که ادعای نام UNEF دمکراتیک ومستقل را دارند، اماعملا نه درجهت استقلال، بلکه به منظورایجاد شکاف درجنبش دانشجوبی فرانسه و جهان کوشش می کنند.

تاکنون چندین سال است که به اصطلاح جامعهٔ بین المللی دانشجویان بیهوده تلاش کرده است که اجلاسی از انشعابیون در پاریس برگزارکند، تا آنکه درماه ژوئن سال گذشته، باپشتیبانی گروه‌هائی که هیچگونه ارتباطی با جنبش دانشجوئی ندارند، این اجلاس برگزارشد.

گردانندگان این جریان نمیتوانند این حقیقت را پنهان کنندکه، علیرغم تبلیغات وسروصدای بسیاری که به راه انداخته بودند، تجمع پاریس ازگروهک‌هائی تشکیل شدکه هیچ گونه پایگاهی درمیان دانشجویان ندارندواز منفردین مقیم پاریس بوده‌اند.

چه نیروهائی در پشت سازمان‌دهندگان I.S.A ایستاده‌اند؟

آنها نیروهای شناخته شده‌ای هستند که مذبوحانه می‌کوشند، تا دانشجویان دمکراتیک و مترقی، دانشجویانی که از دستورات مونوپل‌ها ومحافل جنگ‌افروز آمریکا ومتحدین مرتجعشان سرپیچی می‌کنند، در جنبش روبه رشد صلح و پیشرفت شرکت نکنند. آنها، کسانی هستند که از بدتر شدن اوضاع بین المللی جهان سود می‌برندو می‌خواهند جنگ سرد دوباره زنده شود و روند پیشرفتی که دردههٔ اخیرنصیب خلق‌های جهان شده است، متوقف گردد.

کوششی که این باصطلاح جامعهٔ بین المللی دانشجویان در چنین شرایطی برای برگزاری کنگرهٔ موسسان بکار برد، به روشنی نشان می‌دهد که هدف اصلی گردانندگان این جریان تحریک آمیز، تابع ساختن به اصطلاح جامعه بین المللی دانشجویان در خدمت نقشه‌های محافل تجاوزکارانه وسازمان‌های جاسوسی کشورهای غربی است، که علیه لهستان مبارزه میکنند.

کلیه امور و برنامه‌های I.S.A در طرفداری ازامپریالیسم وارتجاع است، که خودنشانگرکوششی است که برپائی اتحاد سیاسی علیه نیروهای دمکراتیک و مترقی به‌کارمی‌رود.

هیئت دبیران اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (I.U.S) معتقد است که داروسته نامبرده تنها بداین دلیل به I.U.S می‌تازد، که اتحادیهٔ بین المللی دانشجویان ۳۵ سال سابقه مبارزاتی غرورآفرین دارد.

آنها چگونه می‌توانند تحمل کنند که I.U.S علیه جنگ ویتنام، در راه مستحکم کردن همبستگی خود باخلق‌های آسیا وآفریقا، در راه متوقف کردن تولید بمب نوترونی وایجاد مانع در براه افتادن جنگ سرد، این چنین تلاش می‌کندوقاطعانه علیه تجاوزات صهیونیسم، مسابقه تسلیحاتی، یا در راه تحقق حقوق دانشجویان، مبارزه میکند.

گردانندگان I.S.A از "اصول دمکراتیک" و "استقلال" خود لاف می‌زنند. می‌پرسیم: این ازکدام نوع استقلال است؟

استقلال ازجنبش دانشجویان و مبارزات دانشجویان در راه دستیابی به حقوق شان وآینده بهتر و علیه سلاح‌های هسته‌ای، که جهان را تهدید می‌کند؟ استقلال ازهمبستگی جنبش دانشجویی با مبارزات آزادیبخش ملی وخلق‌های آفریقای جنوبی، فلسطین، السالوادور، علیه امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع جهانی؟

استقلال ازجنبشی که علیه تولید بمب نوترونی ونقشه‌های ضدانسانی وکاربرد سلاح‌های جدیدی، که به بهای پیشرفت، آموزش و پرورش و حقوق اجتماعی جامعه تمام می شود، به پاخاسته‌اند؟

اتحادیه بین المللی دانشجویان اطمینان داردکه توطئه مخاطره آمیز گردانندگان این جریان به شکست خواهد انجامید.

اتحادیه بین المللی دانشجویان برپایه ۳۵ سال تجربهٔ خود اطمینان می دهدکه جنبش دمکراتیک و مترقی دانشجویان برتمام این جدائی‌ها و انشعاب‌ها، که علیه اتحاد ما، مبارزات متحد ویکپارچهٔ ما برای صلح، خلع سلاح، آزادی واستقلال ملی، نظم اقتصادی نوین بین المللی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی وعلیه حملات امپریالیسم واستعمارنوو همهٔ اشکال تجاوز عمل می‌کنند، غلبه خواهدکرد.

ماکلیه اعضاء وسازمان‌های دوست I.U.S وهمهٔ اتحادیه‌های دانشجویی را فرامی‌خوانیم، تاقاطعانه این اقدامات تحریک آمیز علیه جنبش دمکراتیک و مترقی دانشجوئی را محکوم کنند و وحدت، یکپارچگی وهمکاری را درجنبش بین المللی دانشجویان استحکام بخشند.

هیئت دبیران اتحادیهٔ بین‌المللی دانشجویان باردیگر قاطعانه اعلام می‌دارد که جنبش بین المللی دانشجویان، که علیه امپریالیسم و ارتجاع وبخاطر صلح وپیشرفت اجتماعی، برای اصلاح ودمکراتیزه شدن آموزش و پرورش، احقاق منافع و حقوق دانشجویان، که درنتیجه مبارزات سخت ودادن قربانی‌های بسیار از جنبش دانشجوئی جهان حاصل شده است، تاکنون مبارزه کرده است، پیگیرانه و با قاطعیت تمام تلاش های مذبوحانه ای راکه علیه جنبش مترقی ودمکراتیک دانشجویان تدارک دیده شده است، از میان خواهد برداشت.

سیاست کشاورزی

در راه رشد غیر سرمایه داری

بخش اول: دوگرایش متضاد در جنبش‌های رهائی بخش

امروزه دیگر نقش تاریخ‌ساز جنبش‌های رهائی بخش در جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی، برکسی پوشیده نیست. همه میدانند که کسب استقلال به‌معنی خارج کردن حاکمیت سیاسی کشور از سلطهٔ امپریالیسم، نخستین هدف این جنبش‌ها برای کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین است. ولی اگر، بدنبال برانداز ی حاکمیت امپریالیستی ونیل به استقلال سیاسی، نتوان به استقلال اقتصادی دست یافت و کشور را از غارتگری سرمایه‌داری انحصاری و وابستگان داخلی آن نجات داد، استقلال کشور به‌معنی واقعی وکامل خودتامین نخواهد شد. بنابراین، کسب استقلال سیاسی برای کشورهای به‌اصطلاح "جهان سوم" به‌منزلهٔ ورود به‌مرحلهٔ جدیدی از مبارزهٔ ضدامپریالیستی است که‌باید، بااستفاده از کلیه امکانات، راه اعتلای اقتصادی کشوررا درعرصه های صنعت وکشاورزی وبازرگانی هموارکند و آن را ازقید وبندانواع عقب‌ماندگی ها برهاند، امری که به تغییرات عمیق اجتماعی‌واقتصادی‌نیازدارد، یعنی آن‌چنان تغییراتی که‌بتواند باممانعت از غصب وغارت‌طبقات‌وقشرهای‌استثمارگر ومحوتکیه‌گاه‌های داخلی امپریالیسم وبا برخورداری ازپیشرفت‌های علمی وفنی موانع عمده را از راه تکامل‌وتعالی‌همه‌جانبهٔ کشور بردارد وبهبود اساسی در شرایط‌زندگی توده‌های میلیونی ایجاد کند.

> دربرابر امپریالیسم، اینک جبههٔ گسترده ونیرومندی مرکب ازکشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های رهائی بخش وجنبش کارگری ضدسرمایه‌داری درخودکشورهای امپریالیستی صف کشیده است. توان وامکانات جدید جنبش‌های رهائی بخش درعصر ما ناشی از وجود وعمل این جبهه است.

البته وقوع این قبیل تغییرات با مخالفت امپریالیسم وعوامل‌وابستهٔ به‌آن ونیروهای بازدارندهٔ تکامل اجتماعی مواجه می‌شود. این عوامل ونیروها، که "پیشرفت "کشور نواستقلال را تنها از دیدگاه تضمین وتحکیم منافع طبقات و قشرهای استثمارگر آن‌کشور ممکن‌می‌دانند، وبه‌آن مشروط و مقید میکنند، با گرایش به راه رشد سرمایه‌داری، هم‌پیوندی‌اقتصادی کشور را باانحصارات بین‌المللی حفظ و حتی تقویت می‌کنند. دراین‌صورت، همانطور که‌باتجربهٔ تعداد کثیری ازکشورهای نواستقلال‌نیزبه‌اثبات رسیده‌است، اقتصاد نوپای این قبیل کشورها به‌علت وجود راه‌های نفوذ انحصارات غارتگر ضعیف و علیل باقی می‌ماند واستقلال واقعی تحقق‌پیدانمی‌کند.

ولی در کشورهائی که جنبش‌های رهائی بخش درآنها به ابعاد ژرف‌تر، خلقی تر و ریشه‌ای تری دست می‌یابند واعتبار ومنزلت بارزتری کسب می‌کنند، امکان گزینش راه رشد سرمایه‌داری‌بیش ازپیش کم‌ترمی‌شود ودرمقابل برامکان گزینش راه‌رشد غیرسرمایه‌داری افزوده میگردد.

وجود و امکان متضاد برای‌کشورهای نواستقلال آسیا وآفریقا وآمریکای لاتین، یعنی امکان رشد سرمایه‌داری و امکان تحاشی از آن، یکی‌ازاختصاصات بارز این‌کشورها در عصر حاضر است. پیدایش امکان رشد غیرسرمایه‌داری‌در مقابل راه رشد سرمایه‌داری، بطورعمده ازاینجاناشی میشود که نظام سرمایه‌داری بالندگی پیشین خورا از دست داده ونظیر پدیده‌ای فرتوت ومردود، روی‌به‌افول نهاده‌است. درحالیکه، از سوی دیگر، نظام نوظهور سوسیالیسم رشدمی‌کند و درمبارزه با سرمایه‌داری همواره پرتوان‌تر می‌شود. درعین‌حال امپریالیسم، و دررأس آن امپریالیسم آمریکا، درمقام عالیترین مرحله‌سرمایه‌داری، بزرگترین‌خصم جنبشهای‌رهائی بخش‌است و به‌همین‌علت مضمون‌عمده وعمومی این‌جنبش‌ها جنبهٔ ضد امپریالیستی آنهاست.

جنبش‌های رهائی بخش، که‌جلوه گاه‌یکی از اساسی‌ترین تضادهای عصر حاضرند، تاحل قطعی‌این‌تضادهاپایان نخواهند گرفت. در هریک از این جنبش‌ها، با وقوع انقلاب رهائی‌بخش وکسب استقلال سیاسی‌کشور، غالبا در قبال ادامهٔ جنبش وآیندهٔ کشور، دو گرایش متضاد در برابرهم قرارمیگیرند: یکی ازاین‌دوگرایش انواع تفکرات "رفورمیستی" و"لیبرالی" را در بر دارد، که‌براساس آنها جنبش باید از مشی ضدامپریالیستی منصرف شود، و ضمن مدارا باسیاست غارت گرانهٔ امپریالیسم، به‌آنچنان‌اصلاحاتی برای امور اجتماعی واقتصادی کشور قناعت نماید که، به‌منافع‌اقتصادی‌و برتری‌جوئی سیاسی واقتصادی طبقات وقشرهای استثمارگر لطمه‌ای نخورد. مثلا این‌گرایش، برای تضمین منافع ملاکان وسرمایه‌گذاران ارضی بزرگ، مقاصدی را از اصلاحات در جامعهٔ روستایی و تولیدکشاورزی دنبال میکند که به‌طور عمده‌عبارت‌است ازرخنه‌وبسط شیوهٔ تولید سرمایه‌داری در عین سازگاری‌با شیوه‌های‌استثماری‌دیگروگسترش‌بیرویه روابط غارتگرانه تجاری بین‌جامعهٔ شهری وجامعهٔ روستائی به‌بهای‌بی‌نواکردن تولیدکنندگان خرده‌پای هر دوجامعه. در صورت‌تسلط‌این‌گرایش برجنبش، پیشرفت کشور نواستقلال‌حداقل تامدتی - باوابستگی به امپریالیسم در مسیرنظام سرمایه‌داری می‌افتدو تنها به تغییرات و نوسازی‌هائی اکتفامی‌شود که ازمحدودهٔ تنگ آن‌نظام فراترنمی‌رود.

اما، گرایش دیگر، گرایش به‌راه رشد غیر سرمایه‌داری، مضمونی "رادیکال" و "دموکراتیک" دارد. این گرایش خواهان‌آنچنان پیشرفت وتغییرات‌اجتماعی واقتصادی‌عمیقی برای کشور است که بدون محو قدرت سیاسی‌واقتصادی کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، بدون آزادساختن‌بخش عمدهٔ‌صنایع کشاورزی وبازرگانی از چنگال طبقات و قشرهای استثمارگر، بدون قطع‌ریشه‌های وابستگی به امپریالیسم و خلاصه بدون تحاشی از راه رشد سرمایه‌داری تحقق پیدانمی‌کند. بنابراین گرایش، کشور نواستقلال طی یک مرحله گذار در جهت تکامل مستقل وهمه‌جانبه اجتماعی‌ورفع عقب‌ماندگی ها، به‌نوسازی کشور وبه ایجاد یک‌اقتصاد پیشرفتهٔ‌متنوع می‌پردازد، که‌مبتنی بر برنامه‌ریزی علمی است، برنامه‌ای که‌امکان توسعهٔ‌متعادل‌صنایع سبک وسنگین و پیشرفت تولیدکشاورزی رابامشارکت‌فعالانهٔ توده‌های مردم و با بهره‌مندی‌از دانش‌وفنون‌پیشرفته‌تحقق می‌بخشد وزحمتکشان‌روستایی وشهری را ازانواع‌مظالم ومحرومیت‌ها نجات میدهد.

مضامین اصلی این‌برنامه ریزی عبارتند از: تقویت بخش‌های‌دولتی و تعاونی در مقابل بخش خصوصی، حمایت ازتولید کنندگان خرده‌پا در عین کمک به ارتقاء بازدهٔ نیروی کار، افزایش روزافزون نقش زحمتکشان - اعم از کارگر ودهقان وپیشه‌ور و غیره - در ادارهٔ امور صنفی وعمومی جامعه. درنتیجه، ضمن آنکه بخش دولتی در رشته‌های عمدهٔ اقتصادی تدریجا به رکن‌اصلی اقتصاد تبدیل‌می‌شود، گرایش‌های آگاهانه ومنافع طبقاتی عینی زحمتکشان هم کمک خواهدکرد که‌ساختارهای‌ظالمانه وکهنه‌درجامعه آسان‌تر متلاشی شودوساختارهای‌نوین وضرور برای تحولات‌عالی‌تربه‌اقتضای تکامل‌مستقل‌وهمه‌جانبهٔ‌اجتماعی، به وجودآید.

از دوگرایش متضاد درجنبش‌های‌رهائی‌بخش، در مقیاس جهانی و در روند تکامل تاریخی، گرایش به نظام‌سرمایه‌داری تدریجاز‌مینه‌سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و روانی خودرا درکشورهای‌آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین هرچه بیشتر از دست میدهد و برای گرایش ضد سرمایه‌داری، به علل گوناگون، امکانات مساعدتری فراهم میشود. اهم این‌علل رامیتوان‌بصورت زیرین برشمرد:

۱- امروزه، سرمایه‌داری رونق واعتباری‌را که طی‌رشد "کلاسیک" خود در قرن‌های هجده ونوزده‌داشت، حتی درزادگاهش- مغرب‌زمین- از دست داده‌است، تاچه‌رسد به‌کشورهای به اصطلاح "جهان‌سوم"، که تاکنون کم‌و بیش درحدود دوقرن آلام و عوارض فلاکت‌بار استعماری ونواستعماری این غول فرتوت را درهمهٔ‌عرصه‌های‌حیات

> *از دوگرایش‌متضاد درجنبش‌های‌رهائی بخش، در مقیاس‌جهانی و در روند تکامل‌تاریخی، گرایش به‌نظام سرمایه‌داری‌تدریجا زمینه‌سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک وروانی‌خودرا درکشورهای آسیا و آفریقاوآمریکای لاتین‌هرچه‌بیشتر از دست‌میدهد وبرای گرایش ضدسرمایه‌داری‌امکانات مساعدتری فراهم‌میشود.*

خودلمس‌کرده‌اند. اکنون بیش از نیم قرن می‌گذرد که سرمایه‌داری موقعیت خودرا به‌مثابهٔ نظام فراگیرجهانی از دست داده ونظام سوسیالیستی در مقابل آن قدبرافراشته است. این‌نظام نوین، مخصوصا طی چنددههٔ‌اخیر، به عامل تعیین‌کنندهٔ تکامل‌جوامع انسانی تبدیل می‌شود، وباپیشرفت‌های‌چشم‌گیر خود در زمینه‌های اقتصادی وسیاسی نظامی‌وفرهنگی‌واجتماعی بنحوفزاینده‌ای‌عرصه‌جهان را برنظام سرمایه‌داری‌و غارتگران امپریالیست آن تنگ وتنگ‌تر میکند.

ازسوی دیگر، ستیزه‌جوئی‌ناگزیر وسرشتی امپریالیسم، به‌منزلهٔ دشمن مشترک سوسیالیسم وجنبش‌های رهائی بخش، این جنبش‌هارا به صف آرائی در سطح جهانی واداشته است، تا در محور مبارزهٔ ضدامپریالیستی، بانظام سوسیالیستی همکاری کنند وازامکانات وتجربیات این نظام به‌منظور تحقق استقلال واقعی در کشورهای خودبهره‌مندشوند. درهمین‌حال، در داخل کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری هم مردم - در درجهٔ اول طبقهٔ کارگر و بهمراه‌آن‌کلیه‌زحمتکشان وحتی‌محافل غیرانحصاری- ازانواع بحران های اجتماعی- که دیگر جنبهٔ مزمن بخود گرفته‌اند- به‌ستوه آمده‌وعلیه‌سیاست‌های‌تحمیلی انحصارات‌به‌پاخاسته‌اند، امری که به‌تقویت جبههٔ جهانی‌ضد امپریالیستی کمک می‌کندو در نتیجه موجب تقویت جنبش های رهائی بخش نیزمی‌شود وبه‌سهم خودبرغنای‌مضمون ضدسرمایه‌داری‌این‌جنبش‌ها می‌افزاید. که در برابر امپریالیسم، اینک، جبههٔ گسترده ونیرومندی مرکب ازکشور های سوسیالیستی، جنبشهای‌رهائی بخش‌و جنبش کارگری وضد سرمایه‌داری‌درخود کشورهای امپریالیستی صف‌کشیده‌است. توان وامکانات جدید جنبش‌های‌رهائی بخش درعصر ماناشی‌ازوجودو عمل‌این جبهه‌است.

۲- در اغلب‌کشورهای‌نواستقلال یکی‌ازخصوصیات‌عمدهٔ‌سرمایه داری خودی‌یابه‌اصطلاح‌ملی، ضعف‌عمومی آن است. سرمایه‌داری‌خودی‌در این‌کشورها چه‌ازلحاظ‌کمیت وچه از لحاظ‌کیفیت، قدرت‌اقتصادی وسیاسی لازم را برای رشد "کلاسیک" ندارد. این‌ضعف‌عمومی موجب‌شده‌است‌که:

اولا محافل منسوب به‌سرمایه‌داری خودی‌صرفنظر ازپاره‌ای‌تمایلات وگاه‌اقدامات ضدامپریالیستی، غالبا" خواهان‌همکاری‌با سرمایه امپریالیستی اند ودراین‌رهگذرحتی به تحمیلات عریان امپریالیسم، که با استقلال واقعی کشور منافات دارد، تن‌می‌دهند.

ثانیا، چنین‌محافلی، به علت همین‌ضعف عمومی، بسیارکم‌تر ازهمتایان غربی دوسه‌قرن پیش خود با شیوه‌های تولید ماقبل‌سرمایه داری مبارزه‌می‌کنند. ازجمله‌اینکه، درکشورهائی‌نظیر ایران، باروابط تولید "ارباب- رعیتی" دمسازند. آنان، برای جبران همان‌ضعف‌عمومی، بزرگ‌مالکان‌را به‌کمک‌می‌طلبند و در حکومت خودشرکت می‌دهند. این محافل عموما، از اقدامات انقلابی ضروربرای رشد نیروهای تولید در عرصهٔ صنعت وکشاورزی و محو عقب‌ماندگی طفره‌می‌روند. گذشته از این، سعی آنان برای اتخاذ راه رشد سرمایه‌داری‌برای عصر حاضر، که‌سرمایه‌داری‌روبه‌انحطاط و زوال‌می‌رود، فاقد دورنماست. راه رشدسرمایه‌داری، حتی اگر بتواند چندین‌دههٔ دیگر هم‌برتعدادی از کشورهای نواستقلال در"جهان‌سوم" تحمیل شود، قادر نیست که‌عقب‌ماندگی این کشورها را در چنین‌مدتی برطرف‌کند وآنهارا ازلحاظ تکامل اجتماعی‌به‌مقامی درخور جامعه‌بشری برساند. بنابراین، یکی‌هم‌به همین علت‌است که‌انواع تبلیغات "رفورمیستی" و "لیبرالی" محافل منسوب به‌سرمایه‌داری خودی در جنبش‌های رهائی‌بخش به‌تدریج و هرچه بیشترکم آب ورنگ‌ترمیشود. این محافل اکنون درتعدادکثیری از جنبش‌های‌رهائی‌بخش به‌کلی بی‌اعتبار ومطرود شده‌اند، چنانکه یک نمونهٔ‌بارز آن طی دوران‌اخیر درایران‌انقلابی به ظهور رسیده‌است.

۳- مدتهاست که‌برای‌جنبش‌های رهائی بخش، مسئلهٔ استقلال واقعی‌کشورهای نواستقلال با مسائل مربوط به پیشرفت اجتماعی پیوندناگسستنی پیدا کرده‌است. خواست‌هائی ازقبیل‌اعاده‌حقوق‌تضییع شده‌محرومان شهر وده، رهائی‌طبقات زحمتکش از

بقیه درصفحه ۱۰

ازنامهٔ یك خوانندهٔ خطاب به:

برادران مسلمان پیروخط امام!

راستی را چه جدائیست میان من و تو؟

گیرم که:

- تو از طریق تعالیم عالیهٔ اسلام دریافته‌ای که‌عزت وشرف‌انسانی باوابستگی به‌امپریالیسم منافات‌داردو من از طریق دیگری به همین‌نتیجه رسیده‌ام،

- تو ازطریق اسلام، استبدادرا بعنوان وسیله تثبیت وابستگی شناخته‌ای‌ومن‌ازمسیرفکری‌دیگری‌به‌این شناخت دست‌یافته‌ام،

- تو باموازین‌اسلامی، بزرگ مالکی رابعنوان پایگاه داخلی امپریالیسم تشخیص داده و اعتقاد پیداکرده‌ای که "الزرع للزارع" ومن‌از مسیر دیگری به‌این اعتقادرسیده‌ام‌که "زمین از آن‌کسی است که‌میکارد"،

- تو برمبنای اصول اسلام راستین، بهره‌کشی‌انسان از انسان و تکاثر ثروت را منافی‌یکزندگی‌انسانی میدانی‌و من براساس‌اصول‌دیگری به همین‌نظر رسیده‌ام،

- توبراساس‌تفکراسلامی‌خواستار استقرار عدالت‌اجتماعی‌هستی و من براساس‌تفکر دیگری همین‌راخواستارم

- تو زیر لوای اسلام وبه رهبری امام‌خمینی برای از بین‌بردن‌وابستگی استبداد، بزرگ‌مالکی، کلان‌سرمایه‌داری واستقرار عدالت‌اجتماعی‌مبارزه میکردی و میکنی و من با قبول همین رهبری در کنار توبوده‌ام و خواهم‌بود ومبارزه‌خواهم‌کرد.

با این‌همه، بخاطر نتایج مشابهی که از مسیرهای‌مختلف‌ومتفاوت به‌آنها‌رسیده‌ایم:

- دیروز گلوله‌های شاه‌سینه تو و مرا بهم‌میدوخت،

- امروز "دست آمریکا ازآستین صدام بدرآمده" و خون تو و مرا در سنگر به‌هم‌می‌آمیزد،

- واگر فردا خود آمریکا نیز بر مابتازد، از ما نخواهد پرسید که ازچه راهی به‌این نتیجه رسیده‌ایم‌که:

" . . . دراین انقلاب شیطان بزرگ آمریکااست"،

بلکه بخاطرهمین‌نتیجه، گلوله‌ها وبمب‌های‌خودرا بدون‌تمایز برمن و تو خواهدبارید.

با این همه:

"راستی راچه‌جدائی‌است میان من‌وتو؟"



چند نمونه از قوانین ضد مردمی در رژیم صدام

ماهیت رژیم جنایتکار صدام حسین را نه فقط در آئینهٔ تجاوز خائنانه‌اش به خاک ایران و کشتار فرزندان انقلاب ایران، بلکه همچنین در شیوهٔ برخوردش با مردم عراق، در آئینه سیاست داخلی آن نیز به‌خوبی می‌توان دید.

ما دو نمونه از قوانین تصویب‌شده و رسمی رژیم صدام حسین را برای روشن‌تر شدن ماهیت ضد مردمی و نژادپرستانه این رژیم، از خبرنامه "ریگای کوردستان" (راه کردستان)، نشریه حزب کمونیست عراق برای منطقه کردستان، نقل میکنیم:

۱ـ قانون اعطای دوهزار دینار عراقی به هر عربی که با یک دختر کرد ازدواج کند و به هر مرد کردی که با یک دختر عرب ازدواج نماید. (هدف بعثی‌های عراق از دخالت در مسائل خانوادگی از بین بردن ملیت کرد است.)

۲ـ قانون اعطای چهارهزار دینار عراقی به هر مرد عراقی که زن ایرانی‌الاصل خود را طلاق دهد. (برای تصفیهٔ "خون عربی" از "خون آلودهٔ مجوسی"!)

نشریهٔ "ریگای کوردستان" در پایان از خوانندگان خود پرسیده است:

"جز عراق کشور دیگری در جهان سراغ دارید که اینگونه قوانین در آن وجود داشته باشد؟"

سیاست کشاورزی...

بقیه از صفحه ۹

مظالم کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان حمایت از تولیدکنندگان خرده‌پای رشته‌های گوناگون صنایع و کشاورزی در مقابل رقابت نابرابر کلان سرمایه‌داران خودی و بیگانه ونجات آنان از ورشکستگی و بی‌نوائی، و خلاصه تامین حقوق اجتماعی توده‌های مردم و حفظ ثمرات کار آنان از تجاوز غارتگران رنگارنگ، چنان مسائلی هستند که حل آنها در دایرهٔ تنگ "رفورمیسم" و "لیبرالیسم" و دیگر تدابیر نظام سرمایه‌داری مقدور نیست. برای این قبیل مقاصد باید در راه آنچنان تحولات عمیق اجتماعی ـ اقتصادی پیشرفت که باراه و رسم نظام سرمایه‌داری به‌کلی مغایر است و دورنمای جامعه‌ای را در پیش دارد، که از هر نوع روابط استثماری و ظالمانه آزاد است.

(ادامه دارد)

در هفته‌ای که گذشت:

بازهم ضرورت بازگشائی دانشگاهها

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بار دیگر بر ضرورت بازگشائی دانشگاه‌ها تاکید کردند. امام در این دیدار گفتند:

"اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند، این کار بیش از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمی‌شود دانشگاه‌ها را برای این مدت تعطیل کرد." (کیهان ـ ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

رهبر انقلاب همچنین در دیدار با ریاست جمهوری و ائمه جمعه کشور تاکید کردند:

"دانشگاه را باز کنند، لکن علوم انسانی اش را بتدریج از دانشمندان حوزه‌های ایران خصوصا قم استمداد کنند." (اطلاعات ـ ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

باید بیدرنگ رهنمودهای امام خمینی را اجرا کرد و با بازگشائی دانشگاه‌ها، هزاران جوان را از بلاتکلیفی رهانید و به سرعت تربیت متخصصان و کارشناسان را آغاز نمود.

قانون استثنا پذیر نیست

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی ایران هفتهٔ گذشته در دیدار با دادستان انقلاب وحاکم شرع و گروهی از مسئولان نهادهای انقلابی سیستان و بلوچستان از جمله گفت:

"سعی کنید که وحدت میان ارگان‌ها را حفظ کنید و از اختلاف سلیقه بپرهیزید و هیچ بدی و خلافی را به دیدهٔ اغماض ننگرید. تعارف و مجامله در برابر اشتباهات نه‌تنها به حل مشکلات کمک نمی کند، بلکه دایره این مشکلات را وسیع‌تر هم خواهد کرد." (کیهان ـ ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

این سخنان ریاست جمهوری نشان‌دهنده آنست که پیروان راستین خط امام برآنند که قانون را بدون استثنا درمورد همگان اجرا کنند و از هیچ‌خطائی چشم نپوشند. چنین برخوردی، که رئیس دیوانعالی کشور هم برآن تاکید ورزیده است، میتواند در تثبیت قانونیت نقش مهمی بازی کند.

تأسیس فوری وزارت صنایع سنگین نیاز انقلاب است

هفته گذشته هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران لایحه تاسیس وزارت صنایع سنگین را تصویب کرد. در متن لایحه گفته شده است که این وزارتخانه: "به‌منظور ایجاد و بهره‌برداری وتوسعه صنایع سنگین و پیشبرد تکنولوژی این صنایع و خودکفائی صنایع کشور" تاسیس می‌گردد.

از آنجاکه نیل به استقلال اقتصادی و خودکفائی بستگی حیاتی به‌رشد صنایع سنگین دارد، تصویب لایحه تاسیس وزارت صنایع سنگین که عهده‌دار انجام این امر مهم خواهد بود، گام ارزنده‌ای است. مردم ایران امیدوارند که این لایحه هر چه زودتر در مجلس شورای اسلامی تصویب وبسرعت مقدمات تاسیس این وزارتخانه مهم فراهم گردد.

تصویب مجدد طرح قانونی اراضی شهری

مجلس شورای اسلامی هفتهٔ گذشته با اکثریت قاطع آرای نمایندگان مجددا طرح قانونی اراضی شهری را، که توسط شورای نگهبان رد شده بود، تصویب کرد.

اهمیت اجرای این قانون، که این بار تغییرات کوچکی هم در آن داده شده است، در سخنانی که وزیر مسکن وشهرسازی در مجلس عنوان کرد، به خوبی منعکس است:

"در رژیم گذشته موفق‌ترین سال از نظر خانه‌سازی سال ۵۶ بود، که ۱۴۰ هزار خانه طی آن ساخته شد. حالا اگر ما بخواهیم مشکل مسکن را حل کنیم، باید ۶ میلیون خانه طی دهسال آینده بسازیم، یعنی چهار برابر سال ۵۶ خانه‌سازی کنیم. از طرف دیگر در سال ۵۶ حدود ۱۹۹ میلیارد ریال برای زمین خرج شد. حالا اگر بخواهیم ۶ میلیون خانه بسازیم، باید ۴ برابر پولی که آنسال خرج شده بودجه بگذاریم، درصورتیکه امسال که ما بزرگترین بودجه عمرانی را داشتیم، ۱۰ میلیارد تومان بوده، که باید ۸۰ میلیارد آنرا پول زمین بدهیم. (اطلاعات ـ ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

در واقع اگر این قانون به اجرا درنیاید، دولت مجبور خواهد بود ۸۰ میلیارد ریال از هزینهٔ عمومی مملکت را، که حاصل دسترنج زحمتکشان است، به‌جیب کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌مالکان بریزد وبیش از ۴ برابر رژیم طاغوت به‌آنها منفعت برساند، و یا از: ساختن سرپناه برای محرومین میهن‌ما که در جبهه‌ها خون می‌دهند، تاانقلاب را حفظ کنند، بکلی صرفنظر کند. بی‌دلیل نیست که وزیر مسکن وشهرسازی سخنان خود را در مجلس چنین پایان می‌دهد:

"اگر این طرح تصویب نشود، دولت و وزارت مسکن نمیتوانند وضع مسکن را روشن کنند."

امپریالیسم ژاپن هنوز هم ایران را سر میدواند

بعد از سه‌سال که از تعطیل کار مجتمع بزرگ پتروشیمی بندر امام خمینی توسط شرکت‌های ژاپنی می‌گذرد، امپریالیسم ژاپن هنوز ایران را سرمی‌دواند. ژاپنی‌ها برای پایان‌دادن به ۱۵ درصد باقیمانده این طرح، که ۵۸ درصد آن با صرف ۲۰ میلیارد تومان هزینه انجام شده است، به‌بهانه‌های مختلف تعلل می‌کنند.

آخرین اخبار در این مورد حاکی است که هفتهٔ گذشته یک هیئت ژاپنی برای ادامه مذاکرات به‌تهران آمده است. درهمین‌حال وزیر نیرو در پایان بازدید خود از پروژه مجتمع پترو شیمی اعلام کرد:

"با قرارداد قبلی ادامه عملیات پروژهٔ مجتمع پتروشیمی ایران وژاپن برای ما امکان‌پذیر نیست." (اطلاعات ـ ۱۷ آذر ۱۳۶۰)

استقبال از همکاری مدافعان انقلاب

دکتر حسن غفوری وزیر نیرو در گردهم‌آئی معاونین وکارشناسان وکارکنان این وزارتخانه گفت:

"باتوجه به‌تصویب لایحه بازسازی در مجلس شورای اسلامی، لازم به‌یادآوری است که تمامی همکارانی که دروزارت نیرو بتوانند خود را باانقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهند واستعدادهای خودرا در راه انقلاب بکار [illegible] خود باقی خواهند ماند وما از همکاری ایشان استقبال خواهیم کرد." (اطلاعات ـ ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

این سخنان نویدبخشی است که زمینه را برای استفاده از همهٔ نیروهای مدافع انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران درجهت نوسازی کشور آماده میکند.

"خطر شوروی" از زبان عامل کودتای آمریکائی نوژه

هفته‌گذشته محاکمه مهندس حاج رضا مرزبان، به‌اتهام رهبری شاخهٔ سیاسی کودتای آمریکایی نوژه، در شعبهٔ اول دادگاه انقلاب اسلامی ارتش آغاز شد. در کیفر خواست دادستان بعداز شرح زندگی سراپا خیانت مهندس حاج رضا مرزبان، که مشاور سیاسی بختیار هم بوده، آمده است:

"نامبرده با زیرکی کامل در پاریس سعی می‌نماید باطرق مختلف بخصوص ارائهٔ تحلیل‌های به‌اصطلاح عمیق و ترسیم تصویرهائی از جامعه و خطر شوروی به‌رهبر انقلاب دسترسی پیدا کند." (اطلاعات ـ ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

وبه‌این‌ترتیب بار دیگر تاریخ نشان میدهد که چگونه حربهٔ قدیمی "خطر شوروی" دستاویز کسانی است که هدفی غیراز مسلط کردن امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امریکا بر ایران ندارند.

همه، اگر از بین برویم،

بهتر است از اینکه

زیر دست صهیونیسم

و آمریکا ذلیل باشیم

امام خمینی

بقیه از صفحه ۵

تفسیر وقایع...

خارجی خود استفاده کند."

وی افزود:

"درانجام این وظیفه به نمایندگان "سیا" در کشورهای خارجی اختیارات فوق‌العاده وسیعی درزمینه تدارک واجرای عملیات مخفی واگذار شده است."

نظری فهرست‌وار به‌آنچه در رهنمود شورای امنیت ملی امریکا بعنوان "عملیات مخفی" ذکر شده است، میتواند ما را به‌سرچشمه یک سلسله مسائل سیاسی، ایدئولوژیک، تبلیغاتی و غیره نه‌تنها درایران، بلکه در سراسرجهان هدایت کند.

یک‌ناظر آگاه میتواند به‌سادگی ارتباطی راکه بین انفجار دربنای حزب جمهوری اسلامی با انفجار اخیر در دمشق و انفجار بزرگترین پالایشگاه آنگولا وجود دارد، کشف کند وسلسله اقداماتی را که از ترور لومومبا تا ترور رجائی و باهنر انجام گرفته است، به‌هم مربوط سازد.

اما کشف "عملیات مخفی" "سیا" در همهٔ موارد به‌این آسانی نیست. دشواری به خصوص هنگامی بیشتر میشود که "عملیات مخفی به‌قلمرو ایدئولوژیک منتقل میشود. درایالات متحدهٔ امریکا در دانشگاه استفورد، به اصطلاح پژوهشکده‌ای بنام "انستیتوی جنگ، انقلاب وصلح"، وجود دارد، که هزینه های پژوهش آنرا "سیا" تامین میکند. وظیفهٔ این انستیتو تدوین وتنظیم مسائل ایدئولوژیک ونظرات سیاسی منحرف درکادر "عملیات مخفی" است. چه بسیارند کسانی که خود ناآگاهانه در دام بدآموزی‌های این موسسه و دهها موسسه نظیرآن درامریکا، اسرائیل، انگلستان وسایر کشورهای امپریالیستی می افتند وخود به‌ارتش

بی‌جیره ومواجب ترویج این نظرات زیان‌بخش وضدانقلابی مبدل میشوند.

باید گفت که سازمان جهنمی "سیا" می‌تواند کارنامه "درخشانی" "از خدمات خود به امپریالیسم امریکا و نظام سرمایه‌داری به‌طور کلی ارائه دهد. "سیا" در تمام کودتاها وتحولات ضدانقلابی، که درسی سال اخیر در سراسر جهان روی داده، دخالت مستقیم داشته است.

"سیا" تنها نیست

موفقیت "سیا" در پیشبرد مقاصد امپریالیسم امریکا بر دوپایه متکی است: نخست امکانات عظیم مادی و مالی که این سازمان دراختیاردارد. کمیسیون امورجاسوسی سنای امریکابودجه عظیمی راکه دولت ریگان برای "سیا" تقاضاکرده بود، برخلاف عرف معمول، مقداری هم افزایش داد. "سیا" این امکانات گسترده مادی و مالی را برای ایجاد شبکه‌های وسیع ارتباطی، استخدام کارشناسان برجسته در رشته‌های مختلف علمی و فنی، جلب عمال مخفی، تطمیع و رشوه دهی به عناصر ذینفوذ دولتی واجتماعی، تامین هزینه گروه‌های تروریستی و "کمک" به‌جنبش‌های مخفی مخالف رژیم‌های مترقی وانقلابی و کارهای دیگر به‌مصرف میرساند.

دوم، همکاری بین‌المللی "سیا" با سایر سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی وکشورهای وابسته. دراین میان بایستی بویژه از سازمان جاسوسی انگلستان بنام "ام ـ آی ۶" وسازمان جاسوسی آلمان غربی بنام "ب‌ان‌د" "موساد" اسرائیل نام برد. "سیا" فعالیت این سازمان‌ها را از طریق دو مرکز اصلی خود در استانبول و لندن هماهنگ میکند.

همکاری بین "سیا" وسازمانهای اطلاعاتی فرانسه‌وچین، پس‌ازسقوط رهبری این‌کشور به گرداب خیانت، روزبروز مقیاس گسترده‌تری به‌خود میگیرد. سمت‌اصلی همکاری "سیا" باچین علاوه بر فعالیت‌های مشترک ضدشوروی، متوجه انقلاب افغانستان وایران است. سازمان های اطلاعاتی مصر، ترکیه، پاکستان وعربستان سعودی، که‌هریک "ساواکچه" هستند، برحسب مورد درعملیات مخفی "سیا" نقش خاصی بعهده می‌گیرند. کشورهای وابسته به‌امپریالیسم آمریکا از طریق نمایندگیهای سیاسی خود درکشورهای مقیم اطلاعات لازم برای "عملیات مخفی" "سیا" را دردسترس آنهامیگذارند و دراجرای این عملیات سهم خودرا ایفا میکنند (رجوع کنید به افشاگری‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد نقش سفارت‌های غربی هنگام عملیات طبس).

"سیا" مشتری پر و پا قرص ایران پس از انقلاب

ایران از همان نخستین روزهای پس از انقلاب بیش ازپیش در زیر ذره‌بین "سیا" جای گرفت. اکنون نیز واگذاری اختیارات نامحدود به "سیا" مستقیما با ایران و سرنوشت انقلاب ما ارتباط دارد. عملیات مخفی "سیا" در ایران بعهده "اینمن" باصطلاح مرد شمارهٔ ۲ "سیا" (جانشین کیسی) که‌برجسته‌ترین کارشناس امریکائی در امور ایران است، واگذار شده است. اینمن شبکه گسترده مخفی ماموران ایرانی وامریکائی "سیا" را دراختیار دارد. طرح‌ها بوسیلهٔ او ریخته میشوند وبه‌وسیلهٔ این شبکه اجرا میگردند.

فعالیت "سیا" در مورد ایران تمام

[illegible] زدوبند باگروه‌های داخلی و مخالفان خط امام رادر برمیگیرد. دهها رادیو، که همهٔ آنها با پول "سیا" وسایر سرویس‌های جاسوسی امپریالیستی اداره‌میشوند، مانند اجزاء مختلف ارکستر واحدی، گاه باصدای ظریف و فریبنده وگاهی باصدای خشن ورعب‌آور می‌کوشند نظرات ناسالم سیاسی را در میان مردم ما تبلیغ کنند.

هنگامیکه از یک کارشناس برجسته امریکائی در امور ایران، که در راس "سیا" جای دارد، بحث میکنیم، باید بخاطر داشته باشیم که ایران در ظرف مدتی قریب به‌سی سال عملا نیمه‌مستعمره امریکا بوده است و چنین کسی فرصت آنرا داشته است که بااوضاع اقتصادی وسیاسی ایران وگرایش‌های مختلف آشنا گردد و شبکه وسیع عمال خود را در ایران مستقر سازد.

بایدتوجه داشته باشیم که "عملیات مخفی" "سیا" برضد انقلاب ایران صدها باراز عملیات آشکار "ستاره‌درخشان" خطرناکتر است، زیرا در این عملیات مخفی نیروهای داخلی هدف قرارمیگیرند و طراحان "سیا" قادرند، علاوه برعمال مستقیم خود و گروه‌های وابسته به امپریالیسم (کلان‌سرمایه‌داران، بزرگ‌مالکان، سلطنت طلبان، ساواکی‌هاوغیره) بخشی از نیروهای ناآگاه جامعه را نیز با شعارهای انحرافی به رویاروئی با خط اصیل انقلاب بکشانند.

طرح "سیا" در مورد روی کار آوردن یک‌دولت "معتدل ومیانه‌رو" در ایران برپایهٔ همین "عملیات مخفی" طرح‌ریزی‌شده است. واگذاری اختیارات مطلق به "سیا" در زمینهٔ "عملیات مخفی"، خطری که انقلاب ما را تهدید میکند، به‌مراتب بیشترکرده است.

بمناسبت روز استقلال جمهوری کنیا (۲۱ آذر ۱۳۴۲/۱۲ دسامبر ۱۹۶۳)

نام رسمی: "جمهوری کنیا" / (REPUBLIC OF KENYA).
وسعت: ۵۸۲۶۴۶ کیلومترمربع.
سکنه: ۱۶ میلیون نفر (۱۳۶۰).
۹۰% مردم کنیا روستانشین هستند. رشد سالیانه جمعیت کنیا برابر با ۴% است. دراین کشور آفریقای خاوری ۸۲ گروه قومی وابسته به قبیله‌های بانتو، نیلوت و کوشی‌تو زندگی می‌کنند. مهمترین آنها عبارتند از کیکویو (KIKUYU، ۱۸ % سکنه)، لوئو (LUO، ۱۳%)، لوهیا (LUHYA، ۱۲/۸%)، کومبا (KOMBA، ۹%)، گالا (GALLA، ۸%) و ماسائی (MASSAI، ۶%). فزون براین ۰/۵ % اروپایی نیز در کنیا زندگی می‌کنند.
پایتخت: نایروبی (۶۴۷۰۰۰، سال ۱۳۵۹)، دیگر شهرها: مومبوسا، ناکورو و کی‌سومو.
زبانهای رسمی: سواحلی و انگلیسی.
مذهب: بیشتر کنیایی‌ها بت ـ پرست هستند. علاوه براین در حدود ۷۰۰۰۰۰ مسیحی و ۲۰۰۰۰۰ مسلمان در کنیا بسر می‌برند.
پول: شلینگ کنیا (Ksh) = ۱۰۰ سنت، ۱ دلار ایالات متحده = ۱۰/۴۲۳۵ (۸ مهر ۶۰/۳۰ سپتامبر ۸۱)
حاکمیت: درکنیا رئیس جمهور از اختیارات ویژه برخوردار است. پس از مرگ "جوموکنیاتا"، "دانیل آراپ موی" (DANIEL ARAP MOI) ریاست جمهوری کنیا رابدست گرفت. (۱۸ مهر ۱۳۵۷/۱۰ اکتبر ۱۹۷۸). وی دو سال پیش بار دیگر به این مقام برگزیده شد کنیا عضو "کشورهای مشترک‌المنافع" است.
کنیا به ۷ استان (مرکزی، ساحلی، شمال خاوری، باختری، نجانسا (NJANSA) وریفت‌ولی (RIFT VALLEY) تقسیم می‌شود.
احزاب وسازمانهای اجتماعی: تنها حزب کنیا "اتحادیه ملی ـ آفریقایی کنیا" (KENYA AFRICAN NATIONAL UNION ـ KANU) است، که بیست ویکسال پیش (۱۹۶۰) تاسیس یافت وزمام امور رابدست دارد روز ۱۴ مهر ۱۳۵۷ (۶ اکتبر ۱۹۷۸)، دانیل آراپ موی درکنفرانس فوق ـ العاده "کانو" به سمت صدر حزب برگزیده شد.

۱۶ سال پیش (۱۹۶۵) "سازمان مرکزی سندیکاها ـ کنیا" (CENTRAL ORGANISATION OF TRADE UNION ـ KENYA، COTU ـ K) تاسیس گردید.

تاریخ: شواهدتاریخی حاکی است که در سرزمین کنونی کنیا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد نیز انسانها زندگی می‌کردند. قبیله‌های بانتو ۶۰۰ سال پس از میلاد دراین سرزمین سکنی گزیدند وصدسال بعداعراب در آن به تاسیس پایگاه‌های تجاری پرداختند. مالیندی وموماسا بترتیب در سالهای میلادی ۹۷۵ و ۹۷۶ پیدایش یافتند در سال ۱۴۹۸ میلادی "واشکوداگاما"ی پرتغالی در سواحل کنیا پیاده شد و استعمارگران پرتغالی کوشیدند تا سلطهٔ خود را بر مناطق ساحلی کنیا تحمیل کنند. اماقیام بومیان واعراب این تهاجم را باشکست روبرو ساخت.

دراواخر سدهٔ نوزدهم استعمار ـ گران بریتانیایی چشم به این کشور آفریقایی دوختند و چندی بعد (درسال ۱۸۹۵ میلادی) فرمانروایی کامل بر آن رابدست گرفتند. پیکار متشکل مردم کنیا علیه استعمار بریتانیا شصت سال پیش (۱۹۲۱) آغاز شد و پس ازجنگ دوم جهانی به اوج خودرسید. "اتحادیهٔ آفریقایی کنیا" (KENYA AFRICAN UNION ـ KAU) در سال ۱۹۴۳ تاسیس شدو بزودی محبوبیت فراوانی در میان توده مردم یافت. چهارسال بعد "جوموکنیاتا" به ریاست "کائو" برگزیده شد. درسال ۱۹۵۲ میلادی کیکویوها به قیام علیه بریتانیایی‌ها برخاستندو استعمار ـ گران بریتانیایی دراین زمینه کارزار تحقیرآمیزی رادربارهٔ باصطلاح "شورش مائومائو" سردادند. این رستاخیز پس از چهارسال (درسال ۱۹۵۶) سبعانه در ـ هم شکسته شد. بیش از ده هزار آفریقایی بقتل رسیدند، "کائو" ممنوع گردید و "جوموکنیاتا" به زندان افتاد. "کنیاتا" در سال ۱۹۶۱ میلادی از زندان آزادو به سمت صدر "اتحادیهٔ ملی ـ آفریقایی کنیا" برگزیده شد.

جمهوری کنیا

یکسال بعد (۱۹۶۲) درکنفرانس قانون اساسی لندن درباره تشکیل یک دولت مرکزی درکنیا توافق حاصل گشت. درسال ۱۹۶۳ میلادی درکنیا انتخابات پارلمانی صورت گرفت. کنیادر ۲۱ آذر ۱۳۴۲ به استقلال سیاسی دست یافت و یکسال بعدتشکیل نظام جمهوری را در این کشور اعلام کرد.

اقتصاد: کنیا کشوری است کشاورزی باصنعت نسبتا رشدیافته.

۷۰% اقتصادکنیازیرسلطه سرمایه خارجی، بویژه بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، ایالات متحدهٔ آمریکا و ژاپن است. سرمایه خارجی نیمی از صادرات کنیا رادردست خودگرفته است گرچه تنها ۱۰% زمینهای کنیا قابل کشت است.

مهمترین رشته اقتصادی کنیا کشاورزی است، که سهم آن در تولید درآمد ملی وصادرات این کشوردرحدود ۸۰% می‌شود. ۸۵ درصد مردم کنیا در کشاورزی اشتغال دارند. ازجمله محصولات عمدهٔ کشاورزی عبارتست از گندم، ذرت، لوبیا، مانیوک، بادام ـ زمینی، آناناس وکنجدوغیره. کنیااز نظرمحصولات کشاورزی درحدود ۸۰% خودکفاست. این کشورهمچنین قهوه، چای وپنبه به‌خارج صادرمی‌کند.

سیاست کشاورزی دولت "نایروبی" برپایه ایجادکشتزارهای بزرگ سرمایه ـ داری استوار است. چهار سال‌پیش درکنیادرحدود ۳۲۰۰ کشتزار بزرگ وجود داشت.

صنایع کنیا بطور عمده به‌تبدیل محصولات کشاورزی می‌پردازند. در این کشورهمچنین رشته‌های متالورژی آهن وآلومینیوم، نساجی، برق، مصالح ساختمان و شیمیایی دیده‌می‌شود.

مهمترین شریکان بازرگانی خارجی کنیا عبارتنداز: بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا.

وزیر "برنامه‌ریزی و توسعهٔ اقتصادی" کنیا چندی پیش اعلام کرد که رشداقتصادی کنیا در سال‌گذشته به مراتب نازل‌تر ازحدانتظار وتنهابرابر ۲% بود. ازسوی دیگر، نرخ تورم درسال گذشته از ۱۳ درصدتجاوز کردوکسری تراز بازرگانی تقریبا به مرز ۸ میلیارد شیلینگ کنیانزدیک شد. کنیا در سال پیش نفت مورد نیاز خویش را ۶۰% گرانتر از سال ۷۹ خرید (۴ میلیارد شیلینگ کنیا).

براقتصاد کنیا بخش خصوصی چیرگی تقریبا کامل دارد. سهم بخش خصوصی درتولیدکالایی کشاورزی ۹۹ % دربازرگانی ۹۸%، درمعادن ۹۷%، در رشته‌های تبدیلی ۸۲% و درساختمان ۵۸% است.

اوضاع کنونی

رژیم دانیل آراپ موی سیاست خود رابویژه برپایه دفاع ازمنافع برخی از محافل بورژوازی و بزرگ مالکان استوار ساخته است کنیا علیرغم اعلام به‌اصطلاح سیاست "آفریقاگرایی" خود، در زمینهٔ اقتصادی پیوندهای نزدیکی باکشورهای امپریالیستی دارد. دشواریهای فزاینده اقتصادی و ناخشنودی گستردهٔ مردم "موی" رابرآن داشت که برنامه‌ای برای باصطلاح "مبارزه‌بافقر" رااعلام دارد. اما این برنامه تاکنون روی کاغذ مانده است. بویژه بیکاری روز افزون امکان دارد که هرآن به‌وضعی انفجاری منجر گردد. کوچ دامنه‌دار دهقانان بی‌زمین وکم زمین به شهرها (هرساله ۷ % به جمعیت شهرها افزوده‌می‌شود) همواره به‌شماره بیکاران این‌کشورمی‌افزاید.

دولت کنیا چندی پیش اعلام داشت که بعلت کمبود منابع مالی دو پنجم پروژه‌های صنعتی برنامه پنجسالهٔ جاری (۱۹۸۳ ـ ۱۹۷۹) راحذف کرده است، این برنامه پیش ازاین ایجاد ۲۲۵۰۰۰ هزارمحل کار را در سال در نظر گرفته‌بود. وضع دشواراقتصادی کنیا وناتوانی دولت درحل بنیادی آنها ناآرامی‌های اجتماعی وتظاهرات و اعتصابات گسترده‌ای را درپی داشته است. دولت کنیا این جنبش اعتراضی را بامنع سندیکاهای کارگری و تعطیل دانشگاه نایروبی پاسخ گفته است.

درزمینهٔ سیاست خارجی، کنیا در "سازمان ملل متحد"، "سازمان وحدت آفریقا" (ریاست این سازمان اکنون با "موی" است) و "جنبش غیر ـ متعهدها" عضویت دارد. دولت این کشور "سازمان آزادیبخش فلسطین" را برسمیت می‌شناسد وسیاست آپارتیدرا درآفریقای جنوبی محکوم می‌کند.

بااین همه، کنیا یکی ازدستیاران امپریالیسم در قاره آفریقا به‌شمار می‌ـ رود. این همیاری بویژه درپیوند با سیاست تنش فزایی امپریالیسم آمریکا در "شاخ آفریقا" گسترش یافته است. گر چه کنیا دراین زمینه هنوز مثلا به پای سومالی نمی‌رسد. (اختلافات مرزی میان کنیا وسومالی، کنیا راحتی به گونه‌ای همکاری ضمنی با اتیوپی نیز مجبور ساخته است)، با این همه ناوگان ایالات متحدهٔ آمریکا درواقع ازبندر موماسا بعنوان پایگاه دریایی استفاده می‌کند. گسترش یکباره ارتش ۵۰۰۰ نفری کنیا را به ۲۰۰۰۰ نفر نیز باید در پیوند با خوش خدمتی به‌امپریا لیسم درآفریقا دید. کنیا در ماه های اخیر تسلیحات فراوانی از کشور های امپریالیستی، ازجمله جنگنده‌های "اف ـ ۵" ازآمریکا وتانک ازبریتانیا، خرید گفته‌می‌شود که این کشور مقدارمعتنابهی موشک زمین به هواهم درخارج سفارش داده‌است.

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۶)

زمینه‌های رشد جنبش آزادیبخش ملی

امپریالیسم آمریکا در غارتگری امپریالیسم بریتانیا شریك میشود.

امپریالیسم امریکا هم در برابر این دگرگونی هاچهرهٔ بی تفاوت نداشت ودر پی هماوردی با بریتانیا، به‌پیروزی پراهمیتی دست یافت. در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) امریکا موفق به بستن پیمانی با بریتانیا شد. این پیمان به‌راستی راهگشای مطمئنی برای رخنهٔ سرمایه‌های انحصارات وشرکت ـ های امریکائی وایجاد پایگاه‌های وسیع سیاسی واقتصادی برای امپریالیسم امریکا درمنطقه خاورمیانه بود. درواقعیت امر، مفاد موافقت‌نامه، پذیرش شریک وهم ـ پیمان ازسوی بریتانیا برای غارت بی ـ دردسر و نوعی باج‌پردازی به‌حریف به حساب میآمد، زیرابریتانیا بطور رسمی تعهد سپرد، تا هرگونه تغییر سیاست و عملکرد خود را دربارهٔ فلسطین، با آگاهی وتوافق آمریکا به‌انجام رساند.

ریشه‌وخاستگاه گردن نهادن بریتانیای پیر به‌خواست‌های امپریالیسم نوخاستهٔ امریکارا باید در زمینه های عینی رشد جنبشهای آزادیبخش ملی درمنطقه بازیافت. بریتانیا بیم آن داشت که نتواند به‌تنهائی در برابر جنبشهای آزادیبخش ملی مقاومت کند.

زمینه‌های رشد جنبش آزادیبخش ملی

جنبش آزادی بخش فلسطین علیه اشغالگران بریتانیائی، در پیامد پیروزی الهام بخش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه آغاز گردید. دکتر الشاعر، عضو "شورای ملی فلسطین" دراین باره می‌گوید:

"پیروزی انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر در دامنگستری جنبش‌های آزادی ـ بخش، ازجمله جنبش آزادی بخش فلسطین، تاثیرسترگی داشت. این انقلاب به‌خلق مانشان دادکه مبارزهٔ پیگیرو دلیرانه سرانجام به کسب آزادی واستقلال راستین خواهد انجامید."

درسال ۱۲۹۷ (۱۹۱۸) احساسات ملت‌گرایی درفلسطین شدت‌گرفت. جلوه های آن دراشکال گوناگون مبارزه، ازجمله مبارزهٔ مسلحانه چهره‌نمایی میکرد. این مبارزه بخودی خود بر ساختار طبقاتی جنبش ملی فلسطین، که در واقع تحت رهبری نیمه‌فئودالی ـ نیمه‌مذهبی قرار داشت، تاثیر می‌بخشید.

فروزان شدن احساسات ملت ـ گرایانه رهبری فئودالی، درمقام نخست، به‌دوعامل زیرین بستگی داشت:

۱ـ وجود جنبش صهیونیستی پرتوانی که‌مبارزه علیه ملت‌گرائی را آماج اصلی خویش قرار داده‌بود.

۲ـ وجود تضاد چشمگیر منافع میان رهبری محلی فئودالی و مذهبی باامپریالیسم بریتانیا.

عوامل بالابه‌مبارزه‌خلق فلسطین ویژگیهائی می‌بخشد که مبارزه ملی‌گرایانه اعراب خارج ازفلسطین از آن بی‌بهره‌بود. درنتیجه، رهبری سنتی درعالی‌ترین شکل عمل سیاسی، یعنی مبارزهٔ مسلحانه، شرکت می‌جست یا دست کم آنرا تحمل میکرد. این رهبری به رغم سرشت واپس‌گرایانه‌اش، در عمل و درچارچوب معین، چهرهٔ مثبتی ازخودبه‌نمایش‌میگذاشت.

اینکه‌چگونه رهبری فئودال ـ مذهبی موفق‌گردید، برای مدت‌درازی (تاسال ۱۳۲۰) درصف نخست جنبش ملی‌گرایانه‌جای‌گیرد، درخور توضیح و دقت‌نظراست.

در سرزمین فلسطین گذار از جامعهٔ نیمه‌فئودالی به‌جامعهٔ سرمایه ـ داری‌موجب دگرگونی ساختار اقتصادی ـ اجتماعی گردید. در این روند، صهیونیست ها اهرم‌های اصلی قدرت اقتصادی را به‌گونه‌ای فزاینده در دست می‌گرفتند. در سالهای ۳۰ بخشی از بورژوازی بزرگ شهری عرب، که منافع آن بامنافع بورژوازی رشد یابنده یهود جوش‌می‌خورد، در عرصهٔ سیاسی نیزبه آن‌نزدیک‌می‌شد. دراین رهگذر، جنبش آزادیبخش‌فلسطین برکشورهای‌همسایه عرب‌تاثیر دوگانه‌ای‌می‌بخشد: ازیکسو، موج "جنبش‌توده‌ای‌پان‌عربیست" کشور های‌همسایهٔ فلسطین رامی‌پوشاند وشور انقلابی‌و پیکار درتوده‌های وسیع مردم این‌کشورها بالامیگرفت. ازسوی دیگر، طبقات حاکم دراین‌کشورها از اوج ـ گیری‌مبارزه انقلابی در فلسطین و در گسترهٔ حکومتی خودهراس‌داشتند، زیرا که‌در وجودفلسطین پیروزمند، پایگاه و پشتیبان انقلاب های‌آزادیبخش‌منطقه‌و تهدیدی‌برای حاکمیت‌خودرامی‌دیدند. از این رو آنها در سرکوب نیروهای پایداری ملی فلسطین باامپریالیسم بریتانیا همگام وهمنوامی‌شدند.

اوجگیری جنبش آزادیبخش ملی

دربهار ۱۳۰۹ (۱۹۲۰) رهبران ملت‌گرای فلسطین، که در "**کنگرهٔ فلسطینی ـ عربی**"* متشکل شده‌بودند، نخستین گام‌های‌خودراعلیه‌امپریالیسم وصهیونیسم برداشتند.

یکسال بعد (۱۹۲۱) "**کنگرهٔ فلسطینی ـ عربی**" گروهی رابه‌ریاست **کاظم‌پاشاحسینی** راهی لندن ساخت، تا دربارهٔ اوضاع فلسطین، وازجمله بر ـ پایی یک‌حکومت ملی عربی‌درفلسطین، باوینستون چرچیل، وزیر مستعمرات بریتانیا، گفتگوکند. ولی این سفر با شکست روبروشد.

چرچیل، دراوایل‌تابستان ۱۳۰۱ (ژوئن ۱۹۲۲) باتاکید بر پای بندی بریتانیا به "اعلامیه بالفور" طی‌یاد ـ داشتی می‌خواست زمینهٔ همکاری‌میان **سازمان‌صهیونیسم‌جهانی** ورهبران‌ملت گرای عرب رابوجودآورد. یادداشت چرچیل از جانب "**کنگرهٔ فلسطینی ـ عربی**" پذیرفته نشد، ولی چندهفتهٔ بعد (اوت ۱۹۲۲) قانون اساسی فلسطین‌بابهره‌برداری از محتوای این یادداشت ـ انتشار یافت. در این قانون اساسی، تنها آزادی انجام تشریفات دینی گنجانده شده‌بود و دیگر هیچ. عربهای‌فلسطینی آنرانپذیرفتند.

رهبری "**کنگره فلسطینی ـ عربی**" که‌سرکردگی آن در دست نمایندگان بورژوازی و فئودال‌ها بود، به رغم عدم‌سازش با امپریالیست‌های بریتانیایی، خودنیز درراستای اجرای برنامه‌مستقلی‌گام برنداشت‌ولی توده‌ های مردم‌در راه پیکار علیه‌امپریالیزم وصهیونیسم بپاخاستند. میان‌دهقانان وصهیونیست‌های زمین‌خوار که اراضی فئودال‌های عرب را خریداری‌میکردند، درگیری‌های مسلحانهٔ پرشماری رخ‌می‌ـ داد، زیراکه‌فروش‌زمین به‌صهیونیست ـ ها به معنای‌آوارگی‌آنهابود. این در ـ گیری‌ها از جمله‌درسال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) درناحیهٔ **عفوله**، در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) در **قیاریه**، درسال‌های ۸ ـ ۱۳۰۶ (۲۹ ـ ۱۹۲۷) در **خضیره** و... روی‌داد.

دراواخردههٔ ۲۰ موج ناآرامی فلسطین را فراپوشانده‌بود. توده‌های پیکارجو به قیام‌برخاسته‌بودند. قیام انقلابی‌تابستان ۱۳۰۸ (ماه‌اوت ۱۹۲۹) یکی ازبرآمدهای‌طغیانی‌این دهه‌بود.

ادامه‌دارد

---

* "کنگره‌فلسطینی ـ عربی" در سال ۱۳۰۹ (اواخرسال ۱۳۲۰)، بعنوان یک‌سازمان‌مستقل‌بابرنامه و نشست‌های سالانه‌پایه‌گذاری‌شد، درفاصلهٔ بین دو نشست، "کمیتهٔ اجرائی" مامور اجرای برنامه‌های‌تعیین‌شده، بود. "کنگرهٔ فلسطینی ـ عربی" درسال ۱۳۱۶ (۱۹۳۵) تجدیدسازمان‌داده‌شد و "حزب‌عربی‌فلسطینی" نام‌گرفت. این حزب درسال ۱۳۱۷ (۱۹۳۶) بادیگر احزاب فلسطین "کمیتهٔ عالی‌عربی" را بوجودآوردند، که‌هستهٔ مرکزی جنبش آزادی‌بخش ملی‌فلسطین‌گردید.

باعاملین اصلی ...

بقیه‌ازصفحه۱

درصورتی که‌انقلاب نتواندوضع اقتصادی ـ اجتماعی توده‌ٔ مردم را بهبودبخشد، قیمت‌ها را مهارکند، از تورم جلوگیری نماید، عوامل‌واسطه و غارتگر راکناربزند، رفاه‌جامعه‌راتامین نماید، هدف تروریست‌های‌اقتصادی برآورده شده‌است. عدم‌رضایت‌ازوضع اقتصادی ومالی و نگرانی از وخیم شدن‌معیشت‌وزندگی، به‌یاس و نومیدی مستضعفین وزحمتکشان ازانقلاب‌منجر می‌شود. تروریست‌های‌اقتصادی و تروریسم‌اقتصادی همین‌هدف‌خاص را تعقیب می‌کنند.

پس ازپیروزی انقلاب‌حربه های زیادی برای مقابله باتروریست های اقتصادی بکارگرفته‌شده‌است. اقدام‌به سهمیه‌بندی کالاهای‌اساسی، تشویق تعاونی‌های مصرف، تعقیب ومجازات محتکرین وگرانفروشان ونظایرآن، از جمله‌این‌اقدامات‌به‌شمارمی‌رود. نمی‌توان با اظهارات حجت‌الاسلام سید علی‌ناظم‌زاده، رئیس دادگاه‌ویژه‌ٔ امور صنفی‌موافقت نداشت که، مبارزه با گرانفروشی واحتکار را ازطریق نرخ‌گذاری، جریمه‌متخلفین، توسعه‌تعاونی‌ها ونظارت بر توزیع وحتی‌مجازات شدیدمحتکران و کسانی که عمدا قصد تخریب اقتصاد کشور را دارند، اقداماتی ضرورمی‌شمارد. (مراجعه‌شود به روزنامه "جمهوری‌اسلامی" ۴ آذر ۱۳۶۰)

امابایدخاطرنشان‌ساخت که این اقدامات، باآنکه‌لازم‌است، ولی به هیچوجه‌برای مبارزه باعاملین اصلی ترور‌اقتصادی‌وسرمنشاء تروریسم اقتصادی‌کافی‌نیست. مبارزه واقعی با گرانفروشی‌واحتکار وگرانی وتورم تنها وتنهامی‌تواندازطریق‌مبارزه با عاملین اصلی‌ترور‌اقتصادی‌وسرمنشاء‌تروریسم اقتصادی نتیجه‌بخش باشد.

مبارزه با گرانفروشان‌ومحتکران‌و واسطه‌های‌دست دوم و سوم و چندم البته ضرور است، اما اینجا میدان اصلی و اساسی مبارزه با گرانی‌و گرانفروشی واحتکار نیست. می‌توان گفت که اینجا مبارزه با دشمن فرعی‌و درجه‌دوم‌وسوم مطرح‌است، و تازه پس ازآنکه تروریست اقتصادی و تروریسم اقتصادی‌ضربه‌خودراواردآورده‌است. خلع سلاح تروریست‌اقتصادی، پس از آنکه او به احتکار کالامبادرت ورزید و سپس بافروش‌آن به قیمت‌های‌ده‌برابر سرمایه‌خودراجمع کردوازکشور خارج شد (یانشد) کاری است غیرموثر. با این نوع مبارزه دربهترین‌حالت چند تروریست‌اقتصادی به‌مجازات‌میرسند، ولی‌تروریسم‌اقتصادی وستون‌فقرات‌آن بقوت وقدرت خودباقی‌می‌ماند.

مجازات‌تروریست‌اقتصادی پس‌از احتکار و گرانفروشی، بقول معروف "نوشداروی بعد از مرگ سهراب است". تروریست‌اقتصادی باحربه‌احتکار و گرانفروشی می‌خواهد علاوه برآن که کیسه خود را از پول غارتی‌پر کند، اثر روانی مخربی‌برروی جامعه باقی بگذارد. اومی‌خواهدثابت‌کندکه‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌قادرنیست جلو گرانی وافزایش قیمت‌ها را بگیرد. تروریست‌اقتصادی میخواهدثابت کند که‌اقتصادی که جمهوری اسلامی‌ایران درپی‌ایجاد آن‌است، مردم را به‌رفاه‌و آسایش نمی‌رساند. مبارزه با چنین تروریستی، ولو به صدمیلیون ریال جریمه هم محکوم شود، اثر روانی را که او برجامعه گذاشته، زائل‌نمی‌سازد.

باتروریست‌های اقتصادی باید در زرادخانه آنها، با عاملین‌اصلی، و قبل‌ازآنکه‌سلاحهای خودرابکاراندازند مبارزه کردمبارزه با تروریست های اقتصادی‌وتروریسم‌اقتصادی باید به نحوی صورت گیرد، که‌اولاتروریستهای اقتصادی‌دست‌اول‌خلع سلاح شوند، ثانیا ومهمتر آن که ریشه‌ٔ تروریسم اقتصادی و برکندن‌آن‌هدف‌قرار گیرد، ثالثااین‌مبارزه‌قبل ازآنکه تروریستهای اقتصادی‌کارخودراانجام دهند، به‌خلع سلاح آنان موفق شود.

مبارزه با گرانی وگرانفروشی در سطح‌واسطه‌های دست‌دوم تاچندم و توزیع کنندگان پس از دست های اول ضرورت دارد. اما ضرورترو لازم تر، مبارزه با عوامل‌اصلی واساسی‌گرانی و گرانفروشی‌است. مبارزه با تروریسم اقتصادی‌وتروریستهای‌اقتصادی‌درنوبه‌ٔ اول مستلزم مبارزه جدی وقاطع علیه سرمایه‌های عمده طفیلی تجاری‌وتجار عمده غارتگراست. دست‌اینهاست که باید درنوبه‌ٔاول از بازرگانی‌خارجی‌و داخلی‌کوتاه گردد. صحنه اساسی مبارزه با تروریسم وتروریست های اقتصادی دراینجاست.

کیست‌که نداند، نیروی عمده و اساسی تروریسم‌اقتصادی و تروریست های‌اقتصادی‌دروجود سرمایه‌ٔ بزرگ طفیلی تجاری وتجارعمده مسلط بر بازارکالائی‌کشور متمرکز است؟ مسئله خرید برنج‌داخلی بار دیگر این واقعیت‌رابوضوح‌نشان‌داد. وزیرمشاورو سرپرست بسیج‌اقتصادی بدرستی متذکر شد که، اهرم عمده احتکار و گران‌فروشی برنج‌تنها ۲۰ بازرگان عمده مرتبط باهم هستند. تنهاچنین گروه محدودی‌است که‌اهرم عمده احتکار و گران‌فروشی وبالاکشیدن‌سالانه ۲۰ میلیاردتومان درآمدمفت ومسلم‌از خرید وتوزیع برنج بشمارمی‌رود.

این‌تمرکز تنها مربوط به خرید و توزیع برنج‌نیست. این‌تمرکز مربوط‌به کلیه‌انواع کالاهای تولیدداخلی‌و کالا‌های وارداتی‌است. در هریک از این‌رشته‌ها، سرمایه‌کالائی که‌به‌تروریسم اقتصادی‌اجازه‌می‌دهداقتصادجمهوری اسلامی‌ایران رافلج‌وموجبات عدم رضایت‌عمومی‌رااز‌گرانی‌واحتکاروکمبود کالا فراهم سازد، بطور عمده‌در دست گروه‌محدودی از بازرگانان‌وشرکت‌های بزرگ‌تجاری(از۲۰ تا۱۰۰) متمرکز است. پس مبارزه با تروریست‌های اقتصادی وتروریسم‌اقتصادی‌را بایداز مبارزه بااین‌گروه‌ها، کوتاه کردن دست آنهاازتسلط برذخایرکالائی‌وتوزیع کالا شروع‌کرد. چنین‌مبارزه‌ای‌است‌که ریشه احتکاروگرانی وگرانفروشی‌وکمبودکالا را می‌خشکاند. دراین‌صورت‌ضرورت‌مبارزه باگرانفروشی‌توده‌وسیع‌توزیع کنندگان و فروشندگان جزء نیز از میان برداشته می‌شود، زیرا اینهاعامل عمده‌ٔایجاد کمبودهای موثر کالا در سطح کشور نیستندوقدرت آن را هم ندآرندکه به طور ناگهانی و غیرمترقبه اقتصاد جمهوری‌اسلامی‌ایران رازیرضربه قرار دهند.

اینکه با تروریست های اصلی اقتصادی، ـ تجارعمده ـ و باسرمنشا تروریسم‌اقتصادی ـ سرمایه‌های کلان تجاری‌ـ چگونه‌باید‌مبارزه‌کرد، مطلبی ناروشن‌نیست. اکنون‌درایران‌انقلابی شعارهای "دولتی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی" "ضرورت ضبط ذخایر عمده‌کالائی"، "توزیع کالا از طریق شبکه‌ٔ دولتی و تعاونی و خرده فروشی" ونظایرآن، شعارهائی‌است‌که‌برای‌همه‌مردم شناخته شده‌است. درکوچه و خیابانی‌نیست که ما در هرقدم به دست نوشته هائی، که‌بوسیله خودمردم‌تهیه شده وبه روی دیوارهاچسبانده‌شده و درآنهاخواسته می‌شود: "بازرگانی‌خارجی‌راملی‌کنید"، "دست‌واسطه‌ها وعوامل سودجو را از توزیع کوتاه کنید"، "توزیع کالاهای اساسی از طریق سهمیه‌بندی‌رابسط دهید"، "تعاونی راگسترش دهید"، "توزیع دولتی‌کالا راوسعت‌بخشید" و نظایر این شعارها برخوردنکنیم.

مردم‌انقلابی ایران‌مدتهاست‌که نظر وخواست خود را به‌مبارزه قاطع با تروریست‌های‌اقتصادی و تروریسم اقتصادی، تجارعمده و سرمایه های طفیلی‌و غارتگر بزرگ تجاری اعلام داشته‌اند. اکنون با حاکمیت‌انقلابی‌ـ مجلس‌ـ دولت وقوه‌قضائیه ـ است‌که‌با قاطعیت به‌مبارزه باعوامل‌اصلی‌وعمده‌ٔ تخریب انقلاب وخدمت به امپریالیسم وضدانقلاب‌اقدام کنند.

سند دست‌های پینه‌بسته روستائیان است

"امام خمینی"

رژیم ضیاء الحق ـ جانشین رژیم شاه در منطقه

(قسمت دوم)

سیاست عمومی رژیم ضیاء الحق

"حزب کمونیست‌پاکستان"درباره سیاست‌عمومی دولت‌پاکستان و نقش و مقام آن در استراتژی امپریالیسم در منطقه "دریکی‌ازبیانیه‌های اخیر خود چنین‌اظهارنظرکرده‌است:

"ریشه‌های سیاست امروزی پاکستان در داخل و درقبال منطقه‌ٔ پیرامون آن را بایدتا حد زیادی در شرایط ویژه‌ٔ جغرافیایی ـ سیاسی‌یافت که‌امپریالیسم، پس‌ازسرنگونی شاه منفور ایران وپیروزی‌انقلاب ملی‌ـ دمکراتیک درافغانستان، خودرا باآن روبرودید.

موقعیت‌جغرافیایی پاکستان، پس از پیدایش بنگلادش در ۱۹۷۰، سبب شد، تا مقام ونقش‌آن در استراتژی جهان‌شمول‌امپریالیسم ـ که دارودسته‌های حاکم برپاکستان‌همیشه‌به‌اشکال گوناگون با آن هم پیوند بوده‌اند ـ تغییریابد. امپریالیسم، که‌زمانی از پاکستان‌دردرجه‌ٔ نخست بعنوان‌اهرمی علیه هند وتنها در درجه‌ٔ دوم برای مقابله با جنبش‌های آزادی بخش ملی درآسیای‌جنوب‌خاوری‌وشرق‌عرب نشین بهره‌می‌جست، اینک بیشتر تلاش خود را برای استفاده از پاکستان درخاورمیانه ومنطقه اقیانوس هند بکار می‌اندازد."

دربیانیه‌ٔ پیشگفته‌ٔ "حزب کمونیست پاکستان" سپس آمده‌است:

"امروزه، در شرایطی که‌امپریالیست‌ها برای‌تامین‌منافع تاراجگرانه‌ٔ انحصارات نفتی‌در کشورهای عرب، حفظ بازار این کشورها برای‌کالاهای خود، سرپا نگهداشتن رژیم های ارتجاعی عرب ومقابله باتاثیر روزافزون انقلاب‌های‌افغانستان وایران‌بر جنبش های آزادی بخش ملی مناطق خلیج‌فارس واقیانوس هند، به جنگ سرد درمنطقه دامن می‌زنند... در رژیم نظامی پاکستان سرسپرده ای راستین یافته‌اند."

"حزب‌کمونیست‌پاکستان"درباره‌ٔ انگیزه‌های‌روی‌کارآوردن ضیاءالحق‌و پشتیبانی امپریالیست‌هاازرژیم اوچنین می‌گوید:

"رژیم (ضیاءالحق) با هواداری و پشتیبانی امپریالیسم درژوئیه۱۹۷۷ به روی‌کارآمد. نفع فزاینده امپریالیسم درپاکستان، ازیکسو، و قطب‌گرائی طبقاتی، ژرفش بحران‌اقتصادی و ناخشنودی توده‌ای، ازسوی‌دیگر، سبب شد که طبقات حاکم ازچارچوب‌های دمکراتیک محدودی‌هم، که در کشور وجودداشت، دست بکشندوخواست‌های مردم را برای دگرگونی‌های ریشه‌ای از راه سرکوب ددمنشانه‌وحکومت نظامی، درگلوی‌آنهاخفه سازند.

بروی کار آوردن این‌رژیم‌نظامی غاصب وحامی‌منافع سرمایه‌بوروکراتیک، کلان‌بورژوازی وبزرگ‌مالکان‌به‌امپریالیست‌ها کمک کرده‌است، تا جانشین شایسته‌ای برای ایران شاهنشاهی و تخت جهشی برای تجاوزعلیه‌دولت‌های مترقی‌وضدامپریالیست خاورمیانه، جنوب‌آسیا وآسیای‌باختری‌بیابند. دوش بدوش‌امپریالیسم ونواستعمار بین‌المللی، برتری‌جویان‌چین‌هم، چشم امیدبه‌پاکستان‌بسته‌اند و از این‌کشور به‌عنوان‌اهرمی برای ارعاب‌هندغیرمتعهد، رژیم‌مترقی "جمهوری‌دمکراتیک افغانستان"، دولت‌ضدامپریالیستی "جمهوری‌اسلامی‌ایران" و رژیم های پیشرفت‌جوی شرق‌عربی‌استفاده‌میکنند.

دارودسته نظامی‌پاکستان که در میان توده‌های‌مردم منزوی‌وبه‌کلی‌وابسته‌به امپریالیسم‌است، نقش مداخله فعالانه‌ای‌را، که‌امپریالیست‌ها وشوونیستها بدان‌سپرده‌اند، چاکرانه‌پذیرفته‌است. رژیم‌پاکستان‌به‌ایالات‌متحده‌آمریکا اجازه داده‌است، تادرساحل‌مکران، که به‌دهانه‌ٔخلیج‌فارس‌منتهی می‌شود، پایگاه‌های‌دریایی‌وهوایی‌احداث کند. رژیم‌پاکستان‌فعالانه‌علیه‌مبارزه برای تبدیل‌اقیانوس هند به‌منطقه بری‌از حضورایالات‌متحده‌آمریکاکوشش‌میکند، و وظیفه‌ٔ دلال‌امپریالیسم‌آمریکارا برای تشکیل‌یک‌بلوک نظامی از کشورهای ارتجاعی‌چون‌سومالی، سودان، عربستان‌سعودی، عمان، اردن و مصر راعلیه‌نیروهای‌صلح، پیشرفت‌و آزادی ملی‌ در منطقه‌بعهده‌گرفته‌است، رژیم پاکستان همچنین‌به‌برتری‌جویان پکن اجازه داده‌است، تاپایگاه‌های مدرن هوایی‌درمناطق‌شمالی‌پاکستان نزدیک مرزهای هندوپاکستان، تاسیس‌کند، این‌رژیم به‌یکی‌ازپایگاه‌های خط مقدم جبهه‌ٔ امپریالیست‌ها بدل شده و مرز میان پاکستان وافغانستان‌رابه‌صورت راهی‌برای‌صدورتبهکاری، قتل، تاراج‌و خرابکاری‌علیه "جمهوری‌دمکراتیک افغانستان" درآورده‌است‌صدهاراهزن ضدانقلابی، مزدور وخرابکار، مجهزبه سلاح‌های‌آمریکایی وچینی و پس از دیدن‌تعلیمات‌لازم درخاک پاکستان، به‌کمک‌امپریالیست‌ها به‌افغانستان‌رخنه داده‌می‌شوند."

گوشه‌ای ازکارنامهٔ داخلی رژیم ضیاءالحق

"ضیاءالحق" درسال۱۳۵۶ (ژوئیه‌ٔ ۱۹۷۷)، پس از کودتایی علیه دولت قانونی "ذوالفقارعلی‌بوتو" برسرکارآمد.

چنانکه دربالا اشاره‌شد، "بوتو" دراوایل‌سالهای ۷۰ اصلاحات‌ارضی را آغازنمود (اما تاسال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) تنها۳% زمین‌ها تقسیم شده‌بود) و به ملی‌کردن‌بانکها، برخی موسسات صنعتی وخدمات وشرکت‌های بیمه و کشتیرانی آن‌کشور پرداخت.

هدف "بوتو"آن‌بودکه‌رشد صنعت ملی‌رادربخش دولتی، برپایه مناسبات تولیدی سرمایه‌داری، سرعت‌بخشد.

حزب "بوتو"، یعنی "حزب مردم پاکستان" (درمارس۱۹۷۷) باردیگر در انتخابات بر "اتحادملی‌پاکستان" که طیف گسترده‌ای ازمخالفان "بوتو" را دربرمی‌گرفت، پیروز شد. "اتحادملی پاکستان" به بهانه‌تقلب درانتخابات، ناآرامی‌های خونینی را درسراسر کشور برانگیخت وبدینسان ازنظامیان‌دعوت کرد که زمام امور را بدست‌گیرند.

برنامه‌ٔ "اتحادملی‌پاکستان" نمایشگر هدف های متضاد نیروهای گوناگون‌فئودال ـ مذهبی، تجزیه‌طلب وبورژوا‌ـ لیبرالی بود، که‌دراین‌جبهه ناهمگون گردآمده‌بودند. این‌برنامه، از جمله، خصوصی کردن دوباره گستره‌های ملی‌شده، "اسلامی" کردن دادگستری و آموزش وپرورش، توجه بیشتر به منافع محلی، عدم‌شناسائی "اعلامیه تاشکند" (۱۹۶۶) و "قرارداد سیملا" (۱۹۷۲) درباره‌ٔ همزیستی مسالمت‌آمیز را با هند دربرمی‌گرفت.

تا اوایل بهار ۱۳۵۸ (آوریل ۱۹۷۹)، بخش‌هایی از "اتحادملی پاکستان"، برهبری دبیر کل حزب "مفتی‌محمود"، در دولت نظامی با رژیم همکاری می‌کردند. درپائیز۱۳۵۸ سندیکاها واحزاب‌مخالف غیرقانونی اعلام، حق اعتصاب ملغی، روزنامه‌های منتقد (ازجمله‌نشریات "حزب مردم‌پاکستان"، "صداقت" و "مساوات") تعطیل وگردهمایی‌های همگانی وکنفرانس‌های مطبوعاتی منع گردیدند. هزاران تن از هواداران "حزب مردم پاکستان" روانه زندان شدند. "ضیاءالحق"، که‌بارها وعده برگزاری‌انتخابات‌رابه‌مردم پاکستان داده است، تاکنون‌ازایفای‌این وعده‌ٔ خود سرباز زده است. رژیم او جنبش خلقی‌را، که پس از اعدام "ذوالفقار بوتو" در پاکستان پدیدآمد، به خون کشید و روزنامه نگاران وشخصیت‌های نامدار را به زندان افکند.

رژیم‌ضیاءالحق، به بهانه "اسلامی" کردن جامعه‌ٔ‌پاکستان، "مشاوران" عربستان‌سعودی‌رابه‌کشور دعوت‌کرد. "اسلام" آمریکایی عربستان‌سعودی وپاکستان‌تاکنون‌ره‌آوردی‌جزشلاق، قطع دست‌وپا، سنگسار وغیره برای مردم این کشور نداشته است. غیرمسلمانان‌پاکستان‌حق‌شرکت درانتخابات را ندارندواز بسیاری از حقوق‌مدنی دیگرنیزمحرومند.

اکنون‌درحدود ۱۵۰۰۰ـ۱۰۰۰۰ میهن‌دوست‌پاکستانی درزندان به‌سر می‌برند.

سیاست خارجی: رژیم‌پاکستان رژیمی‌است وابسته به امپریالیسم. این‌کشوردر۲۹اردیبهشت ۱۳۳۳ (۱۹ مه۱۹۵۴) باآمریکا قرار دادی موسوم به "قراردادکمک برای تضمین‌امنیت" بست.

ده سال پیش (۱۹۷۱) گرایش‌های واقع بینانه‌ای درسیاست خارجی پاکستان پدیدارشد، که‌درگام‌های مثبتی چون‌کناره‌گیری‌پاکستان ازبلوک نظامی "سیتو"، شرکت‌درروند عادی سازی وتنش‌زدایی درشبه‌قاره‌ٔ هند، برقراری مناسبات دیپلماتیک‌با "جمهوری‌خلق‌ویتنام"، "جمهوری دمکراتیک خلق کره" و "جمهوری دمکراتیک آلمان"، شناسائی جمهوری خلق بنگلادش" وغیره بازتاب یافت. کوشش های مشترک برای برقراری مناسبات‌حسن‌همجواری‌میان پاکستان هندوبنگلادش، که در "قراردادسیملا" (۱۹۷۲) و "پیمان سه‌جانبه دهلی" (۲۰فروردین۱۳۵۳/ ۹آوریل۱۹۷۴) منعکس شد، گام بویژه مهمی در راه پیشبرد صلح درآسیای جنوبی‌بود.

امادرسالهای‌گذشته‌وابستگی‌پاکستان به ایالات متحده آمریکا وچین‌همواره روبه‌افزایش بوده‌است. پاکستان‌در برابر افغانستان سیاستی‌مداخله‌آمیز درپیش‌گرفته‌است‌وازنیروهای‌ارتجاعی افغانستان پشتیبانی می‌کند.

اکنون‌به بررسی نزدیکتربرخی‌از جوانب‌سیاست‌خارجی پاکستان می‌پردازیم:

سیاست تجاوزکارانهٔ پاکستان علیه هند

پاکستان تا کنون سه بار با هند درجنگ‌بوده است (۱۹۴۷/ ۴۸ و ۱۹۶۵ برسر کشمیر و ۱۹۷۱ بر سر بنگلادش). پاکستان ازنخستین‌ستیزه نظامی خودباهند تاکنون، بخشی ازکشمیر را درتصرف خود و نسبت به بخش دیگر دعاوی ارضی دارد. هندو پاکستان در "بیانیه تاشکند" (۱۹۶۶) و "پیمان سیملا" درباره‌عدم تجاوز و توسعه همکاری مسالمت‌آمیز به توافق رسیدند. با این همه، پاکستان هنوز بیش‌از $\frac{3}{4}$ نیروهای‌خودرادر مرز هند متمرکز ساخته‌است.

پاکستان از اواسط سالهای ۵۰ حلقه‌ای‌در "کمربندامنیتی" امپریالیسم برضدکشورهای سوسیالیستی به شمار می‌رفته‌است. این کشور در "سیتو" و "پیمان بغداد" (بعدها: "سنتو") عضویت‌داشت و۲۲سال‌پیش(۱۹۵۹) مانندرژیم شاه، قراردادنظامی دو جانبه‌ای با ایالات متحده آمریکابست. این‌کشور در زمان "بوتو" از "سیتو" کناره گرفت (۱۹۷۲)، ولی تا تلاشی "سنتو" پس از انقلاب ایران، در این‌بلوک‌نظامی‌تجاوزکارفعال بود.

(ادامه‌دارد)

آمریکا جهان را...

بقیه از صفحه ۴

فاشیستی هستند. این گروه اصولاً منکر، مخالف حقوق بشر است. سیاست خارجی دولت آمریکا، که نسبت به سرنوشت صلح کاملاً بی‌اعتناست و عنودانه از کوشش برای یافتن اشکال همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورها امتناع میکند، فاشیستی است. خط مشی مسابقه تسلیحاتی، تلاش برای دستیابی به برتری نظامی به هرقیمت، اعمال شیوه‌های ترورو شانتاژ، اتحاد بارژیم مائی مانندرژیم پینوشه و تبهکارترین رژیم‌ها در مناطق مختلف جهان، که دولت آمریکا دنبال می‌کند، فاشیستی است.

من هرگز مدعی نیستم که مردم مریکا موافق فاشیسم هستند. مردم آمریکا دارای سنن دمکراتیک شریفی هستند، وبه‌همین علت ما امیدواریم که فاشیسم نتواند در آمریکا موفق باشد. نه درآمریکاو نه در سایرکشورهای جهان. امااین واقعیتی است که درحال حاضر درچار ـ چوب دمکراسی بورژوائی، در ایالات متحده آمریکا یک رهبری فاشیست روی کار آمده واین فوق‌العاده خطرناکاست.

طبق آزمون تاریخ شکوه، چاپلوسی و گذشت برفاشیسم غلبه نکرده‌است. فاشیسم بامبارزه مغلوب گردید. درک به‌موقع و واقع ـ بینانه فاشیسم، افشاگری و مبارزهٔ قاطع با سیاست فاشیستی، ان راه مطمئنی است که می ـ تواند از فاجعه جلوگیری کند. خلقها باید به امپریالیسم نشان دهند که امروز دیگر از تهدید و ترور نمی هراسند وزیربارتحمیل سیاست امپریالیستی نمی‌روند ونشان دهند که سیاست مونیخ وگذشت‌های سنگین، دیگر تکرار نخواهد شد. باید نشان داد که مقاومت دربرابر فاشیسم قاطعانه خواهد بود و خلق‌ها آماده‌اند که اجرای نقشه‌های جنایتکارانه را، حتی اگر لازم باشد به‌قیمت جان خود، عقیم بگذارند.

افکارعمومی محافل اجتماعی جهان و همچنین خود مردم آمریکا هم نسبت به‌این سیاست واکنش از خود نشان میدهند. هرقدر ـ این اقدامات وتدابیر سرکوبگرانه، که بامنافع وطبقات واقشار متوسط جامعه ایالات متحده آمریکا متناقضند، تشدید شود، شاخص کسر بودجه بالامیرود، رکود درتولید و بیکاری افزایش می‌یابد وانزجار و مقاومت در برابر این سیاست غیرمسئولانه وماجراجویانه، که می‌تواند امپریالیسم را به‌شکست ونابودی دچار سازد، تشدید میشود.

مارهبران، هرقدرهم خودرا شایستهٔ تقدیر وافتخاربدانیم، دوران ما سر خواهد آمد. تنها جامعهٔ انسانی وارزش‌هائیکه طی هزاران سال بوسیله انسان آفریده شده، جاودانی وماندنی است. امروز بدون گزافه ـ گویی میتوان گفت که، همهٔ آن چیزهائیکه ما به آن علاقمندیم وبخاطر آن مبارزه‌میکنیم، آن چیزهائیکه پیشینیان مادر آرزوی آنها بودند و ماامروز آرزومیکنیم، به‌دیگر سخن، گذشته و حال وآینده ما درمعرض خطر قرار گرفته‌است. خودما عاملان وناظران این لحظهٔ خطیر تاریخی هستیم. بسیاری حق دارند سئوال کنند که: آیا ما این مرحله از تاریخ رااز سر خواهیم گذراند ویا در آخرین مرحلهٔ تاریخ بشری قرار گرفته‌ایم؟ آیا بشریت بزندگی خود ادامه‌خواهد داد؟

برای نخستین بار در تاریخ مسئله به این صورت حاد مطرح میشود. در برابر این خطرواقعی، ما باید باقاطعیت وشجاعانه اقدام کنیم. ماحق نداریم بدبین باشیم، زیرا در آن صورت مبارزه در راه صلح با شکست مواجه خواهد شد.

ما می‌توانیم و موظفیم، بدون کوچکترین گذشت وتسلیم، با اتکاء به بسیج خلق‌ها واز آنجمله مردم آمریکا، باتکیه بر نیروی عظیم افکارعمومی محافل اجتماعی و آگاهی خلقها که در دوران مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام تجلی یافت صلح را حفظ کنیم. مامیتوانیم به‌اتکاء تناسب کنونی نیروها در عرصهٔ جهانی که به‌نفع سوسیالیسم تغییر یافته وامپریالیسم تلاش دارد آنرا به‌نفع خود تغییر دهد، به‌اتکاء توان خلق‌ها درمبارزه برای عقیم گذاردن هر تجاوز امپریالیستی واتکاء به همبستگی بین ـ المللی، که می‌تواند باهزاران شکل نو متظاهر گردد، صلح راحفظ کنیم.

ماحتی به حس ناخودآگاه امپریالیسم برای بقای خود، که میداند درصورت وقوع جنگ هسته‌ای ناگزیر کشور اوهم به‌تل خاکستر تبدیل خواهد شد، باورداریم.

ماجهان را ازخطر نابودی نجات خواهیم داد، اگر دشمنان صلح آگاه شوند که در راه حفظ صلح حاضریم جان خودرا فداکنیم وتسلیم شانتاژ وتهدید نخواهیم شد.

ماجراجویان، دیوانگان وسوداگران مرگ حق ندارند سرنوشت بشریت راحل کنند. ماباور داریم که جهان این خطر را ازسر میگذراند. مردم آگاه، معیارهای عادلانه، تدابیر سنجیده، عاقلانه و قاطع تفوق خواهند یافت، تا همه ملت‌ها وخلق‌ها، نسل‌های کنونی و آینده در محیط صلح وآرامش و عدالت و مصون از خطر زندگی کنند.

بشریت باید جاودان باشد و جاودان خواهدبود، اگرما دراین راه بکوشیم وآگاهی و تهور ازخودنشان دهیم.

چرا مناسبات سرمایه‌داری سبب تشدید وابستگی است؟

(قسمت دوم)

امکان واقعی برای رهائی از وابستگی سرمایه‌داری وجود دارد

آغازبحران عمومی سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی ومرحله اول آن باکاهش مهمی در منطقه‌نفود وسلطهٔ امپریالیسم وتضعیف مشهود بنیادهای استعمارتوام بود. جنگ اول جهانی (۱۲۹۷ – ۱۲۹۳) و پیامدهای عظیم تاریخی آن تاثیر بزرگی روی همه‌جریان گسترش بعدی رویدادهای عصرما و ازجمله‌روی بازارجهانی سرمایه‌داری گذاشت. زنجیرامپریالیسم در سست‌ترین حلقه‌گسست. باپیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نظام اجتماعی ـ اقتصادی نوینی باقدم‌های استوار به عرصه تاریخ آمد. فراگیری جهانی سیستم اقتصادی سرمایه‌داری شکست. از آن پس دیگر بازارجهانی سرمایه ـ داری سیستمی فراگیرنبود. مبادلات بین‌المللی کالادرجهان سرمایه‌داری چنان ضربه‌ای خورده بود که تنها پس از ۶ سال، یعنی درسال ۱۳۰۳ بسطح پیش‌ازجنگ اول رسید. بنابر خصلت ماهوی امپریالیسم، مبارزه برسرتقسیم وتجدید تقسیم مناطق نفوذ انحصاری درچارچوب تنگ شده سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی افزایش می‌یافت. سرمایه‌مالی انحصارات امپریالیستی درسیاست توسعه‌طلبی خوددرعین حال باتغییر فزاینده تناسب نیروها درسطح جهانی نیز روبرو شده‌بود، تغییری که به‌هیچوجه به سود سرمایه‌داری نبود. دیری نپائید که اقتصادیات سرمایه‌داری جهانی درچارچوب تنگ‌تر شده‌اش (درسالهای ۱۳۱۲ – ۱۳۰۸) با بزرگترین بحران ادواری درتاریخ خود روبروشد.

دومین جنگ جهانی (۱۳۲۴–۱۳۱۸) شروع دومین مرحله‌بحران سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی را بهمراه آورد. پس ازجنگ عده‌ای ازکشور ـ های دیگر دراروپاوآسیاوآمریکای لاتین به راه سوسیالیسم قدم گذاشتند. فرایند تشکل سیستم سوسیالیستی اقتصاد جهانی آغازشد. گر چه در سالهای پس ازجنگ احیا و گسترش بعدی مناسبات اقتصادی جهانی، که درنتیجه‌جنگ سخت آسیب دیده‌بود، صورت گرفت، لیکن در چارچوب تنگ‌ترشده‌سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی، دیگرامپریالیسم عملاقادرنبود مانند سابق سمت گسترش اقتصاد وسیاست جهان را تعیین کند، سرنوشت و آتیه‌بسیاری ازکشورهای "جهان سوم" را مشخص نماید. شرایط مساعد واقعی پدیدآمد تاعده‌ای از کشورهای مستعمره استقلال ملی بدست آورند.

فروپاشی بزرگترین امپراتوری های مستعمراتی، تشدید بعدی ناموزونی گسترش سرمایه‌داری ازیکسو، رشدسریع اقتصادیات سوسیالیسم جهانی ازسوی دیگر، سومین مرحله بحران سیستم سرمایه‌داری اقتصادجهانی را اوایل سالهای ۱۳۳۰ پدیدارکرد. درعین حال گسترش سریع مناسبات تجارتی ـ اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی به تشکیل بازار جهانی سوسیالیستی منجرشد. بازرگانی بین این کشورها، همچنین تجارت آنها باکشورهای سرمایه‌داری وکشورهای درحال رشد، گرایش به پیشرفت سریع راکاملاً آشکار ساخت. نوع جدیدی ازمناسبات برابرحقوق برپایهٔ سود متقابل در اقتصادجهانی بوجود آمد، که حداکثر بهره‌گیری ازدستاوردهای حیرت‌انگیز انقلاب علمی ـ فنی معاصر برای پیشرفت مادی و معنوی بشر را سرلوحه همه‌فعالیت خود قرارداده است. در صورتیکه همین دستاوردها درجهان سرمایه‌داری برای تضعیف تدریجی نقش کشورهای رشدیابنده، زیرفشارگذاشتن و در وابستگی نگهداشتن آنها بکارگرفته‌می شوند. ارقام رسمی منتشره نشان می‌دهد که، وزن مخصوص این کشورها را در مبادلهٔ کالای بین‌المللی سرمایه‌داری پس ازجنگ حدود ۲ مرتبه کاهش یافت. وازیکسوم کل مبادلات بازرگانی در اولین سالهای ۱۳۳۰ به یکششم دراولین سال ـ های ۱۳۵۰ رسید. واین درست درحالی بود که حجم کلی مبادلات کالادر بازار جهانی سرمایه‌داری افزایش داشت. چنانچه سهم هر یک ازدورشته عمده‌کالا، یعنی تولیدات صنعتی ومحصولات کشاورزی را درنظربگیریم، آنوقت عدم توازن گسترش کلی سرمایه‌داری بارزتر به چشم می‌خورد. اگر درعرض ۲۰ سال (۱۳۵۲ ـ ۱۳۳۲) حجم کلی مبادلهٔ کالا بین این کشورها ۵ مرتبه زیادشد، حجم محصولات صنعتی دراین مجموع بیش از ۸ بارومحصولات صنایع شیمیایی بیش از ۱۰ بار افزایش یافت. بعبارت دیگر، ساختار تقسیم کاربین‌المللی در جهان سرمایه‌داری همچنان به‌سودتقویت هر چه‌بیشتر مواضع اقتصادی قدرتهای امپریالیستی وتحکیم وابستگی دولت‌های آزادشده پیشرفته است.

تشدید روز افزون فعالیت دول امپریالیستی در جهت تنظیم دولتی ـ انحصاری بازرگانی خارجی، صدورسرمایه، مسائل ارزی بین‌المللی، تعیین قیمت‌ها دربازار جهانی سرمایه‌داری همه‌وهمه‌بخاطرتثبیت این بازار ازراه‌تحکیم وابستگی کشورهای رشدیابنده است. لیکن جریان کلی گسترش وقایع پس ازجنگ نشان می‌دهدکه، تقویت گرایش دولتی ـ انحصاری در بازار جهانی سرمایه‌داری سبب تثبیت آن نمی‌شودوتضادهای آشتی‌ناپذیری را که زائیده‌ماهیت سرمایه‌است، تضعیف نمی‌کند، این تضادها ژرفتر می‌شوند. در سال‌های اول ۱۳۵۰ بازار جهانی سرمایه داری به‌دفعات درپی بحران‌های شدید مالی ـ ارزی و پولی ـ اعتباراتی چنان متزلزل شدکه مجموعهٔ همه‌روابط متقابله بین‌المللی سرمایه‌داری معاصررافراگرفت. کمی بعدبحران مواد انرژی زا (انواع مواد سوختی) افروخته‌شد، که‌هنوز هم سراسر جهان سرمایه‌داری را در تب و تاب نگهداشته‌است...

گسترش مناسبات سرمایه‌داری، بویژه برای کشورهای آزادشده، اسارت بار است

سرمایه‌انحصاری خارجی که‌درکشور ـ های رشدیابنده‌عمل‌می‌کند (درنتیجه غارت منابع طبیعی انرژی وموادخام‌بویژه‌استثمار بیرحمانه نیروی‌کار ارزان‌تر، که سرچشمه‌در ـ آمدهای کلان نواستعماری‌است) سودی بدست میآورد، که حتی طبق محاسبهٔ کارشناسان امپریالیسم، بطورمتوسط ۲ برابرسودسرمایه ـ گذاری درکشورهای رشدیافته‌سرمایه‌داری‌است. پژوهشهائی که‌بویژه‌پیرامون فعالیت اقتصادی شرکت‌های چندملیتی شده‌است، صحت اظهارات اقتصاددان هندی "کوریان" راکاملاً تائیدمی‌کند، که‌گفت: سودکشی نواستعماری‌که، ازلحاظ نسبی و مطلق دائما روبه‌افزایش است چنان شکلی از بیگانگی محصولات ملی (در کشورهای آزادشده) است، که‌آهنگ انباشت سرمایه راکاهش می‌دهد ومانع رشد اقتصادی میگردد.

چندی‌پیش‌مجله‌انگلیسی "آفریقای‌نو" اعتراف کرد که‌فقط بارگران قروض این‌کشورها در ۳ـ ۴ سال‌اخیر بطورمتوسط ۱۵ درصد افزایش یافته واواخر سال میلادی ۱۹۸۰ (دی ماه ۱۳۵۹) به‌پیکرهٔ نجومی ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ شده‌است. به‌حساب مجله، گروهی از کشورهای آزادشده (که‌جزء صادرکنندگان نفت نیستند) مجبورشدند درهمان‌سال ۴۰ میلیارد دلارتنها بابت‌ربح‌قرضه‌های‌دریافتی پرداخت کنند. مبلغی که به‌حساب‌کارشناسان برای تاسیس ۱۵ تا ۱۷ مجتمع بزرگ ذوب‌آهن‌یا ماشین‌سازی کفایت‌می‌کند!

امپریالیسم بااستفاده‌از دشواری های فراوان این‌کشورها، که‌خود مسبب‌اصلی آنست، هجوم علیه‌استقلال‌اقتصادی آنها راتشدید می‌کند. مثلاصندوق‌بین‌المللی‌پول، که یکی از اهرمهای عمده‌وابستگی فزاینده مالی ـ اقتصادی کشورهای‌جهان سرمایه‌داری‌است، ضرورت اجرای "اقدامات تثبیت کننده" را شرط مقدماتی واگذاری اعتبار به‌کشورهای‌رشد یابنده‌اعلام‌کرده‌است. این‌باصطلاح "اقدامات تثبیت‌کننده" عبارتنداز: تنزل‌بهای ارزملی این‌کشورها، نظارت "آزاد" برسیستم ارزی ـ وارداتی آنها، کاهش هزینه‌های دولتی مربوط به‌نیازمندی‌های اجتماعی، افزایش‌مالیات‌ها، تثبیت دستمزدها و لغو نظارت بر قیمت‌ها، "آزادی" جریان سرمایه‌های (اعتبارات) خصوصی‌خارجی‌وغیره. ازهمین‌چندشرط مقدماتی آشکارا دیده‌می‌شود که پیامد اجرای چنین سیاستی‌تشدیدوابستگی‌اقتصادی‌کشور ـ های آزاد شده به‌امپریالیسم است. بی‌شک نتایج چنین سیاستی باری سنگین‌تربر دوش‌توده‌های‌زحمتکش‌کشور شده، نابرابری عظیم‌اجتماعی‌درتقسیم درآمدملی را عمیق تر می‌کند. ارقام منتشره (نیمه‌اول سالهای ۱۳۵۰) نشان‌می‌دهد، که‌تنها ۵ درصد سکنه‌کشورهای آسیا (بزرگ مالکان، کلان سرمایه‌داران، کارمندان‌عالیرتبه‌دولت) ۲۵/۵ درصد از درآمدملی‌کشور راتصاحب‌کردند، درحالیکه‌به **۶۰ درصد** از زحمتکشان کوشنده‌واستثمارشونده (کارگران شهرو روستا، دهقانان میانه حال، کارمندان‌جزء، تولیدکنندگان خرده‌پاوغیره) تنها ۲۸/۱ درصد از درآمدملی رسیده بود. درهمان‌سال‌ها، طبقات واقشاراستثمارگر در سنگاپور ۴۲/۴ درصد، درمالزی ۵۶ درصد، در اندونزی ۴۲ درصد، درفیلیپین (تنها بخش شهری) ۵۰/۷ درصد، درتایلند (تنها بخش کشاورزی) ۵۱ درصدازمحصول‌کل داخلی را تصاحب‌کردند...

چنین‌وضعی‌برای کشورهای رهایی‌یافته‌از اسارت‌استعمار و نواستعمار، ازجمله‌برای‌میهن مابسی‌عبرت‌آمیزاست. استقلال، که در همهٔ جنبه‌های عمدهٔ سیاسی، اقتصادی‌نظامی و فرهنگی درسرلوحه اهداف اساسی‌انقلاب شکوهمند ایران قرار داشته‌ودارد، فقط با گسستن همه‌زنجیرهای وابستگی عمیق‌ساختار اجتماعی ـ اقتصادی جامعه‌ماتحقق پذیراست، واین‌ممکن‌نیست، مگر با اجرای‌عملی درست‌و قاطع اصولی‌که‌درقانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران درباره‌بخش‌های ۳ گانه‌اقتصادکشور آمده است. تابخش‌های دولتی و تعاونی دررشته ـ های عمده تولید وتوزیع مواضع مسلط را در اقتصادیات کشور بدست نگیرند، نه‌قطع ریشه ـ های وابستگی به امپریالیسم، نه‌جلوگیری‌از چپاول‌بی‌بندوبارکلان‌سرمایه‌داران، محتکران‌و واسطه‌های‌بزرگ زالوصفت ممکن‌نیست. تجارت خارجی ما باید از چنگال سرمایه‌داران‌وابسته به‌بازارجهانی امپریالیسم خارج شود، تا از مجرای‌مهم تحکیم وگسترش وابستگی‌کشور، به مجرای تامین‌استقلال اقتصادی آن مبدل‌شود. بدون‌تصویب واجرای دقیق و بی‌تاخیر قانون اصلاحات ارضی، برپایه‌آنچه که به تائید شورای انقلاب رسیده‌است، رهائی‌از مظالم بزرگ زمینداران و دست رسی به‌اقتصادخود ـ کفای کشاورزی ودامداری پیشرفته‌ممکن‌نیست. صنایع کشور (به‌جز بخشی‌که باهمکاری‌کشورهای سوسیالیستی‌پی‌ریزی‌شده) بطورعمده‌ازچارچوب صنایع مونتاژکه‌عمیقا درتاروپود سیستم سرمایه ـ داری‌اقتصادجهانی‌وابسته‌است‌تجاوزنمیکنداین وضع، ازجمله سرنوشت‌مجتمع پتروشیمی، نشان دادکه‌فقط باهمکاری همه‌جانبه‌وگسترده‌باکشور ـ های جبههٔ جهانی‌ضدامپریالیستی و با کشورهایی که در راه تامین استقلال‌خودجدا مبارزه می‌کنند، می‌توان به رشدمستقل‌صنعت، گسترش صنایع سنگین و مادر بر پایه‌تکنولوژی مترقی‌دست‌یافت.

* * *

نظام سرمایه‌داری، دربالاترین و آخرین مرحله‌حیات خود ـ امپریالیسم، عدم لیاقت تاریخی‌خود راجهت‌تامین‌پیشرفت‌بعدی‌بشر به‌ثبوت‌رسانده‌است. خلق‌های بپا خاستهٔ جهان‌حاضر به‌تحمل‌بارگران‌اسارت‌امپریالیستی نیستند. مردم تقریبا ۱۰۰ کشوراز مستعمرات وکشورهای وابسته سابق، که درآنها‌بیش از ۲ میلیارد نفر (نیمی‌از سکنه‌کره خاکی‌ما) زندگی می‌کنند، هم‌اکنون‌نقش‌فزاینده‌ای‌درمناسبات بین‌المللی ایفا می‌کنند. ترقی بشریت‌مستلزم محو هرچه زودتر همه‌پیامدهای‌خانمان‌برانداز امپریالیسم‌واستعمار واستعمارنو درپهنه تقسیم کاربین‌المللی‌است. وظایف‌مبرم پیشرفت‌بعدی اجتماعی ـ اقتصادی وفرهنگی، رشد پرشتاب نیروهای‌مولده در دوران‌تاریخی معاصر با اصرار روزافزون محو سیستم جهانی استثمار عده‌ای‌ازکشورهاتوسط کشورهای‌دیگر، ایجاد تقسیم کاربین‌المللی واقعا برابر حقوق، احترام به استقلال وآزادی‌خلق‌هاو حرکت‌به سوی چنان‌سیستم فراگیرمناسبات‌اقتصادی جهانی راخواستار است، که‌پاسخگوی منافع حیاتی همه‌خلق‌ها وبه‌خیروصلاح همه جامعهٔ بشری باشد. نیروهای پیشروی جهان ما با عزمی‌راسخ ونیرویی پرتوان‌دراین‌راه به پیش می‌روند. پیروزی‌آنها‌ضرورت‌تاریخ است.

اتحاد مردم

شماره ۱۰۷ دوره سوم دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۰

سیستم اطلاعاتی...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و هرکشوری به یک سیستم اطلاعاتی احتیاج دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به یک سیستم اطلاعاتی نیازمند است. تشکیل سیستم اطلاعاتی ضرورت مهمی است که بجاست درباره آن اظهارنظر شود، نه درباره جنبه فنی آن، که تخصصی است، بلکه درباره خصوصیات آن وسمتگیری سیاسی آن، تاخشت اول این سیستم درست کار گذاشته شود، زیراکه اگر این خشت اول کج باشد، " تا ثریا می‌رود دیوار کج " و لذا نقض غرض خواهد بود.

سخن را می‌توان از بیان این امر معلوم و بدیهی آغاز کرد که "سیستم اطلاعاتی "یک ارگان دولتی است، در خدمت دولت، در خدمت سیاست دولت، یعنی سمتگیری سیاسی آن باید منطبق برسمتگیری سیاسی دولت باشد. وچون بگفته آقای میرحسین موسوی " محور اصلی سیاست خارجی و داخلی ما ضدآمریکائی (ضدامپریالیسم، به سرکردگی آمریکا) است ". محور اصلی سیاست و فعالیت "سیستم اطلاعاتی" نیز وقتی جوابگوی نیازمندیهای سیاست خارجی وداخلی انقلاب ودولت انقلابی خواهد بودکه ضدآمریکائی (ضدامپریالیسم، ضدنیروهای ضدانقلابی، بسرکردگی آمریکا) چه درمورد مسائل برون مرزی وچه درون مرزی باشد.

برای روشن شدن بیشتر مطلب می‌توان به این پدیده دردناک اشاره کردکه، "سیستم اطلاعاتی" که " دولت موقت " درصدد پایه‌گذاری آن بود، ضد نیروهای ضدانقلابی خارجی و داخلی انقلاب نبود، تاآنجا که حتی کوشش به عمل آمدکه سپهبد مقدم ـ رئیس ساواک ـ درراس اطلاعات ارتش گمارده شود. چرا؟ برای اینکه سمتگیری سیاسی دولت موقت ضدآمریکایی نبود. دولت موقت، دشمن را دوست ودوست را دشمن تلقی می‌کرد، ازانقلاب "پشیمان" شده بود، معتقد بودکه آمریکا نیزازکردار سابق خود درایران "پشیمان" است و بنابراین، این دو "پشیمان" می‌توانند ازسرتقصیرات گذشته خود بگذرند وروی یکدیگر را ببوسند، تا "غائله" پایان یابد! طبیعی است که " سیستم اطلاعاتی " یک چنین دولتی بایک چنین خط سیاسی باید درخدمت همین خط سیاسی عمل کند، یعنی هر شخص، هرنیرو، هرسازمان وهرکشوری را که طرفدار بقاء و رشدو گسترش انقلاب اسلامی با محتوی ضدامپریالیستی و مردمی باشد، "هدف" فعالیت خود قرار دهد.

پس طبعا "سیستم اطلاعاتی " از لحاظ سیاسی، و درنتیجه از لحاظ سمت اصلی فعالیت خود، "بیطرف" نیست ونمی تواند باشد. این ارگانی است درخدمت دولت، در خدمت سیاست دولت وسمتگیری اصلی فعالیت آن منطبق برمحور اصلی سیاست دولت وهدف اصلی آن دشمن است.

محوراصلی سیاست خارجی و داخلی ماضدامریکایی (ضدامپریالیسم، ضدنیروهای ضدانقلابی، بسرکردگی آمریکا) است و بنا براین "سیستم اطلاعاتی "جمهوری اسلامی ایران نیز باید چنان تشکیل شود و باید چنان عمل کند که بتواند برای سیاست خارجی، اطلاعات مفیدولازم رادرباره چگونگی تهیه "آشهای" مختلف زهرآگینی که در "آشپزخانه "امپریالیسم و ارتجاع همدست اوعلیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وعلیه کل جنبش رهائی بخش ضدامپریالیستی "پخته" می شوند، دراختیار دولت ماقراردهد. ونیز برای سیاست داخلی دولت، اطلاعات لازم را برای شناخت وخنثی کردن فعالیت هرنیروی ضدانقلابی و هر توطئه ضدانقلابی، فراهم آورد.

دراینجا باید برروی یک نکته فوق العاده مهم وفوق العاده حساس انگشت تاکید نهاد. نکته اینست که، سیستم‌های اطلاعاتی دولت‌های امپریالیستی، ارتجاعی وضدمردمی بر مبنای "ذهنیت‌گرائی" عمل می‌کنند، زیرا هدف سیاست این دولت‌ها، سلطه‌گری توسعه‌طلبی، جنگ‌افروزی، زورگوئی، استعمار، استثمار، غارت، ستمگری، و دریک کلام ضدزحمتکشان، ضدانقلابی وضدبشری است. بهترین نمونه سیستم‌های اطلاعاتی " ذهن‌گرا " ودروغ‌ساز "سیا" است. وقتی دولت آمریکا تصمیم به تهاجم نظامی به ویتنام گرفت، این سازمان اطلاعاتی "اطلاعات لازم" را دراختیار دولت آمریکا قرار داد، که‌بعدها ساختگی بودن آن فاش شد. "سیا "اطلاع داد که درخلیج تونکن ازطرف نیروهای دولت سوسیالیستی ویتنام به‌کشتی‌های آمریکائی حمله‌شده‌است. در داخل آمریکا نیز "سیا" و"اف.بی.آی" انواع "اطلاعات‌لازم "را برای تعقیب کمونیستها، صلح‌طلبان، لیدرهای سیاه پوستان رزمنده، ... "بدست می‌آورند"، یا برمبنای این "اطلاعات" دروغ "سیستم‌قضائی" آمریکا بتواند "اجنه" راشکار ومجازات‌کند.

سیستمهای اطلاعاتی دولت‌های ضدامپریالیستی، انقلابی ومردمی، بر عکس، برمبنای "عینیت‌گرائی" عمل می‌کنند، زیرا این‌دولت ها برای پیشبرد سیاست ضدامپریالیستی، انقلابی ومردمی خوداحتیاج به جمع آوری دروغ بعنوان "اطلاعات" ندارند. واقعیت‌ها، هرآنچه‌هستند، برای آنها مفید و لازم است، زیرا سیاست‌این دولتهای‌ضدامپریالیستی، انقلابی‌ومردمی به‌نسبت‌اینکه واقعیت‌ها رادرنظربگیردوبرواقعیتها تکیه‌کند بهمان‌نسبت کارآیی بیشتری دارد. اگر دروغ و دغل کاری سلاح نیروهای ضد مردمی است، راستی‌ودرستی سلاح نیروهای مردمی‌است.

پس تا اینجا "سیستم‌اطلاعاتی" جمهوری اسلامی ایران بایدبادو خصوصیت اساسی‌ساخته شود: یکی‌این که محور اصلی سیاستش،ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی، ضدنیروهای ضدانقلابی باشد، انقلابی‌و مردمی باشد، دشمن و دوست‌را "قاطی‌نکند"، ودوم‌اینکه عینیت گرا، حقیقت‌جو و حقیقت‌یاب باشد.

انجام وظیفه کسب اطلاعات با این‌دوخصوصیت، کاری‌است که‌وجدان پاک‌ودقت‌فوق‌العاده‌می طلبد. کمترین ناپاکی در سیستم اطلاعات می‌تواند منشاءاتخاذ سیاستی زیان‌بخش و گاه حتی‌فاجعه‌آمیز، چه درمورد مسائل برون‌مرزی‌وچه‌درون‌مرزی‌گردد. سیستم اطلاعاتی‌بایدازهرگونه‌غرض، ازهرگونه پیشداوری و از هرگونه کار سرسری‌بری باشد، در دقت وصحت کار، وسواس داشته‌باشد. بهمین‌دلیل در ساختمان "سیستم اطلاعاتی" و در گزینش هر عنصرآن، هرکارمندآن، نهایت دقت باید بعمل آید. همه عناصروکارمندان "سیستم‌اطلاعاتی" باید افرادی‌باشند پاک سرشت، درستکار، راستگو، دقیق، دلسوز بحال زحمتکشان ومستضعفان، خواستار استقلال‌کشور، آزادی طلب، مردم‌دوست، عدالتخواه ـ دریک کلام انقلابی‌راستین‌ومومن‌بماهداف انقلاب اسلامی‌ایران، بامحتوای‌ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی. هر گونه سهل انگاری در گزینش کارمندان "سیستم‌اطلاعاتی" می‌تواندمنشاءزیان‌های بزرگ گردد.

پس برای ساختن "سیستم اطلاعاتی" باید دقیق، فوق العاده دقیق بود. "سیستم‌اطلاعاتی" برای جمهوری اسلامی‌ایران ضرورت دارد و حتی‌المقدور باید سریعترایجاد گردد. ولی این کاری‌است که درآن دقت را نباید فدای سرعت کرد. "سیستم اطلاعاتی" بایدحتی‌الامکان‌سریعتر، ولی بانهایت دقت‌ایجادگردد.

کار "سیستم اطلاعاتی" باید هماهنگ باشد. اگر سیستم های اطلاعاتی‌مختلف‌وجداازیکدیگری‌وجود دارند، آنها باید "یک‌کاسه" شوند. ولی باید توجه داشت که اطلاعات جمع‌آوری شده بایدیکدیگر را "تقاطع" کنند، تاصحت آنهامحرز باشد. صحت اطلاعات باید دقیقا از "صافی" یک سیستم‌کنترل دقیق بگذرد.

باخصوصیاتی که‌بالاجمال بدانها اشاره‌شد، نتیجه‌عمل "سیستم‌اطلاعاتی"، چه در مورد مسائل برون مرزی و چه درون‌مرزی، درجهت خنثی‌کردن توطئه‌های ضدانقلابی، درجهت اهداف انقلاب، مفید وموثر خواهد بود. این یک "سیستم‌اطلاعاتی "انقلابی‌ومردمی خواهد‌بود.

کارسیستم اطلاعاتی‌انقلابی و مردمی، سیستم‌اطلاعاتی دقیق و درستکار، دربین‌مردم‌اعتماد و آرامش بوجودمیاورد، نه‌سوءظن‌واضطراب. شیوه کارسیستم‌اطلاعاتی‌امپریالیستی‌و ارتجاعی، ضدانقلابی‌وضدمردمی، ایجادسوءظن‌ورعب‌واضطراب‌وخفقان است. کارسیستم‌اطلاعاتی‌انقلابی و مردمی‌برعکس، چنانست‌که‌مردم نسبت به‌دولت‌وحاکمیت‌انقلابی‌ونیزنسبت به یکدیگر اعتماد داشته باشند، دچار سوءظن ورعب واضطراب نباشند، برخوردار از احساس اطمینان و ایمنی باشند.

آخرین‌نکته فوق العاده مهمی‌که باید بدان توجه کرد، اینست: سیستم یاسیستم‌های اطلاعاتی‌که‌بعدازانقلاب بوجودآمده‌اند، متاثر از خط سازش و همکاری با آمریکا بوده‌اند، که پایه سیاست لیبرال‌ها (دولت‌موقت‌وبنی‌صدر) راتشکیل میداده‌است ودرنتیجه، به‌احتمال نزدیک به‌یقین، در معرض نفوذ عناصری قرارگرفته‌اند که طرزفکر واهداف آنهاضدانقلابی و ضد مردمی است. کافیست نمونه کشمیری را به‌یاد آوریم، که‌تاکجا رفته‌بود وچه فاجعه‌ای ببارآورد. وهرگز این واقعیت را ازنظر دورنداریم که وقتی "سیا" ـ که ارباب اصلی و واقعی کشمیری است ـ مهره‌ای بدین‌مهمی را ـ پس ازانجام وظیفه جنایتکارانه اش ـ بناچارازصحنه‌خارج میکند، حتما کشمیری‌های ناشناخته دیگری در اختیار دارد.

پس باید هشیار، فوق العاده هشیار بودو "سیستم‌اطلاعاتی" جمهوری اسلامی‌ایران را دقیقاپاکسازی ونوسازی کرد. دقت موشکافانه در این پاکسازی‌و توجه دقیق به‌معماری "سیستم‌اطلاعاتی" وگزینش‌مصالح‌آن، از اهم وظائف‌دولت است.

ما به‌سهم خود امیدواریم‌که این وظیفه چنان‌انجام‌گیردکه پاسخ گوی محتوای ضدامپریالیستی واستقلال‌طلبانه، ضداستبدادی و آزادیخواهانه، ضدستمگری وعدالتخواهانه انقلاب اسلامی ایران‌باشد.

حکومت قانون...

بقیه از صفحه ۱

سال را "سال قانون" نامیده‌بودند. دراین‌فرمان باردیگر تاکید کرده‌اند، که‌براساس گزارش‌های رسیده، "افراد غیرمسئول" و "گاهی مقامات‌مسئول" برخلاف قانون متعرض مردم می‌شوند و "گاهی به‌منازل اشخاص بدون مجوز شرعی وقانونی وارد شده‌آنان‌راجلب می‌نمایندو اگر شخص مورد نظرنباشد بستگان وزن و فرزند او راجلب‌می‌کنند وگاهی به‌بهانه‌هائی هتک‌آبروو حیثیت اشخاص رامی‌نمایند و با این اعمال غیر شرعی هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضائی رامیکنند."

امام‌خمینی در این فرمان خواستار شده‌اندکه:

"اشخاص یاگروه‌هائی که‌مرتکب این‌نحواعمال غیرشرعی‌و قانونی می‌شوند، احضار و پس‌از اثبات جرم به مجازات‌برسند."

فرمان‌رهبر انقلاب، که براجرای یکی از حیاتی‌ترین نیازهای انقلاب ـ یعنی آماده‌کردن زمینه قانونی‌برای انجام‌وظایف حاد این مرحله‌انقلاب تاکید دارد، بلافاصله با استقبال گرم مسئولان درجه اول‌کشور، به ویژه ارگان‌های قضائی‌روبرو شد.

آیت‌اله موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی، ضمن برشمردن برخی‌ازموارد تخلف‌در سطوح مختلف، بر اجرای قانون تاکید کرد وگفت:

"اگر بخواهیم در میان مردم امنیت داخلی بر قرار شود، این‌رابطه مستقیم با قانون دارد. با تدوین قانون حسن اجرای قانون امری‌است بدیهی وهمه باید احترام‌به‌قانون و حریم قانون‌رامراعات‌کنند." (کیهان ـ ۱۷ آذر ۱۳۶۰)

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستان‌کل‌انقلاب‌اسلامی‌نیز دربخشنامه‌ای خطاب‌به کلیه دادسراهای انقلاب اسلامی ایران‌ودادستانی‌های انقلاب اسلامی مستقر در سپاه، از آنهاخواست:

"از صدور حکم‌جلب، دستگیری وبازداشت افرادبدون‌انجام تحقیقات لازم‌وملاحظه‌اسنادومدارک‌کافی‌اکیدا خودداری شود و در صورت وجود دلائل و مدارک نیز در مورد‌متهمین غیر گروهک‌های محارب، یا افرادی که‌آزادی ایشان با قرارهای تامین وثیقه یا کفالت‌امکان‌پذیراست، حتی‌الامکان ازبازداشت‌وزندان‌خودداری شود.

پاسداران سپاه وکمیته‌ها بدون کسب مجوز قانونی ازمراجع قضائی به هیچوجه حق احضار، جلب‌ودستگیری، بازرسی منزل و توقیف و ضبط‌اموال را ندارند و درصورت اقدام، وظیفه دادستانی انقلاب اسلامی محل‌است که‌ایشان راتحت پیگردقانونی قرار دهد." (کیهان ـ ۱۷ آذر ۱۳۶۰)

شورای‌عالی قضائی‌و سازمان بازرسی کشورنیز "بخشنامه‌هائی‌جهت جلوگیری از تخلفات ورسیدگی سریع به‌عمل تجاوزبه قانون در مورد افراد خاطی صادر" (صبح آزادگان ـ ۱۸ آذر ۱۳۶۰) کردند.

بااین‌ترتیب روشن‌می شودکه خوشبختانه‌مقامات‌قضائی‌کشور برای اجرای قانون آمادگی کامل دارند. درنتیجه همه مردم درانتظار اجرای دقیق‌فرمان امام‌خمینی و رفع نتایجی هستند که‌اینجاوآنجا، آگاهانه وناآگاهانه، وجود دارد و متاسفانه‌پیش از صدور فرمان امام سیرشتابنده ای داشت.

گسترش‌بی‌قانونی(همانطور که‌در فرمان امام خمینی‌نیزمنعکس‌است) یکی از موذیانه‌ترین و درعین حال قدیمی‌ترین‌نقشه‌های ضدانقلاب‌برای ازمیان‌بردن اعتبار وآبروی انقلاب، بویژه درمرحله تثبیت‌است. ضدانقلاب درهمه انقلاب‌ها، وچنانکه تجربه‌سه‌سال گذشته نشان‌داده‌است، ازجمله‌درانقلاب‌اسلامی‌ایران‌میکوشدتا آنجاکه‌ممکن‌است، از استقرار نظام نوین‌جلوگیری کند. این‌کوشش‌نخست متوجه جلوگیری از تشکیل نهادهای انقلابی وتصویب قوانین‌انقلابی‌است. بنابراین‌یکی ازمهم‌ترین حربه های انقلاب برپائی‌نهادهای قانونی و تصویب قوانین‌انقلابی‌در کمترین مدت‌ممکن است.

متاسفانه باید گفت که انقلاب بزرگ ما در این قسمت بسیار کند حرکت میکند. هنوز مردم محروم ما چشم‌انتظار تصویب قوانین محوری‌از قبیل اصلاحات‌ارضی، دولتی کردن بازرگانی‌خارجی‌و... هستند. سرعت دراین‌امرمی‌تواند یکی‌از اساسی ترین نقشه‌های دشمن را درهم‌بشکندونقش اصلی را درتثبیت و "قانونیت" در کشور ایفا کند.

دشمن درهمان حال که‌میکوشد مانع ازتصویب قوانین انقلابی شودو یالااقل‌تصویب این قبیل قوانین را به‌تعویق اندازد، باتمام‌نیروبه‌میدان می‌آید، تا ازاجرای قوانین تصویب‌شده‌نیز جلوگیرد ومهم‌تر از آن، قوانین را درعمل به ضد خود مبدل سازد.

همگان‌بخاطردارند که چندی پیش حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌مجلس شورای‌اسلامی در مورد عدم اجرای قوانینی که در مجلس تصویب شده، هشدارداد و خواستار اجرای آنهاشد. ازجمله این قوانین میتوان از قانون فعالیت احزاب و گروه‌ها نام‌ببرد، که‌بیش‌از چندماه از تصویب‌آن‌میگذرد، اما هنوز به اجرا درنیامده‌است.

وبالاخره دشمن‌می‌کوشد که با استفاد ازکشمیری‌هاوکلاهی‌هاوتحریک عناصرصادق‌وکم‌اطلاع، به‌هرج‌و مرج دامن بزند، بگیر وببند راه بیندازند حرمت‌آزادی‌افراد رااز میان‌ببرد، همینکه بهانه‌ای ازگروهک‌های چپ‌رو بدست‌آورد، به‌تاخت وتاز بپردازد، افرادبیگناه و باگناه رایکجا و بدون تفاوت دستگیر کند و... در همین حال‌جناح های دیگر ضدانقلاب‌نیزبا ترور و بمب‌گذاری به‌میدان‌می‌آیند. ودرست درهمین هنگام شبکه های پنهان وآشکار تبلیغات دشمن به کار می‌افتد و همه اینها را به‌حساب انقلاب‌می‌نویسد. دشمن چنین تبلیغ میکندکه‌انقلاب‌قادربه‌برقراری قانون‌و ایجاد امنیت نیست و درنتیجه باید کسی بیاید، تاامنیت رابرقرارکند. این‌کس چنانکه تجربه تاریخ‌نشان داده‌است، امثال ضیاءالحق و رضا خان وپینوشه‌است.

بااین ترتیب روشن است که‌درهم‌شکستن توطئه دشمن تنها و تنها یکراه‌دارد: استقرارحکومت قانون درکشور و پافشاری برای اجرای‌قانون ـ فرمان اخیر رهبرانقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی‌ایران و سخنان و بخشنامه‌های مسئولان کشور همگی دراین راستااست.

آری، باید انقلاب دراین‌سمت بسرعت حرکت کند. قوانین‌بنیادی به‌تصویب‌مجلس‌برسد. قوانین‌تصویب شده‌بیدرنگ به‌اجرادرآید و همانطور که امام‌خمینی خواسته‌اند، از همین امروز با هرگونه‌تخلفی از قانون، از جانب هرکس که‌باشد، بشدت‌مقابله شود.

اگر همانطورکه آیت‌اله‌موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور گفته است: "خاطیان از قانون در هرمقامی شناسائی ومجازات" (کیهان ـ ۱۷ آذر ۱۳۶۰) شوند، اگربراستی‌قانون‌بدون استثناء همگان را شامل شود، و بر اساس سخنان آیت‌اله‌موسوی‌اردبیلی اینها (خاطیان ازقانون) باشناسائی مجازات‌خواهند شد و برای ما فرقی نمی‌کند که این افراد حاکم شرع‌باشد درنهادانقلابی باشدو در ارگان دولتی باشد ویاافراد غیرمسئول باشند. مبنای کار دستگاه قضائی رسیدگی بدون تسامح به‌این اموراست وبرگرداندن‌آنها به‌حسن‌اجرای‌قانون" (همانجا)، در آن‌صورت توطئه دشمن درهم‌خواهد شکست. حق‌وحقوق‌همگان روشن‌خواهد‌شد، قانون‌برمناسبات‌میان مردم‌و روابط ارگان‌هاونهادهای‌دولتی وانقلابی‌بامردم نظارت خواهد‌داشت ومردم‌قهرمان ما خواهند توانست در سایه امنیتی که‌بااین‌ترتیب‌ایجاد می‌شود، دست دردست‌هم درراه‌سازندگی کشوربکوشند.

یک پیروزی...

بقیه از صفحه ۱

نخواهندتوانست مقاومت‌مردمی را که برای‌دفاع از میهن و زندگی‌خودبسیج شده‌اند، درهم شکند.

فتح‌بزرگ‌هفته گذشته خبر از نزدیکترشدن‌پیروزی‌نهائی‌برمتجاوزان صدامی‌می‌دهد، که‌خودبه‌معنای درهم شکستن یکی‌ازبزرگترین‌توطئه‌های‌امپریالیسم جهانی‌بسرکردگی‌آمریکا علیه انقلاب‌اسلامی‌ضدامپریالیستی‌ومردمی ایران‌است.

ازهم‌اکنون‌این‌فتح‌زمینه پیروزی نهائی رافراهم می‌سازد، باید بااتحاد همه‌نیروهای‌خلق‌زیررهبری**امام خمینی** وبسیج‌هرچه‌کامل‌تر و وسیع تر مردم قهرمان‌ایران‌برای‌مقابله باتوطئه های دیگرآمریکا، که‌بیگمان‌درحال تدارک است، آماده‌شد.

"اتحادمردم" به‌نوبه خود فتح پیروزمند هفته گذشته رابه‌مردم‌قهرمان ایران‌به‌رهبرو بنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران وبه‌رزمندگان‌خط مقدم جبهه‌صمیمانه‌تبریک می‌گوید و روز نزدیک‌پیروزی نهائی‌را آرزومندیم.

بین اخلال و...

بقیه از صفحه ۱

جنگ تحمیلی و کارگران

شرایط جنگ تحمیلی امپریالیسم امریکا بدست صدام جنایتکار وضع ویژه‌ای را برای انقلاب اسلامی ضد ـ امپریالیستی و مردمی کشور ما به وجود آورده است. این جنگ باعث شده است، تا همه توان اقتصادی و مالی و انسانی کشور بحق برای تامین پیروزی در جبهه تجهیز شود. کارگران و زحمتکشان ایران پیش از همه و بیش از همه به اهمیت اولویت جنگ واقفند. بهمین جهت کارگران و زحمتکشان نه تنها در گرفتن اسلحه و شرکت درجنگ، بلکه درانجام کارهای شبانه‌روزی در پشت جبهه و در سراسر مملکت درصف مقدم مدافعین انقلاب و میهن انقلابی قراردارند. هیچکس نمی‌تواند انکار کند که کارگران وزحمتکشان بیشتر بن‌بار جنگ و دفاع از وطن انقلابی را بعهده گرفته‌اند و با استقامت و پایداری تعهد طبقاتی وملی ومیهنی خودرا به انجام میرسانند.

محاصرهٔ اقتصادی و طبقهٔ کارگر

امپریالیسم همچنین کشور ما را درمحاصرهٔ اقتصادی قرار داده و قصد دارد با اخلال درتولید داخلی، انقلاب را به‌زانو درآورد. در خنثی ساختن این توطئه نیز نقش عمده را کارگران و زحمتکشان بعهده دارند. کارگران از فردای پیروزی انقلاب به‌احیاء تولید وخدمات پرداختند و با راه‌اندازی موسسات تولیدی وخدماتی نقش بزرگی دراحیاء اقتصاد ملی ایفاکرده ومیکنند. دراین‌زمینه نیز سنگین‌ترین بار بدوش توانای کارگران و زحمتکشان قرارگرفته وحرکت اینان بسوی ایجاد اقتصادی مستقل و نیرومند و خودکفا ادامه‌دارد.

کارگران متحمل ترین طبقهٔ جامعه ایرانند.

کارگران و زحمتکشان در دوران پس ازپیروزی انقلاب نیز نشان داده‌اند که درتحمل محرومیت‌های ناشی از تحمیل جنگ ومحاصرهٔ اقتصادی متحمل تر ازهرطبقه وگروه دیگراجتماعی هستند. تنها باتوجه به بیکاری میلیونها نفر از میان کارگران و گرانی سرسام‌آور هزینه زندگی وتورم شتابان سه‌ساله اخیر، که بار همه آنها بیش از همه بدوش کارگران وزحمتکشان تحمیل‌شده، میتوان بدرجهٔ فداکاری و از خودگذشتگی آنها بخاطر دفاع ازانقلاب و تامین پیروزی نهائی آن پی برد.

باتوجه به شم قوی‌طبقاتی وآگاهی سیاسی در طبقهٔ کارگر و آمادگی عظیم آن‌برای فداکاری، به‌هیچوجه نمیتوان این طبقه را به‌کوچکترین تخطی‌از خط اصیل انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی برهبری امام خمینی متهم ساخت. بهمین جهت پیدایش حوادث اعتصابی، نظیر آنچه در هفتهٔ قبل‌در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی شاهدآن بودیم، عللی خارج از خواست واراده‌ٔ کارگران‌و زحمتکشان دارد. این علل را، همانطور که‌در ابتدا اشاره کردیم، باید از یکطرف درتحریک‌واخلال‌ضد ـ انقلاب و از جانب دیگر درایجادنا ـ رضایتی درمیان کارگران و زحمتکشان جستجوکرد.

ضدانقلاب و کارشکنی در محیط های کار

ضدانقلاب داخلی مرکب‌ازکلان‌ـ سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی، که هدف آن شکست انقلاب وبازگشت به زیر سلطه امپریالیسم جهانی‌است، در واحدهای تولیدی ـخدماتی هنوز دارای پایگاه‌های محکم‌وفعالی است. عوامل‌لیبرالی درواحدهای بزرگ تولیدی ـخدماتی، تاهمین امروزشبکه وسیعی از مدیریت واحدهای‌صنعتی‌را دراختیار دارند. این‌عوامل با ایراد فشار از جوانب گوناگون، سعی در اخلال در کار واحدهای‌تولیدی ـ خدماتی‌مینمایند. به‌تعطیل‌کشانیدن این‌واحدها، بیکارکردن اقشار وسیعی ازکارگران، اعمال تبعیضات‌گوناگون نسبت به‌کار گران و کارمندان‌انقلابی ـ همه اینها شیوه‌های مختلف کارشکنی لیبرال‌ها درمحیط های‌تولیدوخدمات است. هدف عمده ایجاد نارضایتی‌در میان‌کارگران وزحمتکشان ووادارکردن آنها به‌اعتراض و درگیری با حاکمیت انقلابی است.

نفاق افکنی میان کارگران و حاکمیت انقلابی

تصورنشود که‌لیبرال‌ها تنها در سطح مدیریت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی ـ خدماتی ایجاد نارضایتی میکنند. حتی در سطح مقامات عالیهٔ کشور، ماشاهد کارشکنی و اخلال‌عمدی در محیط های کار بوده‌ایم. در زمان بنی‌صدر معزول و فراری، وزارت‌کار با تصویب‌لایحه قطع سود ویژهٔ کارگران اقدام به اخلال جدی در محیط‌های کارنمود. جالب اینکه‌گناه‌این اقدامات ضدکارگری به‌گردن‌روحانیت مبارز انداخته‌میشد، تامیان‌کارگران وحاکمیت انقلابی ایجادنفاق‌ودرگیری‌شود. این امریست که شهید آیت‌اله بهشتی‌رسما" به‌آن‌اشارنمود واعلام داشت که‌عناصر لیبرال درغیاب روحانیت مبارز به تصویب لوایح ضدکارگری اقدام می ـ کردند و وقتی کارگران به اعتراض کشانیده‌می‌شدند، به آنها میگفتند که این کار روحانیت‌مبارزاست.

بهترین روش درحل مسائل کارگری مذاکره با خودکارگران است

طبقهٔ کارگری که برای دفاع از انقلاب همه‌گونه فداکاری‌میکندومتحمل سنگین‌ترین‌بار جنگ وانقلاب‌است، به حق انتظار دارد که تصمیمات مربوط به کار و زندگی او، باشرکت خود او و نمایندگانش گرفته شود. درمیان‌ـ گذاشتن مشکلات و تصمیمات ضرور با خودکارگران بهترین روش حل‌مشکلات است. درنتیجه جای این سئوال باقی است که: چرا تصمیم به‌لغوسهمیه‌تولید از قبل‌با کارگران درمیان‌گذاشته‌نشده‌و رضایت منطقی آنان‌به‌اتخاذ‌این‌تصمیم جلب نشده‌است.

کارگران وزحمتکشان دررژیم طاغوتی گذشته به شدیدترین وضع استثمار میشده‌اند. یکی از اشکال این استثمار شدید، پرداخت بخشی از دستمزد آنان به‌صورت جنس‌بوده‌است. سهمیه‌تولید جز تشدیداستثمار وغارت کارگران و وادار ساختن آنان‌به‌تحمل فشارهای‌گوناگون درمحیط‌کار، نتیجه دیگری برای کارگران نداشته است. طبیعی است که آگاه‌کردن تودهٔ کارگران با این وضع میتوانست و میتواند نتایج مفیدی در اجرای قطع سهمیه تولید و یا هریک از اشکال دیگر باقیمانده‌غارت واستثمار کارگران داشته‌باشد. اینکه بدون اطلاع کارگران و بدون توجه به اینکه‌آنان باید برای قبول وضع جدید آمادگی داشته باشند، تصمیم متخذه دربارهٔ قطع سهمیهٔ دستمزد به‌اجرا گذاشته شده، البته جز اینکه محیط آشفته‌ای در میان کارگران بوجود آورد نتیجه دیگری نمیتوانست داشته‌باشد. دراینجاست که عناصر معینی، به‌قصد به‌اعتصاب کشانیدن کارگران، ازتصمیم لغو سهمیه تولید سوءاستفاده‌کرده‌اند.

قطع سهمیهٔ تولید علت اصلی اعتصاب نیست

قطع سهمیه تولید نمی توانست به‌اعتصاب و تحصن در یکواحد بزرگ صنعتی بیانجامد، در صورتی که علل وموجبات دیگری برای عدم رضایت وجود نمی داشت. متاسفانه بایدگفت که‌چنین موجباتی را، چه‌لیبرال های ضدانقلابی‌از بالا وچه‌قشرهای به‌ظاهر مسلمان ازپائین، درمحیط‌کار ایجاد می‌کنند. عدم تامین‌امنیت‌شغلی، زیر پاگذاشتن قوانین کارواخراج‌های‌بدون دلیل تنها بعلت تفاوت‌های‌عقیدتی و نظایر آن‌مدتهاست محیط های کار را آشفته نگاه داشته‌است.

از اقدامات بیرویه و غیرقانونی در محیط های کار باید جلوگیری کرد

در کارخانه استارلایت همین چندی پیش یکباره تصمیم به اخراج ۴۰۰ زن گرفته شد. در کارخانهٔ تلویزیون بلموند ۷۰ کارگربه‌جرم بهائی بودن‌اخراج‌شده‌اند. درچیت‌شهر ری به‌کارگران‌زن اخطار شده‌است که در شیفت شب کار کنند و درصورت عدم قبول، از کار اخراج خواهند شد.

از این نمونه‌های بی‌قانونی در محیط های کار، که همهٔ آنها‌نتیجهٔ تحریک واخلال لیبرال‌های‌ضدانقلابی ازیکطرف و قشریون مسلمان‌نما‌ازجانب دیگر است، بسیار میتوان‌نشان‌داد.

متاسفانه باید گفت که اقدامات اولیه در وزارت‌کار در روزهای‌اخیرنیز شاهد چنین‌برخوردهائی‌نسبت به کارگران است. اظهارات وزیر کار در ارتباط با اعتصاب اخیر، وتهدید اینکه باید کارخانه را تعطیل کرد و گویا کارگران موجب ضرر وزیان کارـ خانه‌هستند، نشان‌میدهدکه هنوز با مسائل‌کارگری به‌شیوهٔ سابق برخورد میشود. بخشنامه‌وزیرکار، که درروز ـ نامه‌های عصر سه‌شنبه‌وصبح‌چهارشنبه ۱۷ و ۱۸ آذر ۶۰ درج شده وطی آن به‌هیئت‌های حل اختلاف‌دستورداده میشودکه‌به‌نفع کارگران اخراجی، که دگراندیش باشند، رای صادرنکنند، نشانه‌یک برخورد غیرمنطقی وغیر ـ قانونی نسبت به‌کار و زندگی‌کارگران‌و زحمتکشان است.

کارگران درشرایط کنونی اعتصاب رامردود می شمارند

کارگران و زحمتکشان کشورما، با آگاهی‌تمام، در شرایط‌کنونی ازتوسل به‌اعتصاب وتحصن و درگیری رو ـ گردانند. آنها‌بدرستی میدانندکه به هیچ دلیلی اعتصاب‌وکم‌کاری‌درشرایط جنگ ومحاصرهٔ اقتصادی مجازنیست. به‌همین‌جهت اعتصاب غیر مترقبهٔ هفتهٔ قبل‌را بایداقدامی خلاف‌میل‌خود کارگران دانست. اماوقتی ضد انقلاب باترفندهای گوناگون وبااستفاده از تصمیمات خلق‌الساعه زمینهٔ مساعدی برای اخلال و تحریک میان کارگران پیدامیکند، اینرادیگر نباید به حساب کارگران‌گذاشت. اینجا باید‌درصدد‌درفع عوامل ایجادنارضایتی‌برآمدوبرای‌حل مسائل‌کارگری‌پیش‌ازهمه‌ازخودکارگران یاری گرفت.

نقش تشکل های صنفی در محیط کار

محیط های کار براثر مخالفت با تشکل‌های‌انقلابی‌وآگاهانه‌صنفی‌ازجانب لیبرال‌ها، در برابر اخلال و کارشکنی ضدانقلاب از هرقماش بلادفاع نگاه داشته شده است. فقدان تشکل‌های صنفی آزاد و مستقل در واحدهای تولیدی ـ خدماتی موجب شده‌است که توده‌کارگران ازشرکت فعال در حیات اقتصادی ـ اجتماعی موسسات خود، از جمله مبارزه متشکل و نیرومند علیه اخلال گران ضدانقلابی محروم بمانند.

وجودتشکل‌های صنفی، که همه کارگران و زحمتکشان را صرفنظر از تفاوت در جنس وسن و نژاد و ملیت‌و مذهب وعقیده دربرگیرد وآنان را به خاطر دفاع ازانقلاب و منافع کارگران متحد سازد، بهترین تضمین در برابر حوادث و وقایع غیرمترقبه‌درواحدهای تولیدی ـ خدماتی است. باید به کارگران اعتماد داشت وبه آنها اجازه داد که آزادانه تشکل‌های صنفی خودرا در دفاع‌از انقلاب وتامین‌خواست‌های بحق‌وقانونی صنفی‌خود بوجودآورند. تحکیم دستاوردهای انقلاب، ایجاد تفاهم کامل میان طبقهٔ‌کارگر وحاکمیت انقلابی وتضمین انقلاب دربرابرخطرـ های آتی، ازچنین‌راهی‌میگذرد.

بمناسبت...

بقیه از صفحهٔ ۱

قانون آغازشده، فعالیت‌تروریست‌هاـ که عمال سیا وساواک‌ومجاهدین فریب خورده مجریان آن هستندـ تشدید شده‌است. متحدضدانقلاب، که در حاکمیت قانون‌مرگ نزدیک‌خودـ و به ویژه عمال نقابدار خودـ را حتمی می‌بیند، می‌کوشدتابه‌هرترتیب‌مانع از استقرارقانون شود. جبههٔ متحدضدـ انقلاب برآنست، تا با ترور رهبران درجهٔ اول جمهوری اسلامی‌ایران جو انتقام‌جوئی رادامن زند وکار را به واکنش نامعقول‌افراد‌غیرمسئول‌بکشاند. جبهه‌متحدضدانقلاب میکوشد تاازایجاد امنیت در سایه‌قانون جلوگیری‌کند و بجای‌آن به هرج‌ومرج دامن بزند و چنین‌وانمودسازدکه فضای سیاسی جامعه‌مملو از رعب ووحشت است.

ولی‌بیگمان این‌نیرنگ‌ضدانقلاب نیزثمری‌نخواهد دادوتوطئه مقابله با استقرار قانون درهم خواهدشکست. جامعهٔ انقلابی‌ایران‌امروز نیازمند قانون وامنیت است و جبهه‌انقلاب بی‌تردید در مستقر کردن‌قانون موفق خواهدشد.

"اتحادمردم" "شهادت آیت‌اله دستغیب ویارانش را به‌مردم قهرمان ایران، بورهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران‌و به خانوادهٔ آن شهید و دیگر شهیدان این‌فاجعه، صمیمانه‌تسلیت می‌گوید. ما تردید نداریم‌که این‌خون‌های پاک درخت انقلاب بزرگ مردم‌ایران را آبیاری خواهدکرد.

لیبرال ها ...

بقیه از صفحه ۶

زودی شاهد روزهای تاریکی خواهند بودکه‌ازاستقلال جز آرزوئی‌و ازآزادی جز سکه‌ای وازجمهوری‌اسلامی‌جزحزبی باقی‌نماند...

وسرانجام لیبرال‌هاروز سوم خرداد سال ۱۳۶۰، ضمن‌مقاله‌ای‌تحت عنوان "کی‌برود؟" "حرف‌آخر رازدند: "...رئیس جمهوراستعفابدهد وبرود؟ چرا برود؟ ده‌میلیون‌ونیم‌نفر ازمردم‌این‌مملکت که‌صاحبخانه‌اصلی هستند به او رای داده‌اندوایشان آن آراء را امانت وماموریتی‌ازجانب ملت می‌داند..."

لیبرال‌ها در پاسخ "کی‌برود؟" صریحاگفتندکه‌بهتراست‌نخست وزیر شهیدرجائی برود وبنی‌صدربماند.

وعاقبت هم وقتی‌که دیگرخیلی احساساتی‌شده‌بودند ومحبت‌شان به بنی‌صدرحسابی‌گل‌کرده‌بود، از قول یکی‌از "هموطنان" (۶بهمن۵۹) شعری درمدح‌بنی‌صدرسرودند، که‌بعضی از مصرع‌های آن را دراین‌جامی‌آوریم: "ای‌گل‌آتش و خون! نخل‌برومندشرف!

....

نشناسندبهای توچوکوته‌نظران

....

ای پریزاد اسیرآمده درخوان‌فریب

....

روسیه‌دردوجهان‌دشمن‌مکارتوباد...

(همانجا)

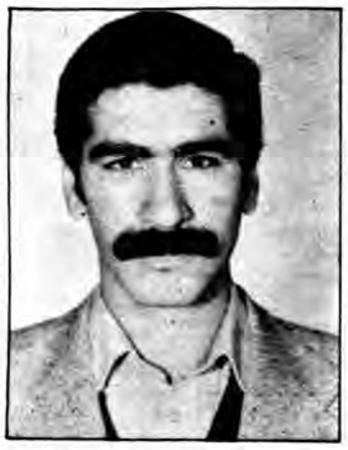
آری، "بزرگترین‌متفکرجهان"! "پریزاد" هم‌ازآب‌درآمد، پریزادنخل مانندواسیرآمده درخوان فریب!

ولیبرالهای ایرانی بر خوان فریب واقعی‌چه‌ها که‌نگستردند. ما‌این خوان آمریکا پذیرفته‌رادرضیافت لیبرالهاـ بنی‌صدرازهفته‌آینده در ابعادمختلف و رده‌های همخوانی بررسی خواهیم‌کرد.

ادامه‌دارد

نوروز نوروزی ورزقانی

شهیدی از تبار پا برهنه‌ها



هر روز بهشت میهن انقلابی ما درجنگ‌بی‌امان باامپریالیسم آمریکا و نوکران‌داخلی‌وخارجی‌آن‌ازخون‌پاک‌ـ باخته‌ترین‌جوانان‌ماگلگون‌ترمیشود. هر روز گروه تازه‌ای از بهترین‌فرزندان انقلاب‌برخاک‌می‌افتندودشمن‌زبون‌ترو عاجزتر به کنام خودمی‌خزد.

شهیدنوروزنوروزی‌ورزقانی در زمره‌این‌قهرمانان وپاکباختگان‌بود. او درجریان پیروزیهای عظیم‌اخیرنیروـ های‌انقلاب برمتجاوزین‌صدامی و در تدارک یورش‌های‌گسترده‌تر بر دشمن، در ۱۲ آذرماه ۶۰، داوطلبانه برای اکتشاف به‌نزدیکترین‌خط مقدم‌جبهه متجاوزین راه یافت و پس از آن که اطلاعات دقیقی‌ازآرایش قوای‌دشمن و تجهیزات‌آنهامخابره نمود، براثراصابت ترکش خمپارهٔ دشمن‌به‌شهادت‌رسید.

پیکرگلگون‌شهیدنوروز نوروزی‌در تاریخ ۱۹ آذرماه به‌همراه‌پیکر ۷ شهید دیگرازفرزندان‌مردم‌زحمتکش‌کرج، بطور رسمی‌توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی‌کرج، باحضورده‌ها هزار تن از مردم‌این‌شهرکه برای وداع با عزیزان قهرمان خود به خیابانهاآمده‌بودند، تشییع شد.

پیش‌از برگزاری‌مراسم، درمسجد جامع‌این‌شهر، یکی‌از روحانیون در بزرگداشت شهداء سخنانی‌ایراد کرد و ازجمله در مورد شهید نوروز نوروزی ورزقانی‌گفت: "اوشهیدی از تبار پابرهنه‌ها و یک‌مبارزضدامپریالیست بود. واقعیتی‌که، شهید **نوروزنوروزی** با شهادت‌حماسی‌خویش بر وفاداری‌خود برآن‌صحه‌گذارد.

شهیدنوروز نوروزی، این فرزند وفادارسلاله‌کاروزحمت، فارغ التحصیل دانشکدهٔ‌علوم اجتماعی و تعاون (دکترشریعتی) در رشته‌مردم شناسی بود.

"اتحاددمکراتیک‌مردم‌ایران" شهادت‌این‌فرزند دلیر و وفادارانقلاب اسلامی‌ایران‌راکه مدتی‌ازهمکاری نزدیک وی برخورداربود، به همسر، پدر و مادر و همرزمان ودوستانش صمیمانه‌تسلیت‌می‌گویدویادش‌راگرامی می‌دارد.

تصحیح

در جدول دوم ستون سوم‌مقاله "رژیم‌ضیاءالحق..." شماره ۱۰۶ "اتحادمردم" پیش‌از ارقام سطرآخر باید ممیز بیاید، که به‌این وسیله تصحیح می‌شود.

ریگان کارزار ضدلیبیایی خود را گسترش می دهد

خبرگزاری لیبی گــزارش های "واشینگتن" را دربارهٔ دسیسه‌ای‌برای ترور ریگان تکذیب کرد. برپایه ایــن گزارشها، ۵تروریست، که‌گویا در لیبی آموزش‌دیده‌اند، اکنون‌برای‌کشتن‌رئیس جمهورو چند تن از دستیارانــش در ایالات‌متحده بسرمی‌برند!

خبرگزاری لیبی این گزارشها را "حلقه‌ای دیگر از زنجیره کارزارضد ــ لیبی "آمریکا می‌خواند.

به‌گفته معمر قذافی، رهبر لیبی، "سازمان‌جاسوسی آمریکا" درصددترور اوست. او درمصاحبه‌ای‌با "کوریرا دلا سرا" (ایتالیا) گفت:

"کارزار ضد لیبیائی در ایالات متحده و دیگر نقاط بخشی از دسیسه علیه کشورمن‌است."

وی ادعاهای رسانه‌های‌گروهــی آمریکا را درباره‌شرکت‌لیبی‌درترور یسم بین‌المللی تکذیب کرد.

معمرقذافی گفت:

"ماهمیشه میان "سازمان‌آزادی‌ـ بخش‌فلسطین" ودیگرجنبشهای‌آزادی‌ـ بخش‌ملی، که‌ماازآنها‌پشتیبانی‌می‌کنیم وسازمان‌های تروریستی، چون "بریگارد های‌سرخ" درایتالیا فرق گذاشته‌ایم."

قذافی درمصاحله‌ای دیگــر با تلویزیون "ای.بی.سی." آمریکا، دولت ایالات‌متحده رامسئول تیرگی روابــط میان‌لیبی و آمریکا خواند. وی خاطر ــ نشان‌ساخت، که:

"لیبی هیچگاه تسلیم‌فشارایالات متحده‌برای‌سیادت‌بردیگر کشــورهــا نخواهد شد."

معمر قذافی ادعای دولت آمریکا رامبنی براینکه لیبی به‌تشویق‌تروریسم بین‌المللی می‌پردازد، "بکلی بی‌پایه" خواند وگفت که عمال "سیا" در پی ترور او هستند.

به‌نوشتهٔ "نیوزویک"، دولــت ایالات‌متحده‌متحدان‌اروپای غربی‌خود رابه‌تحریم‌اقتصادی‌لیبی‌فراخوانده‌اســ

ازسوی دیگر، دولت ریگان‌سفــر آمریکائی‌ها رابه لیبی ممنوع ساخت و ازشهروندان‌خود درآن کشور خواست، تابیدرنگ خاک‌لیبی را ترک کنند. با این‌گام، دولت‌آمریکا کارزار تحریک‌ـ آمیز خودراعلیه‌این‌کشورضدامپریالیست ومستقل‌گسترش‌میدهد.

هیگ در بروکسل‌به همتــاهای اروپای باختری‌خودگفت‌که "واشینگتن" قصدتحریم اقتصادی لیبی را دارد واز آنهاطلبید که‌دراین زمینه از آمــریکا پشتیبانی کنند.

وقایع مهم جهان در یک هفته

تمرین "پنتاگون" برای مداخله درخاورمیانه پایان یافت

مانورهای "ستاره‌درخشان"، که روز۲۳ آبان۶۰ (۱۴نوامبر۸۱) درمصر آغازشد و در سومالی وسودان ادامه یافت، باپیاده شدن‌سر بازان‌آمریکایی درعمان پایان پذیرفت. این‌مانورها، که ازنظروسعت‌بی‌سابقه بوده است، "سپاه واکنش سریع"، بمب‌افکن‌های "بی ــ ۵۲"، تانک‌ها، توپــخانه ها و رزمناوهای بیشماری‌را در برگرفت.

هدف از مانورهای "ستاره‌درخشان "تمرین برای‌مداخله "پنتاگون" در منطقه بوده‌است.

جنبش هواداران صلح گسترش می یابد

بیش از ۳۰۰هزارنفرازهوداران صلح درآتن (یونان) بــه تظاهرات پرداختند. آنها درشعارهای خــود خواستار عدم‌استقرارسلاح‌های‌هسته‌ـ ای درخاک‌یونان ودیگر کشورهای‌اروپا شدند. تظاهرکنندگان‌همچنین‌فریــاد می‌زدند: "برچیده‌باد پایگاه ها ی نظامی آمریکا در یونان!"

تظاهرات‌همانندی‌دراشتوتگارت اس‌واولم، سه‌شهر آلمان‌غربی، برگزار شد. درتظاهرات دیگری در بارسلنا (اسپانیا) ۲۰۰هزارنفر شرکت‌کردند. مردم‌ایتالیا، دانمارک و سوئیس نیز درگردهمایی‌های وسیع‌اعتراض‌خود را علیه‌نقشهٔ‌استقرارموشک‌های میان‌برد هسته‌ای آمریکا در اروپای غربی‌ابراز داشتند.

"کمیسیون مستقل سلاح زدایی وامنیت" به‌اجلاس خود درتوکیوپایان داد. ریاست‌این‌کمیسیون را اولوف پالمه، صدر "حزب سوسیال دمکرات‌کارگر" سوئد بعهده دارد. این کمیسیون‌پاره ای از سیاستمداران‌ودانشمندان‌نامدار راازاتحادشوروی، ایالات متحده، آلمان‌فدرال، بریتانیا، هند و غیره‌در برمی‌گیرد.

پالمه در کنفرانس‌مطبوعاتی‌گفت:

"اعضای کمیسیون‌همگی‌معتقدند که‌پس‌ازپایان "کنفرانس‌ژنو" دربارهٔ تحدیدسلاح‌های هسته‌ای در اروپا، دو کشور باید بیدرنگ به مذاکره پیرامون سلاح‌های هسته‌ای‌استراتژیک‌بپردازند".

فلسطینی‌ها خواستار تشکیل کشور مستقل خویش هستند

بگفته‌یاسرعرفات، رهبر "سازمان‌آزادی‌بخش‌فلسطین"، هدف‌از توافق ایالات‌متحده آمریکا و اسرائیل‌درباره همکاری‌استراتژیک "کوشش‌برای‌ارعاب مردم خاورمیانه‌است".

عرفات، که در گردهمائی دریکی‌ازاردوگاه‌های‌پناهندگان فلسطینــی سخن‌می‌گفت، افزود:

"علیرغم همه‌تهدیدات، اعراب فلسطینی، همراه با همــهٔ‌خلق های عرب، به‌پیکارخود برای عقیم‌نهادن‌دسیسه‌های‌امپریالیستی‌ـ صهیونیستــی درمنطقه‌ادامه‌خواهند داد".

ازسوی‌دیگر، اعتصاب‌عمومی درکرانه باختری رود اردن‌عملا زندگی را دراین‌منطقه‌فلج ساخت. اشغالگران اسرائیلی‌صدهاتن از مردم غــزه را به دادگاه‌های‌نظامی سپردند. روزدوشنبه ۹ آذر ۶۰ سربازان اســرائیلی به روی دانش‌آموزان آتش گشودندو دوتن از آنها را هلاک کردند. شهردارفلسطین گفت:

"فلسطینی‌ها می‌خواهندآزادزندگی‌کنندو در سرزمین‌خود دارای‌کشور مستقل‌خویش باشند".

یکی از کودتاچیان سیشل کارمند بلندپایه سازمان جاسوسی "پرتوریا" بود

جووینلاگونتیهٔ، نماینده‌سیشل درسازمان‌ملل‌متحد، ازمجمع عمومــی خواست، تادادگاهی‌بین‌المللی برای محاکمهٔ‌مزدورانی که‌چندی پیــش به کودتایی نافرجام علیه آن کشوردست زدند، برپاشود.

بگفته "جوونیلاگونتیه" بیشتــر کودتاچیان شهروندان آفریقای جنوبی بودند.

"نورالدین‌جودی"، معاون‌دبیر کل "سازمان‌وحدت‌آفریقا" گفت:

"شواهد انکارناپذیر شــرکــت آفریقای‌جنوبی را درکودتای‌نافرجــام سیشل ثابت‌می‌کند."

"نورالدین‌جودی" از سیشل و مزدوران دستگیر شده بازدیدبه عمل آورده‌است.

به‌گفته رئیس‌جمهورسیشل، یکی ازاین‌مزدوران‌یک‌عضو بلنــد پایهٔ سازمان‌جاسوسی‌آفریقای جنوبی است. این‌مزدور اعتراف‌کردکه‌دولت‌آفریقای جنوبی ازنقشهٔ‌کودتا آگاه‌بوده‌است.

جمهوری سیشل خواستاراجلاس "شورای‌امنیت سازمان‌ملل‌متحد" برای رسیدگی به کودتای نافرجام مزدوران خارجی علیه این کشور شد.

۲۸ میلیون بیکار درکشورهای رشدیافتهٔ سرمایه داری

بگزارش "سازمان همکاری وتوسعه‌اقتصادی" بیکاری‌در ۲۴کشور سرمایه‌ـ داری عضو این سازمان تا پایان سال جاری‌میلادی (۱۰دی۱۳۶۰) به مرز ۲۸میلیون‌خواهدرسید. تنها‌درکشورهای "بازارمشترک" ۹۷۰۰۰۰۰نفر بیکار خواهندبود.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیازومدیرمسئول:
محمودا عتمادزاده (م.ا.به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

در افغانستان ۶۰۰ مدرسهٔ جدید گشایش یافته است

پس‌ازانقلاب‌ثور۱۳۵۷ افغانستان، دراین‌کشور بیش از ۶۰۰ مدرســهٔ جدیدگشایش یافته‌است. پیش‌ازانقلاب دست کم ۹۰درصدافغانی‌ها بیســواد بودند. اکنون بیش‌از ۵۳۰۰۰۰نفر خواندن ونوشتن می‌آموزند.

مدارس افغانستان یکی‌ازهدفهای عمده‌ضدانقلابیونی‌است که از خارج به‌این‌کشور فرستاده می‌شوند. آنها به انفجار مدارس و آزار دانش‌آموزان و آموزگاران دست می‌زنند.

گستاخی سرکردگان همبستگی به اوج خود می رسد

ووسسح یارولسکی، دبــیر اول کمیته‌مرکزی حزب‌متحدکارگری لهستان ونخست‌وزیر آن‌کشور، گفته‌است‌که:

"کشور دوران دشواری آکنده از خطرات و معضلات را می‌گذراند."

یاروزلسکی، که در "روز معدن‌ـ چیان" درشهر "دوپرووآگورنی‌چا" سخن می‌گفت، اظهار داشت‌که:

"برنامه‌کنگره نهم "حزب متحد کارگری لهستان" برای‌غلبه‌بردشواری هاتنهاهنگامی به‌نتیجه‌خواهد رسیدکه قانون و نظم برقرارشود و مردم کــار عادی خورا از سرگیرند."

رهبر لهستان‌گفت:

"نیروهای ضدسوسیالیستی در کشور اخیرا می‌کوشند تاحزب راازطبقه کارگرجداسازند."

رهبری "همبستگی‌پس‌از جلسهٔ اخیر خود در "رادوم" اظهار داشت که‌برای غلبه بر بحران کنونی کشــور حاضر به‌همکاری با دولت نیســت.

سخن‌گوی دولت دراینباره‌اظهارداشت:

"این‌موضعگیری‌نشان‌میدهد که چه‌کسی‌مسئولیت‌اوضاع‌کنونــی را در کشور بعهده دارد. رهبران "همبستگی" تعهدات‌پیشین‌خودرا فراموش‌کرده‌اند ونقش مخالف دولت راپیش گرفته‌اند. آنها به‌مبارزهٔ‌آشکار با سوسیالیسم برــ خاسته‌اند. این‌رفتاررهبران "همبستگی" وضع بسیارخطرناکی‌را درلهستان‌پدید آورده‌است."

ازسوی‌دیگر، "بویاک"، یکی از رهبران "همبستگی"، خواستار تسخیر ایستگاه‌رادیوتلویزیون دولت شــد.

"کورون" و "ورولفسکی" نیز سخنان همانندی اظهارداشتند.

به‌نوشتهٔ "تریبونالودو":

"خواست‌های‌جرگه "رادوم" وجه مشترکی بــافعالیت‌های‌سندیکائی‌ندارد بلکه‌دارای‌سرشتی‌ضدقانون‌اساسی‌است".

آخرین گزارش‌ها حاکی‌است که عناصر ضدانقلابی مبارزهٔ‌خود را با "حزب‌متحدکارگری لهستان"، دولت لهستان وسوسیالیسم گسترش‌می‌بخشند سرکردگان "همبستگی" در بسیاری از استان‌ها کارگران را به اعتصاب فرا ــ خوانده‌اند. به‌گزارش تلویزیون‌لهستان رهبران‌محلی "همبستگی" درکارخانه‌ها به‌ایجاد "واحدهای‌کماندویی" دست زده‌اند. همچنین مقداری سلاح وموا د منفجره ازانبارهای دولتی ربوده شد ه است.

ضدانقلاب خواهان برگــزاری انتخابات‌جدید است. در برخی ازشهر ها، اعلامیه‌هایی پخش و درآنها بیستم دسامبر ۸۱ (۲۹آذر۶۰) بعنوان "روز کشتارحزبی‌ها" اعلام شده‌است. ضد ــ انقلابیون همچنین‌خواستارندکه لهستان از "پیمان‌ورشو‌وشورای‌همیاری‌اقتصادی" کناره‌گیرد.

دراین‌شرائط، مقامات‌به تقویــت اقدامات‌امنیتی، ازجمله در ساختمان‌ـ های‌دولتی وحزبی، دست‌زده‌انــد. بسیاری از کمیته‌های ایالتی حزب در قطع نامه‌های خود خواهان مقابله با ضدانقلاب و دفاع از دستــاورد های سوسیالیسم شده‌اند.

نخست وزیر شوروی:

اتحادشوروی خواهان اروپایی بری از سلاحهای هسته‌ای است

نیکلای‌تیخونوف، نخست‌وزیرشوروی، گفت که اتحادشــوروی آماده است تا همه سلاح‌های هسته‌ای خود، چه تاکتیکی و چه‌استراتژیک، را از قاره اروپا برچیند. وی درجریان سفر خود به‌مجارستان افزود:

"اتحادشوروی‌خواهان‌اروپائی‌بری از سلاح‌های هسته‌ای‌ورعایت اکید امنیت برابر همه کشورهاست. مامی‌خواهیم درسالهای ۸۰ شاهدژرفش‌روند تنش‌زدائی و گذاراز مسابقهٔ‌تسلیحاتی به‌سلاح‌زدائی‌باشیم".

سفر تحریک آمیز هیگ به مرز افغانستان

به‌گزارش "فرانس‌پرس"، "شاه احــد نورانی"، رهبر سیاسی‌ومذهبی پاکستان، ازتعلیق قانون‌نظامی بــه هواداری‌برخاست و از ضیــاء الحق خواست، تاهرچه‌زودتر در کشــور انتخابات‌همگانی برگزار شود.

"شاه‌احدنورانی"، علیرغــم اعلام منع همه‌فعالیت‌های‌سیاســی از سوی دولت، در "انجمن‌حقوقدانــان پاکستان" درکراچی سخن‌می‌گفت.

ازسوی دیگر، دراسلام‌آباداعلام شدکه‌الکساندرهیگ، وزیرخارجه‌آمریکا درجریان‌سفرآینده‌خودبه‌پاکستان به مناطق‌مرزی‌افغانستان خواهد رفت. برپایه‌یک‌بیانیه‌وزارت‌خارجه‌پاکستان، هیگ ازیک باصطــلاح "اردوگــاه پناهندگان‌افغانی" دیدار خواهدکرد. دراین "اردوگاه"ها، در واقع ضد ــ انقلابیون افغانی بــرای گسیل به افغانستان‌آموزش‌می‌بینند.

مبادلات بازرگانی "پکن" ــ "پروتوریا" در دو سال ده برابر شد

به‌گزارش "پتریوت" هند، دردو سال‌اخیربازرگانی میان‌چین وآفریقای جنوبی‌ده‌برابر شده‌است.

"پتریوت" می‌افزاید:

""پکن" باواگذاری اورانیــوم غنی‌شده به رژیم نژادپرست، بلند ــ پروازی‌های هسته‌ای آنرا تشویق میکند".

کنفرانس همبستگی با خلق‌های عرب وآفریقایی:

دشمن مشترک امپریالیسم آمریکاست

درلوآندا (آنگولا) یک "کنفرانس همبستگی با خلق‌های‌عرب و آفریقایی" برگزارشد. دراین کنفرانس‌نمایندگــان احزاب‌سیاسی، سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌های‌آزادی‌بخش ملی‌بیش‌از ۶۰ کشورجهان شرکت‌کردند. شرکت‌کنندگان کنفرانس‌به‌بررسی پایه‌های‌همکــاری و وحدت کشورهای آسیا وآفریقا در پیکار با امپریالیسم، صهیونیسم ونژادپرستی پرداختند.

معمرقذافی در پیام خــود به کنفرانس، کشورهای‌عربی وآفریقائی را به "وحدت‌عمل در برابر دسیسه ها ی دشمن مشترک، یعنی امپریالیست‌های آمریکا" فراخواند.

"کنفرانس‌لوآندا" تصمیم گرفت‌که برای‌کمک به‌جنبش‌های‌آزادی‌بخش‌ملی درجنوب‌آفریقا و در کشورهای عربی یک‌صندوق کمک‌احداث‌کند.